سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

پیکار

۷۵

۲۴ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۱۴ مهر ۱۳۵۹ — بها ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره

■ مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۴) — صفحه ۸

■ رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۷) — صفحه ۱۶

■ با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یك سرباز (۶) — صفحه ۶

■ جنگ، پوششی برای استثمار بیشتر کارگران — صفحه ۳

■ پاسخ به نامه ها — صفحه ۱۹

جنگ ایران و عراق و سیاستهای دفاع طلبانه

روند جنگ ارتجاعی ایران و عراق و روشن شدن اهدافی که هردو طرف درگیر در جنگ دنبال میکنند، هرچه بیشتر حقانیت موضع گیری آن نیروهائی که این جنگ را محکوم و تحریم کرده اند، در عمل به اثبات میرساند.

ادامه برادرکشی، ادامه تبلیغات کاذب میهن پرستانه (میهن پورژوازی) هردو طرف، اهداف تجاوزکارانه ای که هریک از دو طرف نسبت به یکدیگر دنبال میکنند، (از یکطرف ادعای ارضی پس پرده و از طرف دیگر صدور انقلاب اسلامی و یا در واقع تقویت جریانهای ارتجاعی وابسته بخود)، کشتار توده های تحت ستم بوسیله بمباران شهرها (چه هوایی و چه زمینی) سرکوب نیروهای انقلابی داخلی به بهانه "اغواگری" "تشابه سازی" و ....، سعی در بسیج توده های ناآگاه بدنبال خود، زمینه سازی سرکوب آینده به وسیله تقویت ارگانهای

بقیه در صفحه ۲

جنگ برای توده های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی ببار می آورد

صفحه ۷

رهنمود به رفقا، اعضاء و هواداران!

راجع به وظایف عملی ما در قبال جنگ ایران و عراق

رفقا! درشرایطی که با گسترش جنگ رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق می کوشند با استفاده از احساسات میهن پرستانه توده ها، "شوینیسم" را در میان آنان دامن بزنند، درشرایطی که رویزیونیستها کمر خدمت به بورژوازی و دفاع از "میهن بورژوازی" بسته اند، درشرایطی که برخی از نیروهای انقلابی وکمونیست نیز دچار توهمات شوینیستی گشته اند، آری در این شرایط توضیح ماهیت این جنگ وعلل خودداری از شرکت در آن وچگونگی تبدیل آن به جنگ علیه ارتجاع امری ساده نیست. از این رو تبلیغ وترویج مواضع سازمان در رابطه با جنگ باید بصورت زیر باشد:

بقیه در صفحه ۲۲

نگاهی به موقعیت اقتصادی و وضعیت زندگی زحمتکشان عراق

صفحه ۲۰

عملیات قهرمانانه پیشمرگان پیکار در کردستان

صفحه ۵

خبرنامه جنگ شماره (۱) منتشر شد

گرامی باد سی ویکمین سالگرد پیروزی انقلاب کبیر چین

صفحه ۱۱

یادداشتهای سیاسی هفته

صفحه ۲۴

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ **جنگ ...**

بوکوب (ارتش) وغیره، همه سازنده هدف ما هست این جنگ، نشان دهنده آن سیاستی است که هر یک از طبقات ارتجاعی حاکم در جامعه ایران و عراق دنبال می کنند.

در این میان موضع رویزیونیستها تا سوسیال سوسیالیستهای میهنی از همه بارزتر است. حزب توده، حزب رنجبران و جریکهای اکثریت، هر یک بنوعی تحت پوشش های رنگارنگ بخدمت بورژوازی "خودی" درآمده، سعی در به انقیاد درآوردن پرولتاریا و توده های زحمتکش دارند. این جاشین به طبقه کارگر تحت شعار "دفاع از میهن" (میهن بورژوازی) کارگران و زحمتکشان ایران و عراق را رودرروی یکدیگر قرار داده، منافع پرولتاریا را تابع منافع بورژوازی نموده، سوگرما با نه جنگ مورد نظر طبقات حاکم را جنگ "میهنی" و "ملی" قلمداد میکنند. اینان کارگران و زحمتکشان را با سلام و صلوات به مسلخ بورژوازی فرستاده و آنرا دفاع از "میهن" جا میزنند. اینان با سوسیالیسم رویزیونیستی بورژوازی را جای منافع توده ها نشان میدهند و خط مشی بورژوازی را جایگزین خط مشی مستقل پرولتری هر دو کشور متخاصم مینمایند. از این شیکاران و جاشین به کارگران میپرسیده شود که شما از کدام "میهن" و از کدام دولت "ملی" صحبت می کنید؟

برخی دیگر از نیروهای چپ کمونیستی به موضع دفاع طلبی افتاده از زوایای گوناگون و در عمل به توجیه این جنگ پرداخته، توهم توده ها را دامن زده و روند انقلاب را با موانع جدی روبرو می نمایند. از این میان به نظرات زیر میبایست توجه نمود:

۱ ـ نیروهائی با برخورد یک جانبه به شکل تبارز این جنگ، و با تذکر این مطلب که چون "میهن" مورد هجوم قرار گرفته است، پس موضع "مستقل" پرولتری عبارت است از دفع مهاجم. اینان شرکت در این جنگ را مجاز دانسته، موضع خود را موضع "مستقل" پرولتری قلمداد میکنند. غافل از اینکه، هرگونه توجیهی برای شرکت در این جنگ نزائیده شود، نتیجه عملی آن عبارتست از کمک به بورژوازی خود. با این موضع انحرافی، این نیروها عملا به موضع دفاع طلبی از بورژوازی افتاده و خواه ناخواه موضع باصطلاح مستقل خود را فدای خط مشی و منافع و اهداف بورژوازی می نمایند. این نیروها علیرغم آنکه جنگ را ارتجاعی میدانند و در ظاهر در برداشت آنان و ما نسبت به ماهیت ارتجاعی دولت اختلافی نیست، لیکن دو نکته را اساسا فراموش میکنند و در نتیجه به انحراف در می غلتند:

الف: جنگ اخیر را فقط از زاویه نتیجه عملی آن، و آن شکلی که این جنگ بخود گرفته است بررسی می نمایند. شکل بارز این برخورد را رفقای رزمندگان ارائه داده اند. این رفقا با تذکر این مطلب که "میهن" ما مورد هجوم قرار گرفته و قسمتی از آن تصرف شده است، شرکت در جنگ را مجاز دانسته و آنرا دفاع از منافع توده ها قلمداد می کنند.

همانطور که در مقالات پیشین توضیح دادیم، جنگ ادامه سیاست از راههای دیگر است. این و تنها این است تعریف مارکسیستی ـ لنینیستی از جنگ. بدین لحاظ می بایست آن سیاستی که هر یک از طبقات حاکم در قبال از جنگ، اتخاذ میکرده اند مورد بررسی قرار گیرد و سپس این بررسی است که نشان خواهد داد ماهیت جنگ فعلی از زاویه منافع پرولتاریا حکومت است. در استخراج تذکر این موضوع لازم است که این بررسی نشان میدهد که هر دو طرف درگیر در جنگ صرفا اهداف تجاوز ـ کارانه ارتجاعی خود را دنبال میکنند و این جنگ ربطی به منافع توده ها ندارد.

ب: در تحلیل جنگ اخیر، ماهیت طبقاتی آن طبقاتی که حاکم بر دو کشور و بر دو "میهن" میباشند، در نظر گرفته نمیشود و با عمل از نظر انداخته میشود. بنظر ما این نیروها از آنجا که نسبت به ماهیت هر دو طرف درگیر در جنگ دچار توهم و آشفته فکری میباشند، در نتیجه به موضع دفاع طلبی می افتند. چه نیروهائی که خصلت ارتجاعی حداقل برای بخشی از هشت حاکمه قائل هستند، چه نیروهائی که رژیم فعلی را ضد انقلابی لیکن با عملکردهای ارتجاعی قلمداد میکنند و چه بسا نیروهائی که با تحلیل یک تحلیل روشن و منسجم از دولت فعلی ارائه نداده اند، هیچکدام نتوانسته اند یک تحلیل مارکسیستی از ماهیت جنگ فعلی و از ماهیت آن طبقاتی که درگیر در جنگ فعلی هستند، ارائه دهند. مسلما هرگاه اگر نسبت به ماهیت این طبقات اشتباه و چندپهلوگوئی وجود داشته باشد، خود ماهیت این جنگ و سیاست اتخاذ شده در قبال این جنگ به انحراف، اشتباه و چندپهلوگوئی و نقاص خواهد رسید. ما از آنجا که بررسی مشخص تر از تحلیل نیروهای گوناگون نسبت به دولت و رابطه آن با استنباطی که این نیروها از جنگ اخیر دارند را در مقاله ای دیگر آورده ایم، از توضیح بیشتر مسئله در اینجا خودداری می کنیم.

۲ ـ نیروهائی از موضع "اومانیستی" به موضع دفاع طلبی و به موضع شرکت در جنگ با هدف "حفظ منافع توده ها" و دفع نیروهای مهاجم افتاده اند. بنا جستن نیروهای نظامی کشور متخاصم، مورد هجوم قرار گرفتن خانه و کاشانه توده ها، از دست رفتن برخی سرزمینها و بخطر افتادن "میهن" و ... توجیهاتی است که در این مورد به آنها استناد می شود.

در برخورد به این دیدگاه باید بیان داشت هرگاه اگر بخطر افتادن منافع توده ها، از زاویه تنگ اومانیستی صورت بگیرد و منافع طبقاتی و مبارزه طبقاتی در مفهوم وسیع آن بکار گرفته شود، آنگاه ماهیت خرده بورژوائی این مواضع آشکار خواهد شد. جنگ در تنوار مرزی، بخطر افتادن منافع توده های مورد نشین رابطه ای مستقیم با کل منافع توده ها، با کل طبقات ستمدیده جامعه دارد. نمیتوان در شهرها یک سیاست و در مناطق مرزی سیاستی دیگر دنبال کرد! هرگاه اگر موضع ما عبارت است از ارتجاعی دانستن این جنگ، عبارتست از مبارزه علیه هر دو رژیم غارتگر و جاوزگر، و هرگاه از زاویه رندحنین توده ای حرکت کرده و با کمک خود را به پراتیک خود، بلکه مطابق با سطح رندحنین توده ای، درجه آگاهی و تشکل آنان، در نظر بگیریم، آنگاه به سایت دفاع طلبی در مرزها (!) سادگی افتاده، سیاستی واحد نسبت به ماهیت این جنگ و کمکهای لازم را اتخاذ خواهیم کرد. لنین در این باره چنین می گوید:

"هواداران توده ای دفاع طلبی انقلابی به قضیه با نظری ساده و عامیانه می نگرند: "من خواهان الحاق اراضی دیگران نیستم، آلمانی بجان من افتاده است پس من از یک امر حق دفاع میکنم نه از فلان سرمایه منافع امپریالیستی". برای چنین شخصی باید توضیح داد و با زهم توضیح داد که امتناع مطلق بر سرمایه تملک شخصی او نیست، بلکه بر سرمایه سات و شرایط توده ای، طبقاتی و سیاسی و ارتباط جنگ با منافع سرمایه و شبکه بین المللی بانکها و غیره است ..." (صفحه ۴۶۱ منتخب آثار)

در مقالات پیشین ما وظایف کمونیستها را نسبت به جنگ اخیر توضیح دادیم. با تذکر دادیم که جنگ اخیر تضادهای طبقاتی در داخل میهن ما را تشدید کرده، تضادهای هشت حاکمه را پیش از پیش حاد نموده و مبارزه طبقاتی را گسترش خواهد داد. این جنگ، از آنجا که جنگی ارتجاعی است، منفع کارگران و توده های زحمتکش هر دو کشور نمیباشد و کسی که هر دو طرف بلند کرده اند بالاخره بر سرشان خواهد افتاد.

به زحمتکشان ما از اهداف ارتجاع حاکم در این جنگ سود میبرند و به زحمتکشان عراقی، تنها سیاست اصولی در این پیش، آن سیاستی خواهد بود که با توجه به روند رشد انقلاب و مبارزه طبقاتی در هر دو کشور، با توجه به ماهیت و اهداف جنگ فعلی، سیاست تحریم فعال و افشای اهداف هر دو طرف درگیر را برای پرولتاریا و زحمتکشان هر دو کشور با زگو نمایند و مطابق با سطح رشد جنبش توده ای، به تاکتیکهای مناسب برای رشد و بازماندهی جنبش بپردازد و این جنگ را تبدیل به جنگ انقلابی علیه بورژوازی حاکم در هر دو کشور بنماید

"هر اندازه که دشواری یک چنین تبدیلی در فلان یا بهمان لحظه عظیم بنظر آید، با زدر شرایطی که جنگ صورت واقعیت بخود گرفته سوسیالیستها هرگز از کار تدارکاتی منظم، مصرانه و مداوم در این زمینه امتناع نخواهند کرد".

"... برهم زدن صلح داخلی، ایجاد سازمانهای غیرعلنی، پشتیبانی از نشریات همبستگی در سنگرها، پشتیبانی از کلیه برآمدهای انقلابی توده ای" ... "پشتیبانی از برآمدهای انقلابی توده ای، بسط و توسعه و تشدید آن، ایجاد سازمانهای غیرعلنی که بدون آنها حتی در کشورهای "آزاد" هم نمیتوان حقیقت را بگوش توده های مردم رساند این است تمام برنامه عملی سوسیال دمکراسی در این جنگ". (صفحه ۳۹۰ منتخب آثار لنین) ■

منتشر شد:

کتابی از آلکساندرا کولونتای زن انقلابی و بلشویک روس، اولین سفیر زن پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، کتابی برای زنان زحمتکش، کتابی برای زنان آگاه.

توطئه های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جنبش کارگری

کارگران مبارز نازنخ، شورای چماقداران را نامرز انحلال پیش بردند

کارخانه نازنخ قزوین - بدنبال اخراج ۳۲ نفر از کارگران مبارز کارخانه نازنخ قزوین که با توطئه طاهرخانی رئیس سپاه پاسداران شهر صنعتی قزوین وعده‌ای از عناصر خودفروخته انجام گرفت، کارگران مبارز این کارخانه با مبارزات پیگیر و خستگی‌ناپذیر شان شورای ضدکارگری کارخانه را که در واقع شورای چماقداران بود تا مرز انحلال پیش بردند.

اما قبل از عملی شدن خواست کارگران و انحلال شورای چماقداران، طاهرخانی مزدور دست به توطئه دیگری زد.

وی با سوار شدن بر موج مبارزات کارگران نازنخ، شورای چماقداران را منحل اعلام کرد و هیئتی ۷ نفره را بجای آنها منصوب نمود تا در برابر رشد و گسترش مبارزات کارگران بدتازه‌ای ایجاد کند. اما بیگمان کارگران مبارز نازنخ در ادامه مبارزاتشان این مانع را نیز از پیش پای خود برخواهند داشت.

جنگ، پوششی برای استثمار بیشتر کارگران

هم اکنون در بعضی از کارخانه‌ها سرمایه‌داران زالوصفت به بهانه جنگ بر شدت فشار بر کارگران افزوده و با استثمار بیشتر آنها تولید را افزایش داده‌اند.

در همین رابطه ساعات کار برخی از کارخانه‌ها نسبت به قبل بیشتر شده و حتی در مواردی کارفرمایان بیشرمانه تعطیلی جمعه‌ها را نیز از کارگران گرفته‌اند در بعضی از کارخانه‌ها هم کارگران بناچار در شیفت (۱۶ ساعت) کار میکنند.

کارفرمایان برخی از کارخانه‌ها به بهانه جنگ و فرستادن پول غذا برای سربازان، غذای رستوران کارخانه را قطع کرده‌اند! و با این بهانه پول غذا را هم برای خودشان بالا میکشند.

بازهم اخراج عناصر مبارز تحت پوشش پاکسازی

در تاریخ ۵۹/۶/۱۲، دوازده نفر از کارکنان صنعت نفت اهواز، براساس رای کمیسیون باصطلاح پاکسازی وزارت نفت از کارهای خود معلق شدند. بر اساس بخشنامه شرکت نفت: "تا مبردگان ذیل طبق رای شماره سی تی ان ۰۳۸۵ مورخ ۵۹/۶/۹ کمیسیون پاکسازی وزارت نفت از تاریخ ۵۹/۶/۱۲ از کار معلق و حقوق و مزایای آنان قطع گردیده است".

۱ - داریوش شهروزی، ۲ - شاهپور روشنی، ۳ - محمد جوادخاتمی، ۴ - شبیر معیل، ۵ - علیرضا حمیده‌فر، ۶ - عباس سعیدی، ۷ - سیدباقر امینی دهکردی، ۸ - اسماعیل باقری، ۹ - غلامرضا مجذوبی، ۱۰ - خیرالله مینازاده، ۱۱ - عبدالحسین نجدی، ۱۲ - صفرحاجیوند.

این کارکنان اغلب از عناصر آگاه و مبارز هستند که با از نمایندگان شورای مرکزی بودند یا از فعالین و سازمان دهندگان اعتصاب عظیم "مهر تا بهمن ۵۷" صنعت نفت اهواز.

کارکنان "پاکسازی" شده در همین رابطه اطلاعیه‌ای منتشر کرده و نشان داده‌اند که "کمیسیون باصطلاح پاکسازی بدون در دست داشتن خلاصه پرونده حکم تعلیق" آنها را صادر کرده است.

با تمام قوا در برابر توطئه اخراج کارکنان متحدانه مقاومت کنیم!

اعتراض کارگران مبارز پرسپولیس به قوانین ضدکارگری

روز سه‌شنبه ۱۸ شهریور کارگران مبارز منابع شیمیائی پرسپولیس برای لغو ۲ قانون ضدکارگری الف - آئین نامه انضباطی، ب - ایجاد سیستم تشویق و تنبیه در کارخانه دست به اعتراض زدند.

مبارزه کارگران ری - او - واک برای کاهش ساعت کار

کارخانه ری - او - واک (قزوین) - پس از تصویب قانون ۴۴ ساعت کار در هفته از طرف شورای انقلاب کارگران ری - او - واک خواهان انجام آن میشوند ولی کارفرما هر روز به بهانه‌ای از انجام آن شانه خالی میکند. کارگران تصمیم به اعتصاب میگیرند و کارفرما ناگزیر عقب نشینی کرده و ساعت کار را به ۴۵/۵ ساعت کاهش میدهد و در مقابل از کارگران میخواهد که تولید را افزایش دهند. وی فریبکارانه استدلال میکند که: "وقتی دولت از مستضعفین حمایت میکند و ساعت کار را کاهش میدهد، کارگران هم باید جبران کنند!"

رفقای کارگر کارخانه ری - او - واک! طبقه سرمایه‌دار و نیز حکومت پشتیبان آن "افزایش تولید" را برای بدست آوردن سود بیشتر میخواهند نه برای رفاه مردم. شما باید برای به اجرا درآوردن ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته مصممانه به مبارزه خود ادامه دهید.

پیروز باشید

سرگردانی کارگران پروژه‌ای

مدتهاست کارگران چند شرکت پروژه‌ای (میکن، تکو، فاستروبلرو...) وابسته به شرکت نفت که تعطیل شده‌اند سرگردانند و هر روز از طرف مسئولین بخصوص شاسی و غرضی به جای دادن کار مناسب به این طرف و آن طرف فرستاده میشوند. در همین رابطه بتازگی بخشی از آنها به هفت تپه فرستاده شدند ولی از آنجا که هیچگونه امکانات رفاهی (محل خواب، غذا، بهداشت و...) وجود نداشت عده‌ای از آنها برگشتند و تعدادی دیگر از فرط بی پولی ماندند.

کوشش متحدانه برای بازگرداندن همکاران اخراجی

چندی پیش کمیسیون باصطلاح پاکسازی با معرفی انجمن اسلامی حکم تعلیق ۱۲ نفر از کارکنان شرکت نفت لاوان (۲ نفر پالایشگاه، ۸ نفر لاپکو و ۲ نفر ریمینکو) را صادر کرد.

از این ۱۲ نفر ۱۰ نفرشان عناصر مبارزی بودند که در اعتصاب سیاسی صنعت نفت نقش فعالی داشتند و تنها ۲ نفر از ریمینکو از روسائی بودند که خود کارکنان بارها خواستار اخراج اینان و امثالشان بوده‌اند.

در پی صدور این حکم کارکنان دست به اقداماتی زدند که موجب بازگشت ۴ نفر از همکاران گشت ولی سازشکاری برخی از کارکنان موجب تهاجم مجدد ارتجاع شد و نه تنها بقیه کارکنان مبارز بازنگشتند، بلکه دو نفر از افرادی که در این مدت برای بازگشت همکاران‌شان تلاش میکردند از کار معلق شدند. تهاجم مجدد ارتجاع دیگر جائی برای خط سازشکاران باقی نمیگذاشت و کارکنان مصم‌تر از قبل دست به کار شدند. آنان در تاریخ ۵۹/۶/۲ مجمع عمومی تشکیل داده و نمایندگانی از بین خود از شرکت لاپکو و پالایشگاه انتخاب کردند. این نمایندگان در حالیکه از پشتیبانی کارکنان برخوردارند در تاریخ ۵۹/۶/۸ برای مذاکره با مسئولین ضد کارگری جهت برگرداندن همکاران مبارز خویش به تهران رفتند.

(اخبار مربوط به کارگران و کارکنان نفت با کمی تغییر از "نفتگر" به پیش شماره ۳۰ نقل شده است)

توضیح: بعلت تراکم مطالب ادامه نقد فیلم مبارزین - باسک را در شماره‌های آینده بخوانید!

پیش بسوی ایجاد حزب طبقهٔ کارگر

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مبارزات کارگران کارخانه عبیدی و عملکرد فدائیان (اکثریت)

● زمانی که مبارزه طبقاتی فراموش شود، اساسی‌ترین اصل مبارزه با نظام سرمایه داری فراموش گشته است و رویزیونیستهای ما نیز زمانی که جلو حرکتهای کارگران را به بهانه‌های مختلف و در سازش با نظام سرمایه - داری و سرمایه‌داران سد میکنند طبیعی است که به شیوه های سرمایه‌دارانه نیز متوسل میشوند.

ادامه از شماره قبل

پس از تحصن دروزارت بیداری مدیرانی از جانب دولت برای کنترل کارخانه تعیین کردند. ادامه حرکات سازشکارانه فدائیان در این مقطع کشیر یافته و دو خط اساسی در کارخانه پدید آمد: خط کارگران مبارز و خط فدائیان. ما در اینجا بین از توضیح مختصری در مورد حرکتهای کارخانه و زمینه های آن نقش فدائیان را در به بن بست کشاندن این حرکات، در چند محور اساسی توضیح خواهیم داد تا زمینه افشای هرچه بیشتر این نیروهای سازشکار و رویزیونیست در عرصه عمل فراهم گردد.

زمینه‌های حرکت در کارخانه

از همان آغاز، مدیران دولتی، خواستهای بحق کارگران را پاسخ نمیگفتند و در مقابل اعتراضات کارگران آنان را به عوامل کارفرما یا خود وابسته میدادند. زمزمه‌های نارضایتی که ریشه از نابسامانی - های درونی کارخانه میگرفت روز بروز گسترش می - یافت. بخاطر نبود یک قطب قوی مبارزاتی و انقلابی کارگران حتی گاه بسمت قطب ارتجاعی سابق، یعنی کارفرما گرایش پیدا میکردند. در رابطه با مسئله سود ویژه که همیشه مسئله اساسی کارگران بوده است، در اواخر سفند ماه مدیران دولتی به این عنوان که کارخانه بودجه ندارد، سودی بعنوان علی الحساب که بسیار کم بود به کارگران دادند که علیرغم نارامی بودن کارگران، بهرحال همین مقدار پرداخت کردند. روز ۵۹/۶/۲۲ در آخر وقت کار یک لیست بدیوار نصب نمودند که در آن طبق حد ولی وزارت کار سود پرداخت میکردند. طبق این جدول از پولی که قبلا پرداخت شده بود از کشر کارگران بمقدار زیاد حتی تا ۱۷۰۰ تومان کم میشد و بتعداد کمی از کارگران در حدود ۱۰ تومان تا ۷۰۰ تومان اضافه میگشت. این مسئله بشکل طبیعی خشم کارگران را برانگیخت و فردای آنروز همه کارگران دست از کار کشیدند و در مقابل این لیست فدکارگری به اعتراض برخاستند. جالب اینجا بود که تمامی کارگران قدیمی بجز یک نفر حاضر نبود پول اضافه را بگیرد و از بقیه کم شود و با بقیه کارگران اعلام همبستگی کردند. این مسئله روحیه کارگران را تقویت نمود. نکته‌ای که مهم است اینکه در این حرکت، عناصر آگاه تقریبا نقشی نداشتند. بخصوص شروع حرکت کاملا خودبخودی بود و این مسئله میتواند در رابطه با ارزیابی حرکات فدائیان مورد توجه قرار گیرد.

برای افشای حرکات تفرقه افکنانه و اعتصاب - شکنانه فدائیان، ما حرکات آنان را در چند محور اساسی مطرح کرده و سعی خواهیم نمود که نقش خائنانه و رویزیونیستی آنان را هرچه بیشتر روشن کنیم.

۱ - شیوه برخورد فدائیان به سود ویژه

رویزیونیستهای فدائی آنچنان در مقابل قدرت سیاسی وفاتوتهایش تسلیم شده‌اند که حتی فراموش کرده‌اند بر اساس منطق خود، در مقابل طبیعی ترین و ملموس ترین خواست کارگران نیز جانب تز "حاکمیت خلق" آنان را بگیرند! آنان چنان چشمهایشان را به واقعیات بسته‌اند که یکی از کارگران به آنان میگفت که شما نمی فهمید این سودی که به ما میدهند سود واقعی است و رویزیونیستهای ما نیز زمانی که جلو حرکتهای بحق کارگران را به بهانه های مختلف و در سازش با نظام سرمایه‌داری و سرمایه‌داران سد میکنند طبیعی است که به شیوه های سرمایه‌دارانه نیز متوسل میشوند. در این رابطه تفرقه افکنی یکی از شیوه های آنهاست. آنان کارگرانی را که برای طبیعی ترین خواست خویش خواهان مبارزه بودند، در مقابل کارگرانی که با عوامفریبی و خطر آمریکا را عمده کردن و بخصوص در این رابطه بدفاع از حاکمیت ارتجاعی برخاستن با خود همراه کرده بودند، در مقابل یکدیگر قرار میدادند. آنان حتی خود به این کارگران توهین میکردند و آنان را در خط آمریکا و غیره می نامیدند. در این روز بحث بر سر مسئله اصولی مبارزه و با سازش در گرفت و علنا به بحث های سیاسی نیز کشیده شده بود و کارگران هرچند در این بحثها وارد نشده بودند ولی بدلیل نداشتن دید روشن از اختلافات کنار میکشیدند.

۳ - ترساندن کارگران از اخراج و بازگشت کارفرما

برای سازش با بیدرحالیکه دشمن را با یک جلوه میدهی روحیه ضعف نیز در صف مبارزه ایجاد کنی و گرنه با وجود روحیه مصمم کمتر میتوان مبارزه‌ای را بسازش کشانید. فدائیان هنوز هضم نشده همه این روشها را موبموبکار می بندند. در این حرکت اعتصاب، آنان بکارگران گفته بودند که اگر اعتصاب کنیم و ما را اخراج کنند آنوقت ما خرج زندگیمان را چکار کنیم که همه کارگران جواب دندان شکنی به آنان دادند و گفتند چطور تا دیروز که یکی از شما اخراج شده بود و همه ما بحمایت از او دست از کار کشیدیم بیاد خرج زندگی ما نبودید ولی حالا برای خودتان و زندگیتان دل می سوزانید.

آنان دقیقا همان سیاستشان در برخورد به هیئت حاکمه را در کارخانه پیاده می کنند. بهمان شکل که توده‌ها را از خطر آمریکا و کودتا ترسانده و بدفاع از قدرت سیاسی حاکم میکشانند در اینجا نیز به بهانه اینکه اگر اوضاع متشنج شود کارفرما برمیگردد و اوضاع مثل سابق میشود کارگران را به حمایت از مدیران دولتی میکشانند و مثل معروف برای آنان سخ داغ میکنند. اینقدر مبارزات ما را می گویند. مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری وابسته معنی ندارد.

۵ - توسل به نمایندگان حزب جمهوری اسلامی برای باطلاح گرفتن حق

رویزیونیستها همیشه و در همه جا بر توده یک گرایشند آنان به توده‌ها و مبارزاتشان اعتقاد ندارند و همیشه چشم خود را به بالا و با یک قدرت بالاتر میدوزند. فدائیان کارخانه ما نیز برای گرفتن حق کارگران و در حقیقت برای خوابانیدن شور مبارزاتی کارگران دست بدامن حزب جمهوری اسلامی شده‌اند. آنان حتی نکایت کارگرانی را که سازشکاریشان را محکوم می - کردند پیش عناصر وابسته به این حزب برده و از آنها گله میکردند! از هی نیترمی و وقاحت!!

فدائیان ما در عمل ثابت میکنند که رویزیونیسم چیزی جز بورژوازی در لباس مارکسیسم نیست.

۶ - تبلیغ بر ضد خط اصولی مبارزه و سیاستی بر ضد کارگران مبارز

آنان کارگران مبارز را بعنوان اخلالگر و طرفداران خط آمریکا باصطلاح افشا میکنند و حتی غیرمستقیم مسئله اخراج اینان را مطرح مینمایند. مثلا یکی از آنان در جلسه عمومی مطرح کرد که با بودن این افراد هیچ حرکتی به پیش نمیرود. آری، خط سازش تا زمانیکه مبارزه جریان دارد و عده‌ای هستند که این آتش را شعله ور نگاه میدارند برای حتی پیش نخواهد رفت آنان با شناساندن افرادی که اعلامیه و یا هر نوشته‌ای پخش میکنند به کارگران فالانژ و یا ناآگاه، جلوی آگاه شدن کارگران را میگیرند و پیش پای مبارزات آنها سنگ می اندازند و به ضد انقلاب خدمت میکنند. اما آگاهی از هر روزنه‌ای پیش میاید و خود را مینماید و رویزیونیستها را در تاریکی و سیاهی نگاه خواهد داشت.

۷ - تبلیغ با بوسی بورژوازی بعنوان یک "شیوه مبارزه"

فدائیان وقاحت را بحدی رسانیده‌اند که حتی چیزهائی را که کارگران طی سالیان دراز با کوشت و پوست خویش احساس کرده‌اند زیر پا میگذارند. کارگران ما سالهاست که میدانند که بین کارگر و سرمایه دار

بقیه در صفحه ۲۱

آنان بین کارگران تبلیغ میکردند که روزنامه بوسه است اگر کارخانه‌ای با آرام باشد بهتر بکل کارفرمای آن را برخواهم گرداند. و بخیال خودشان کارگران را میترسانند. اما هرچه مبارزه اوج بیشتری بگیرد رویزیونیستها بیشتر و بیشتر افشا و طرد خواهند شد.

۴ - ایجاد روحیه یاس و دلسردی در کارگران

بدلیل وجود فدائیان و اینکه آنها حاضر به هیچ - گونه مبارزه‌ای نیستند و هر مبارزه‌ای را در این مرحله بنفع آمریکا و در خط آمریکا میدانند، دودستگی در هر مبارزه‌ای بین کارگران ایجاد میشود و این مسئله بنوبه خود باعث میشود که مبارزه به نتیجه قطعی نرسد و در نتیجه کارگران دچار خستگی روحی و دلسردی میشوند کارگران میگفتند ما نمیدانیم کارگران امپریالیسم را وارد کشور میکنند یا سرمایه‌داران؟ که حالا اینها

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

خلق‌ها و مسئله ملی

موضع ما در کردستان در قبال جنگ ایران و عراق

در شرایطی که جنگ ارتجاعی رژیم ایران و عراق بشدت ادامه دارد، رژیم جمهوری اسلامی لحظه‌ای از سرکوب خلق قهرمان کرد دست نمی‌کشد، و این خود نشاندهنده آن است که رژیم حاکم از انقلابیون کمونیست و حلقه‌های متعدد بیش از هر چیز وحشت دارد.

خلق زحمتکش کرد میگوید: ارتش را از کردستان خارج کنید، ما خود پس از رژیم فاشیستی عراق را به خاک خواهیم مالید و به آن اجازه نخواهیم داد کردستان را عرصه تاخت و تازهای وحشیانه خود کند.

سیاست سازمان ما در کردستان این است:

ما در کنار دیگر نیروهای کمونیست و انقلابی از یکسو در قبال هرگونه حمله ارتش و پاسداران و استقرار آنها در کردستان بشدت مقاومت کرده و تا پای جان در جهت اخراج ارتش و پاسداران از کردستان ایستادگی خواهیم کرد و از سوی دیگر و در همان زمان حملات ارتجاعی عراق را به کردستان بشدت پاسخگو بوده و آنرا درهم خواهیم کوبید.

اخباری از کردستان، سرزمین حماسه‌ها

عملیات قهرمانانه پیشمرگان پیکار در کردستان

● کامیاران ۵۹/۶/۱۴

در این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید امیر) در مسیر جاده کامیاران ـ سنندج، نزدیک پایگاه نظامی "هلتوشان" به کمین جاشها، پاسداران و ارتشیان مستقر در پایگاه مینشینند. در ساعت ۷ بعد از ظهر پیشمرگان یک ماشین لندرور حامل جاشها و پاسداران و همچنین یک دسته از نگهبانان آنها را زیر آتش سلاح‌های خود میگیرند. ماشین بلافاصله از کار افتاده متوقف میگردد، تنها یک سرنشین آن موفق به فرار میشود و از بقیه ۸ کشته و ۴ زخمی بجای ماند. نیروهای دشمن که مورد حمله ناگهانی قرار گرفته بودند، دیوانه وار و وحشیانه دهات اطراف را به خمپاره و رگبار کالیبر ۵۰ بستند، چندین خمپاره به آبادی آسوله اصابت نمود ولی خوشبختانه خسارات مالی و جانی بیبار نیاورد. این درگیری و تیراندازیها تا ساعت ۸/۵ شب ادامه داشت. بعد از این ضربه پیشمرگان که از روحیه‌ای عالی برخوردار بودند، به آرامی و در حالیکه سرود "ای رقیب" می‌خواندند از منطقه عقب نشینی نموده و سالم به پایگاههای خود بازگشتند.

حمله به پایگاههای دشمن توسط پیشمرگان قهرمان، نشان دهنده آن است که دشمن حتی در لانه‌های خود نیز از ضربات پیشمرگان در امان نخواهد بود.

■ ■ ■

● کامیاران (لاین) ۵۹/۶/۱۸

در حوالی دکل مخابراتی "هلتوشان" بر اثر انفجار مینی که توسط پیشمرگان سازمان پیکار گذاشته شده بود، ماشین حامل جاشها و پاسداران واژگون گشته و از سرنشینان آن ۸ نفر کشته و زخمی شدند:

■ ■ ■

● کامیاران (لاین) ۵۹/۶/۲۱

بدنبال مستقر شدن نیروهای دشمن در دکل مخابراتی "هلتوشان" پیشمرگان سازمان پیکار شب هنگام دکل فوق را محاصره کرده و بمدت بیش از نیم ساعت محل استقرار نیروهای دشمن را زیر آتش ←

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

سلاحهای خویش گرفتند. این حمله تندری غافلگیرانه بود که قدرت دفاع را از دشمن سلب نموده و آنان نتوانستند حتی یک تیر بسوی پیشمرگان شلیک نمایند. پس از آن که پیشمرگان تا آرامی از محل عقب نشینی نمودند، نیروهای دشمن مناطق اطراف دکل را به رگبار مسلسلهای خویش گرفتند.

* * *

● مریوان (سنندج) ۵۹/۶/۲۱

ساعت ۵ بعدازظهر این روز پیشمرگان سازمان پیکار به مناسبت حامل حاتیها و پاسداران در داخل روستای سوسه حمله کردند. از تلفات دشمن خبری در دست نیست. بعد از این حمله حاتیها و پاسداران مستقر در پاسگاه "تشوتیز" روستاهای اطراف را به توپ و خمپاره بستند، در این حوالی به پیشمرگان هیچ آسیبی وارد نشد.

(نقل از اخبار رسیده مقاومت "خورد" سنندج سازمان پیکار، شماره ۳۰)

دوتن از جاشها خود و اسلحه هایشان را به پیشمرگان تسلیم کردند

● کامیاران ۵۹/۶/۱۸

در این روز دو تن از جاشهای مستقر در گردنه مروارید (سنندج - کامیاران) همراه با مقدار زیادی مهمات فرار کرده و خود را تحویل پیشمرگان کومله دادند. آنها اظهار می‌نمودند که روحیه جاشها و پاسداران بخصوص بعد از جنگ "زرگری" یعنی صدور حزب جمهوری اسلامی بیش از پیش ضعیف شده و امکان اینکه جاشهای دیگر هم فراری شوند بیشتر شده است.

مصادره درختان مالک ده بنفع دهقانان

● کامیاران ۵۹/۶/۲۰

پیشمرگان سازمان پیکار هنگام حوله (*) در دهات منطقه کامیاران، در یکی از دهات درختان زیادی را که متعلق به مالک بزرگ ده بود بنفع دهقانان و خوش نشینان مصادره کردند. آنگاه نیمی آنان توافقی حاصل شد مبنی بر اینکه از درختهای کرد و بطور

* - فعالیت تبلیغی و ترویجی پیشمرگه ها را که بصورت گروهی و بصورت سیار در روستاهای مختلف برای توده ها انجام میگیرد، اصطلاحا "حوله" می گویند.

اسرائیلی سپرده‌اند و از دهقانان خواسته‌اند که سپاه را مستقر نمایند. این اقدام این وظیفه انقلابی پیشمرگان را خواندن سرودی انقلابی و دادن شعار همراه مردم به آبادی بازگشتند.

رویزیونیستهای فدایی از ترس توده ها آفتابی نمیشوند

● مهاباد

پس از یک هفته از خمپاره باران و گلوله باران شهر مهاباد توسط جنایتکاران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میگذرد.

در این مدت در حدود صد نفر شهید و بیش از ۱۵۰ نفر از مردم زخمی گشته‌اند. در مقابل، پیشمرگان خلق کرد با بمب و خودروهای زرهی و خمپاره ارتجاع و پاسداران ارتجاعی ایستاده‌اند. اما در این میان نظر و عملکرد سازمان چریک‌های فدائی (اکثریت) قابل توجه است. اینان که چندی است با سرمایه‌داران عهد بسته‌اند که از مناطقشان در کردستان و خارج کردستان دفاع کنند و این عهد و پیمان را در مصاحبه‌شان با نشریه تحدید کرده‌اند اکنون در مهاباد نه تنها هیچگونه مرکزی در مقاومت خلق ندارند و هیچکدام از افراد مسلح این سازمان در پیشمرگ مردم خانه ندارند بلکه هواداران آنها که به اسم امداد کار مشغول بکار زده‌اند غیر از رسانه‌ای و تبلیغاتی افکنی بین نیروهای سیاسی و مردم کاری نمیکنند. نکته کلام آنها در این روزها برای خانواده شهدا این است "تمام این اوضاع و احوال و کشت و کشتار تقصیر پیشمرگه هاست!" آیا تقصیر پیشمرگه هاست که رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی با تمام امکانات و نیروهای زمینی و هوائیش شهر مهاباد را میکوبد.

ولی جواب این باصطلاح فدائیان را خود مردم بخوبی میدهند. هرگاه یکی از اینها در گوشه‌ای پیدایش میشود مورد فحاشی و عصبانیت توده‌های خلق واقع میشود مردم آنها را جاش مینامند و خواهان گرفتن اسلحه‌هایشان هستند. تظاهرات بوکان، اکنون بشکل دیگری در مهاباد خود را می نمایاند. چریکهای اکثریت از ترس توده‌های خلق (نه از ترس رژیم) نمیتوانند آفتابی شوند.

محاصره میدان فوتبال
و رادیو تلویزیون

● مهاباد ۵۹/۶/۲۹

از صبح امروز پیشمرگان حزب دمکرات

بقیه در صفحه ۱۸

با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات یک سرباز (۶)

آنها قدر هر گلوله را می دانستند

● ۶ اردیبهشت

امروز هم مثل همیشه صدای گرگننده خمپاره‌ها و گلوله‌ها را آکنده است. صدها از مردمی که زندگیشان در زیر خمپاره‌ها رها شده و سنگرهایشان را سر برده‌اند سر در آورده است. از زمین و هوا شهر را میکوبند. اما مردم با طرز حیرت انگیزی مقاومت میکنند. نیمی از شهر که در دست ما است و آتشهای سنگین بر آن کارگر نیست، هنوز در دست پیشمرگان است. همه‌ای که در مقابل پادگان است و نیمی از شهر را دامنه آن واقع شده، کم و بیش در دست پیشمرگه‌هاست که در آن سنگر دارند و حداکثر به می جنگند! و حداکثر دلگرمی دارد مسأله مقاومت جوانه توده‌ها. شهر سنندج آنچنان مورد یورش قرار گرفته که هر لحظه گمان میبرم که دیگر نمیتواند مقاومت کند. اما مردم تا پای جان می‌جنگند و لحظات مقاومت را طولانی و طولانی‌تر میکنند. لحظاتی که برایشان خمپاره و توپ می آورد... و آنان می جنگند. می‌جنگند... ساعات میگذرد. توپ‌ها، تانک‌ها، هلیکوپترها یورش میبرند... مقاومت ادامه دارد.

امروز بعد از ظهر فانتومی که می‌خواست شهر را بکوبد، اشتباها نیروهای ارتشی را که در تپه کنار پادگان موضع گرفته بودند مورد هدف قرار داد و شش نفر را کشت! وضع پادگان سخت درهم ریخته است. اتفاق می افتد که گروهی رزمی به بالای تپه میرود که آن را اشغال کند، اما پادگان اشتباها آنها را میکوبد!

● ۷ اردیبهشت

امروز تا این ساعت که یادداشت می‌نویسم، صدای مرگبار تانک و خمپاره، قطع نشده است. در ساعت ده صبح، یک هلیکوپتر شکاری، با راکت چند سنگر کرد ها را درهم کوبید و رگبارهای کالیبر پنجاه بر روی شهر بارید. در مقابل این تهاجمات از جانب کردها، تنها ده تا ۲۰ تیر شلیک شد. آنها قدر هر گلوله را می‌دانستند. این نیروهای مسلح جمهوری اسلامی هستند که چنین میکنند. هر چند تا کنون میلیونها تومان نابود شده و صدها تن کشته شده‌اند و انسانهای بیشماری صدمه دیده‌اند و خانه و زندگیشان ویران شده. اما اینها برای حکومت وارثین مسئله‌ای نیست. چرا که هدف آنان ورای اینهاست: جلوگیری از ادامه انقلاب خونین ایران. انقلابی که اگر همچنان پیش برود، مصالح صدرنشینان را درهم خواهد کوبید.

ساعت ۵/۳۰ بعد از ظهر است

صدای مهیب انفجار از خواب بیدارم کرد. در پادگان همگامه‌ای برپاست. بیرون آرتا بشکاه رفتم. در فاصله یک کیلومتری، دود غلیظی به هوا برمیخاست. هلیکوپتر دیگری سقوط کرده بود. هلیکوپتر از ظهر شروع به کوبیدن شهر کرده و یک ضرب شهر را به رگبار می بست.

● ۸ اردیبهشت

ساعت ۱۰/۵ صبح خبر دادند که می‌بایست به سوی پایگاه حرکت کنیم. همه آماده شدند. قرار شده بود که با هلیکوپتر برویم تا ساعت ۱/۵ در انتظار بودیم، که خبر دادند به علت بد بودن هوا، هلیکوپتر پرواز نمی کند.

امروز بعد از ظهر در شهر صدای مسلسل لحظه‌ای آرام نداشت. جهاز تانک به همراه پاسداران به شهر رفته بودند. تانک‌ها می کوبیدند و پاسداران شلیک کنان پیشروی میکردند...

بعد از ظهر توانستم با چند نفر از مردمی که در پادگان بودند حرف بزنم. شنیدن حرفهای آنان برایم جالب بود. پیرمرد بچه‌ای برایم تعریف کرد که چگونه دو دختر مسلح را در همانجا که دستگیر کرده بودند اعدام کردند. پیرمرد ۹۰ ساله‌ای با شور خاصی از مبارزه سخن میگفت. از آنچه بر سرشان رفته بود، بیم نداشت.

خلقی که زنانش، پیرمردانش و کودکانش، اینسان شجاعانه میجنگند،

بقیه در صفحه ۱۸

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جنگ برای توده‌های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی ببار می‌آورد

سرمایه‌داران بخاطر منافعشان جنگ راه می‌اندازند اما زحمتکشان بهای آنرا با خونشان می‌پردازند

■ - رژیمهای ایران و عراق بخاطر منافع ارتجاعی - شان بر آتش جنگ می‌دمند، درحالیکه این جنگ برای زحمتکشان جز بدبختی و فلاکت بارمغان نمی‌آورد.

■ - رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق به بمباران مناطق مسکونی یکدیگر می‌پردازند، رژیم عراق بسیاری از زحمتکشان و افراد غیرنظامی را در قصرشیرین و خوزستان به شهادت رسانده است و ایران نیز با بمباران مناطق مسکونی در بغداد، کرکوک و ... دهها تن از زحمتکشان غیرمسلح را در خانه و کاشانه خود کشته و خانه‌هایشان را ویران کرده است. خانه‌های خشتی و کلبه‌های زحمتکشان ایران و عراق با بمبهای ارتشهای ضدخلقی دو طرف ویران میشود و کودکان و مردان و زنان زحمتکش دو کشور به خاک و خون در می‌غلطند.

■ - سربازانی که در جبهه‌های دو طرف کشته میشوند، فرزندان زحمتکشان هستند که تفنگهای خود را عوض آنکه بسوی سرمایه‌داران کشورهای خود بگیرند بسوی زحمتکشان کشور دیگر نشانه گرفته‌اند در حقیقت بسوی خودشان گرفته‌اند.

رژیم روز بروز عده بیشتری از زحمتکشان را به جبهه میفرستد، هزاران نفر از افراد منقضی خدمت سال ۵۶ را بخدمت فراخوانده و مشغول اعزام عده‌ای از کارگران کارخانجات به جبهه است. کشاورزان و سایر زحمتکش مناطق مختلف را نیز آماده کرده و میخواهد به جبهه بفرستد. رژیم عراق نیز زحمتکشان عراق را مسلح کرده و به جنگ کشانده است. این جنگ در خدمت سرمایه - داران ایران و عراق و امپریالیسم جهانی است، درحالیکه این زحمتکشان هستند که کشته میشوند و زنان و فرزندانشان بی سرپرست می‌مانند و در جامعه طبقاتی کنونی راه برای هرگونه فساد و بدبختی آنها فراهم میشود.

■ - فشار جنگ کنونی نه تنها از نظر تلفات جانی روی زحمتکشان قرار دارد بلکه همچنین مخارج تسلیحات و بودجه جنگی از غارت زحمتکشان فراهم میشود، بودجه - های فرهنگی، بهداشت و ... با زهم کاهش خواهد یافت و در عوض تسلیحات نظامی به قیمت تیره روزی و زندگی بدتر و فلاکت بار تر زحمتکشان تهیه میشود، تا صرف جنگ خانمانسوز بر علیه زحمتکشان شود.

■ - سرمایه‌داران و محتکرین با استفاده از شرایط جنگ، قیمتها را افزایش میدهند، از سوی دیگر جنگ خود اقتصاد تنها هنگ و آشفته جامعه را بیشتر بهم ریخته و قحطی، گرانی و کمیابی مواد اولیه، مایحتاج توده - ها را بدنبال خواهد داشت. بار گران این همه فاجعه فلاکت بار همه بر دوش زحمتکشان سنگینی خواهد کرد و صفهای طویل و گرانی ارزاق عمومی آنها را بیش از پیش رنجورتر خواهد ساخت.

■ - ارتشهای ضدخلقی دو کشور نه تنها به مناطق مسکونی حمله می‌کنند بلکه، نیروی خود را صرف ویران کردن منابع اقتصادی دو طرف می‌نمایند، هر دو پالایشگاهها و منابع نفتی و نیز کارخانه‌های بزرگ و مهمی چون مولد برق فولاد و ... را بمباران میکنند. این مسئله گذشته از زیانهای جبران ناپذیر اقتصادی به بیکاری دهها تن کارگر می‌انجامد. هم اکنون با ویران شدن پالایشگاه آبادان و دیگر تاسیسات نفتی دهها هزار نفر کارگر بیکار شده‌اند. ویران کردن مزارع، کشاورزان را نیز در وضع مشابهی قرار میدهد. اگر بیکاری دهها هزار کارگر را در کنار دیگر فجایع جنگ یعنی کشتار، قحطی و گرانی قرار دهیم، فلاکت نه چندان دوری زحمتکشان ما را بشدت تهدید میکند.

■ - جنگ هزاران تن از توده‌های ستمدیده را آواره میسازد، هم اکنون هزاران نفر از خرمشهر و قصرشیرین آواره شده‌اند، آوارگی و بی خانمانی بسیاری دیگر از مردم را تهدید میکند. بیماریها و مرگ و میرهایی ناشی از جنگ بخصوص در مناطق جنگ زده میتوانند شیوع یابد و جز مرگ و بدبختی چیزی برای زحمتکشان ما به ارمغان نمی‌آورد.

ما مخالف این جنگ هستیم. این جنگ در خدمت سرمایه‌داران و امپریالیسم قرار دارد. این جنگ بر علیه زحمتکشان دو کشور است. هر کس این جنگ را تبلیغ کند بر علیه زحمتکشان دو کشور اقدام کرده است. شعار ما اینست که کارگران ایران و عراق متحد شوید و سرمایه‌داران خود را براندازید. درحالیکه شعار سرمایه‌داران و رویزیونیستها اینست که کارگران ایران و عراق یکدیگر را بکشند تا منافع امپریالیسم تامین شود!

اما اگر ما مخالف این جنگ هستیم به این معنا نیست که ما اصولا با هر جنگی مخالفیم. ما با جنگی که به نفع زحمتکشان باشد و آنها را در جهت پایان بخشیدن سلطه امپریالیسم و تا بودی سرمایه‌داری سوق دهد نه تنها موافقیم بلکه سرسختانه در جهت آن میکوشیم.

بقیه در صفحه ۲۲

جنگ میهنی ایران شگاه نفتی «دوحه» را بمبارد کرد؛ نفتی بغداد عراق را بمباران کردند

تاسیسات و کشتیهای خرمشهر و بندر امام خمینی مورد حمله قرار گرفت

تاسیسات نفتی عراق نهدم شد

■ - صنایع نفتی ایران در آبادان، اهواز، ماهشهر و ... بمباران شد، خسارات سنگینی به این صنایع اقتصادی بسیار آمد و دهها هزار کارگر بیکار شدند.

■ - صنایع نفتی عراق در موصل، کرکوک، بصره و ... بمباران شد. خسارات سنگینی وارد آمد و هزاران کارگر عراقی بیکار شدند.

■ - آموزش و پرورش آبادان بمباران شد، ۲۲ معلم جان خود را از دست دادند، دانشکده نفت نیز به توپ بسته شد و دو نفر جان خود را از دست دادند.

■ - بسیاری از مناطق مسکونی بغداد بمباران شد و زنان و کودکان عراقی کشته شدند. مردم دهات و شهرهای ایران نیز بر اثر بمباران، کشته‌های بسیاری برجای گذاشته‌اند.

■ - انبار وسائل یدکی و مواد خام در آبادان و خرمشهر و صنایع پتروشیمی ماهشهر و بندر - خمینی بمباران شد و بسیاری از منابع اقتصادی ایران و عراق از بین رفته است.

■ - ۹۰٪ مردم خرمشهر از شهر آواره شدند، بیشتر مردم قصرشیرین و مهران شهر خود را ترک کرده و بی خانمان شده‌اند، مردم بستان و مناطق دیگری نیز از ایران و عراق آواره و بی - خانمان شده‌اند.

■ - در بمباران یکی از کارخانه‌های مولد برق در بغداد بوسیله ارتش ایران ۱۱ کارگر و کودک کشته و ۸۲ تن سخت مجروح شدند.

■ - مردم شهرهائی که آواره شده‌اند بی غذا و بی پناه در بیابانها آواره‌اند. آنها در معرض انواع و اقسام بیماریهای خطرناک قرار دارند. (بخصوص آوارگان خوزستان).

■ - کشته شدن در جبهه‌ها در زیر بمباران‌ها، گرانی، بیکاری، قحطی و خلاصه فلاکت و نکبت باز هم بیشتر در انتظار زحمتکشان ماست.

جنگ ایران و عراق به نفع توده‌های دو کشور نیست و باید قطع شود!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۴)

در قسمتهای قبلی این مصاحبه، رفیق تراب حق‌شناس به نکاتی پیرامون موضع آیت‌الله خمینی و بعضی دیگر از روحانیون بزرگ در قبال مسائل مربوط به سازمان انقلابی مجاهدین (که همراه با تحلیل مختصری از پایگاه طبقاتی آنان) اشاره کرد و به حوادث آغاز سالهای ۱۳۴۰ رسید. اینک دنباله مصاحبه:

پیکار: مخالفت مراجع و روحانیون بزرگ در اوائل دهه ۴۰ که با قیام ۱۵ خرداد ۴۲ همراه گشت، چگونه شروع شد و بر چه پایه و زمینه‌هایی و اجتماعی قرار داشت؟

رفیق تراب: در اواخر دهه ۱۳۳۰ سازمان‌های اقتصادی امپریالیسم آمریکا و به تبع آن سازمان‌های سیاسی و نظامی اش، انجام میگرفت که زیربنای اقتصادی جامعه ایران، که هنوز یک کشور نیمه مستعمره - نیمه فئودال بشمار میرفت بنفع سازمان‌های امپریالیستی تغییر کند و مقدمات با اصطلاح اصلاحات ارضی و استقرار اجاره سرمایه‌داری وابسته فراهم آید. اما در آن زمان زمینه این تغییرات از هر حیث، در کشور فراهم نبود.

از سوی دیگر پس از ۷ سال که از حکومت کودتا و یکسره بیندها و اعدامها و سرمقاومت و قهرمانیهای خلق از یکطرف و سکوت و تسلیم و خیانت غالب رهبران سیاسی و مذهبی از طرف دیگر میگذشت، کشور بدتا دچار بحران اقتصادی و سیاسی بود، فشار توده‌ای از پائین موجب اتحاد شکاف در بالا یعنی طبقه حاکمه شده، ضرورت عقب نشینی محدود و گشودن "دریچه اطمینان" را برای خلوگیری از انفجار به رژیم شاه تحمیل مینمود. اینک به برخی از وقایع مهم اشاره میکنیم:

- اعتصابات کارگری متعدد، منجمله اعتصاب ۳۰ هزار نفری کارگران کوره پزخانه‌های تهران که به خون کشیده شد.
- بدتر شدن روز افزون وضع دهقانان و مناطق دور - دست نظیر بلوچستان که هیات دولت ضدخلقی آن روز هم ناگزیر بود برای آن اشک تمساح بریزد.
- اعتصاب وسیع دانش آموزان در تهران، سال ۳۸ که - آنطور که بیاد هست - از دارالفنون شروع شد.
- افتضاح احزاب "ساخته" نظیر حزب ملیون (به ریاست دکتر اقبال) و حزب مردم (بریاست اسدالله اعلم) و انتخابات آنان که شاه مجبور به تعطیل کردن آن شد.
- بروز اختلافات در سطوح بالا مثلا بین تیمور بختیار (که تا ۵ سال پیش از کودتا فرماندار نظامی تهران بود) با شاه که منجر به فرار بختیار به خارج از کشور شد.
- تغییر سریع کابینه‌ها و درگیری درونی رژیم بین جناح وابسته به فئودالها که بطور سنتی با سیاست انگلیس همخوانی داشتند و جناح متعلق به بورژوازی وابسته که از سوی آمریکا حمایت میشدند.
- و بالاخره عجز رژیم از سرکوب مبارزات سرسختانه توده‌ها.

اینها و نمونه‌های بسیار دیگر نشان میدهد که اوضاع چقدر بحرانی بوده است. در چنین اوضاعی روحانیون بزرگ اگر موضعی سیاسی داشته‌اند حزب حماسی از فئودالها و سکوت رجال آمریکا در قبال سرکوب توده‌ها بوده است.

همزمان با زمینه‌سازی برای اجرای اصلاحات ارضی که آیت الله سروجردی، از موضعی فئودالی، شدیدا در برابر آن ایستاده بود و پس از آنکه مسأله تحدید مالکیت هم بصورت نظرخواهی در روزنامه‌ها بصورت کسر دهای مطرح شد، شاه در اسفند ۳۹ اعلام کرد که "انتخابات آزاد است" و به نمایندگی جبهه ملی اجازه داده شد که در انتخابات دوره سیزدهم "مجلس شورای ملی" شرکت کنند.

حسین اعتصامی وحق طلبانه معلمین را بشدت میکشید و در همین اعتصاب و تظاهرات سراسری معلمین بود که معلمی بنام دکتر خانعلی در ۱۲ اردیبهشت ۴۰ به شهادت رسید. جبهه ملی هم حسین روستفکران و دانشجویان را میکوشد در چهارچوب برنامه‌های رفرمیستی و سازش - کارانه اش رهبری کند. جبهه ملی با تمام قوا سعی میکرد شعارهای تظاهرات سراسری دانشجویان دانشگاهها را رنگ دمکراتیک بخود بگیرد. جبهه ملی حتی جرات نداشت نام مصدق را که شاه از او خرسند نبود بعنوان رهبر خود، بر زبان آرد، بطوریکه جمعیت نهضت

- در اواخر سالهای ۳۰ چه عواملی بحران اقتصادی و سیاسی رژیم را تشدید کرد، مقدمات "اصلاحات ارضی" آمریکائی شاه چگونه فراهم گردید و موضع روحانیون بزرگ چه بود؟
- آیت الله خمینی در سال ۴۱ رژیم شاه را "مستقل" ارزیابی میکرد و برای "حفظ استقلال ممالک اسلامی از آشوب و انقلاب" دعا مینمود.
- انظار مردم در چه شرایطی متوجه آیت الله خمینی شد و این ناشی از کدام موضعگیری او بود؟ نطق صریح او علیه شاه و آمریکا در سال ۴۳، همخوانی نسبی مواضع آیت الله با برخی از خواستهای انقلابی توده‌ها در آن زمان نشان میداد.
- کدام نیروها سعی میکردند بر مبارزات انقلابی توده‌ها مهار بزنند و آنها را در چارچوب اهداف رفرمیستی محدود سازند؟ خواست روحانیون بزرگ منجمله آیت الله خمینی چه بود؟

حسین کمونیستی که پس از ضربات خرد شده و سرکوبهای رژیم کودتا هنوز نتوانسته بود کمر راست کند عملا در صحنه سیاسی حضور نداشت. روحانیون بزرگ همچنان دلایلی که در قسمتهای قبلی مصاحبه گفته‌ام دلیلی برای مخالفت با رژیم شاه نمیدیدند. این است که اینبار نیروی مخالف هر چند در سطح رفرمیستی آن در وجود نمایندگان "جبهه ملی" و پیروان مصدق خلاصه میشد، باید بگویم که در آن زمان، حزب توده پس از آنهمه ضربات و خیانتها و توجیه فرار از صحنه مبارزه و هم‌آوازی با رژیم که از سوی کمیته مرکزی در مسکو و آلمان شرقی انجام داده بود، اصلا در صحنه مبارزه سیاسی حضور نداشت و بسیاری از عناصر مبارز کمونیست و نیز انقلابیون دمکرات مذهبی زیر چتر جبهه ملی فعالیت میکردند.

نمایندگان "جبهه ملی" برای آغاز فعالیت انتخاباتی تشکیلات جبهه ملی را با شعار "هدف جبهه ملی ایران حکومت قانونی است" احیا کردند و با سازشکاری طبقاتی خویش مشغول جانه زدن با رژیم برای بدست آوردن چند کرسی در مجلس شورا با حداکثر یکی دو پست وزارتی شدند. سال ۳۹ و انتخابات با اصطلاح آزاد شاه، منجر به راه یافتن یک یا چند نفر از جبهه ملی منجمله اللهیار صالح از کاشان به مجلس شد. علاوه بر جبهه ملی، عناصر سپرده آمریکا مثل دکتر علی امینی و محمد درخشش هم که با روی کار آمدن کندی در آمریکا جان و ماموریت تازه‌ای یافته بودند بیکار نشدند، جبهه ملی سعی در مهار زدن جنبش خلق داشت و با تاندمینی به توطئه علیه جنبش میپرداخت. مثلا محمد درخشش،

آزادی ایران که کاملا انتقادی را متوجه شخص شاه (و به سلطنت) میکرد و از مصدق بعنوان رهبر جنبش ملی یاد مینمود، مورد "بی مهری" جبهه ملی قرار گرفت و بدان راه نیافت.

در اواخر ۳۹ و اوائل ۴۰ اوضاع اقتصادی کشور بسیار بحرانی بود و حناح آمریکائی درون رژیم بسرکردگی دکتر علی امینی که قرار بود سلط کامل سرمایه‌داری وابسته را بر روبنا نظام نیمه فئودال - نیمه مستعمره گذشته تامین کند، با استفاده از این بحران، دربار را تحت فشار قرار داد و آمریکا فقط با پرداخت ۲/۵ میلیون دلار وام حکومت دلخواه خود را به شاه تحمیل نمود. روی کار آمدن امینی و ایجاد حو نسبتا آزاد تر برای تظاهرات سیاسی اصلاح طلبانه و مسالمت آمیز از اردیبهشت ۴۰ ببعد، تغییرات چندانی در آرایش نیروهای سیاسی مخالف بر جا نگذاشت. مبارزات خلق و در پیشاپیش آن دانشجویان دانشگاه که بتدریج هسته‌های مقاومت چپ و کمونیستی و انقلابی در بین آنان پا میگرفت، کم کم قابل کنترل نبود و رژیم با حمله وحشیانه ارتش و پلیس به دانشگاه تهران در اول بهمن ۴۰ نوعی ضرب شست نشان داد. اندکی پس از این واقعه، حکومت امینی که وظیفه‌اش یعنی آماده کردن زمینه برای اصلاحات ارضی آمریکائی شاه بپایان رسیده بود جای خود را به اسدالله علم، فئودال سرسپرده‌ای که قرار بود تبدیل به سرمایه دار وابسته شود، سپرد و همچنان حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی امینی را که مامور مستقیم آمریکا بود برای

←

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

ساده کردن طرح اصلاحات ارضی در کاسه سکاده داشت آیت الله بروجردی در فروردین ۴۰ درگذشت و با سکال وجی بیشتری از او، حضور حاضر قدرتمندی عهده دار منصب مرجعیت او شده بود. رژیم شاه در قبال بروجردی "اصلاحات ارضی" را که بدستور آمریکا باید پیاده میکرد، آسانتر میدانست به مرحله اجرا درآورد اینجاست که نوع به کاردن توانائی جنب رسیده سازی آن بیشتر اثر کرد. ایجاد بیشتر اجرای درفاشون انجمنهای ایالتی وولایتی، اعطای حق رای به زنان در انتخابات و تصویب لوایحی که از یکسو به بورژوازی محدودیتهای بیشتری برای روحانیت و مذهب ایجاد میکرد موجب مخالفت مجتهدین (همانطورکه قبلا گفته ام از یکسو به فئودالی) با دولت وقت (اسدالله علم) کردند. تلگرافهائی که در این باره به شاه و دولت زده شده در دست است و شما میتوانید نمونه هائی از آنها را در معرض دید خوانندگان "پیکار" قرار دهید. موضع آیت الله خمینی در آن زمان، قبلا در "پیکار" ۷۱ آمده است. ما خود این تلگرافها، همان کتاب "تهضت دو ماهه روحانیون ایران" تالیف علی دوانی (که خود باصطلاح از "فضلای حوزه علمیه" است) چاپ ۱۳۴۱ قم میباشد

بیکسل بدر در مسجد سید عزیزالله معروف به (سرکیها) در بازار رسوائی اجتماع به کارکردائی فلسفی و غلط که قبلا او را با حدی معرفی کرده ایم (شکار ۷۱) و بر نظر آیت الله بهبهانی نگارند. بخصوص اجرا حامی فئودالها، سوگرا نکلیس و فردی بسیار نزدیک به دربار بود و غائله سهم امامیه ۱۳۴۰ منفع شاه و علیه مصدق را او رهبری نمود. بیش خبر را از روی همان کتاب که قبلا ذکر کردم میتوانید بخوانید. (صفحه ۸۸) سند شماره ۱۰

کش و قوس بین دولت و "علما" بتدریج دامنه اجبر را در مواضع خود که بصورت امری حیثیتی درآمده بود سرعت سر میگذارد. علاوه بر فئودالها، خرده بورژوازی تحت تاثیر، سوزه روشنفکران و دانشجویان مذهبی دمکرات و حتی لیبرالهای مذهبی با مراجع تماس میگیرند و در بیانیه های مراجع به نسبت وابستگی شان به این یا آن طبقه نیازهای آنها مطرح میشود. در این میان تغییر لحن آیت الله خمینی از همه بارزتر است او بتدریج پا را از حد اولیه تغییر قانون انجمنهای ایالتی وولایتی و عدم شرکت زنان در انتخابات فراتر میگذارد و مسائل اجتماعی دیگری را البته در حد قانونی و اصلاح طلبانه اش مطرح مینماید. آیت الله خمینی در بیانیه تلگراف مورخه ۴۱/۸/۱۵ که

(باید پرسید اولا کدام قانون اساسی را آیت الله معتبر میدانسته است مگر قانون اساسی مربوط بدنبال مشروعیت فعل الله نوری که امروز رژیم جمهوری اسلامی استفاده از بیش سینه چاک میدهد نداشت؟ تا شما چطور ندکه در آن زمان ملیت، خوب بود ولی امروز بصورت یک کفر درآمده است؟)

"تا بقیه های سوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند. اینطار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزم فرما شد از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از حمایتی که بساحت مقدس قرآن کریم نموده استغفار نماید."

(آیت الله، فقط از شاه میخواهد که علم را به تبعیت از قانون اسلام و قانون اساسی ملزم کند نه به شاه و سلطنت کاری دارد و نه به قانونی بودن یا نبودن نخست وزیری علم. ببینید سطح برخورد چقدر محدود است!)

"والا ناگزیریم در نامه سرگشاده به اعلیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهیم. از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مسئلت مینمائیم."

(آیت الله خمینی، ایران دوره شاه سال ۴۱ را

تلگراف حضرات آیات الله زنجانی، امامی، آملی و حائری

حضور مبارک اعلیحضرت همایونی دامت عظمته

تصویب نامه مربوط بتشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی که مبنی بر تساوی مسلمان و کافر و زن و مرد میباشد و در مراسم تحلیف بجای قرآن کتاب آسمانی قید شده است گذشته از اینکه قدم استواری در راه ترقی و تقدم نیست مخالف با مصالح عالیه اسلام و کشور و منافی سلطنت است و با قانون اساسی و احساسات قریب باتفاق ملت مسلمان ایران نیز موافقت ندارد. بنابراین از پیشگاه ملوکانه تقاضا داریم که دستور مقتضی بمنظور اصلاح صادر فرموده و با وضع رقت بار روز توجه دولت را بامور اساسی معطوف فرمائید. با تقدیم احترامات فائقه.

احمد الحسینی الزنجانی، محمد الموسوی، هاشم آملی، مرتضی الحائری

تلگراف حضرت آیت الله عراقی

مقام شامخ اعلیحضرت همایون شاهنشاه خلد الله ملکه لاعلاء الدین (۱)

ضمن اهداء تحیات وافره نخست مزید موفقیت ذات همایونی را در اصلاحات اساسی از درگاه ایزد متعال مسئلت داشته بعداً از نظر علاقه بتحکیم مبانی سلطنت مشروطه در پرتو اجراء حدود و موازین اسلامی بحکم وظیفه دینی استدعا دارد که دولت از تصویب لوایحی که نه تنها بحال کشور سودی ندارد بلکه صدور صدزیان بخش است مانند شرکت نسوان در انتخابات ممنوع فرمائید موجب دعاگوئی عموم مسلمین و علاقه خاطر عامه است نصح ملوک لازم و تأمل در عاقبت امور واجب.

قم - الاحقر عبدالنبی نجفی عراقی

(۱) یعنی خداوندا پادشاهی او را برای رشد و تعالی دین جاوید بساز. ضمنا تاریخ تلگرافها حدود مهر و آبان ۱۳۴۱ میباشد و ارسال کنندگان تلگرافها از مجتهدین برجسته قم بوده اند. بعضی از آنها هنوز زنده اند.

تلگرافهای مراجع قم - ۵۳ -

تلگراف حضرت آیت الله شریعتمداری

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگاه رفیع اعلیحضرت همایون شاهنشاه با ابلاغ سلام و تقدیم ادعیه بطوریکه روزنامه ها منتشر کرده اند دولت در ضمن تصویبنامه لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی شرط اسلام و شرط ذکوریت را در رای دهنده و انتخاب شونده الغاء نموده و ضمناً رأی دادن و انتخاب شدن را بکلیه افراد ملت (اعم از زن و مرد) داده است. نظر به اینکه این تصمیم دولت مخالف با موازین شرعی است و بالنتیجه مخالف با قانون اساسی است و صلاح ملک و ملت نیست لذا خواهشمندیم که دستور اکید فرمائید دولت هر دو مورد مذکور را اصلاح نماید.

الاحقر سید کاظم شریعتمداری

تلگراف حضرت آیت الله گلپایگانی

بسم الله الرحمن الرحیم

تهران: حضور مبارک اعلیحضرت همایونی دامت عظمته

بعد از اهداء تحیات از نظر علاقه بحفظ مصالح عالیه دین مبین اسلام و امنیت و استقلال مملکت و عطف توجه خاطر ملوکانه در مورد بعض مقررات که از طرف دولت بعنوان لایحه قانونی صادر میشود معروض میدارد تصویب نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی که رموز آن مصالح مملکت و اطباق با قوانین محکمه شرع مقدس حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم رعایت نشده مخصوصاً در مورد شرط اسلام و مرد بودن انتخاب شونده و انتخاب کننده باعث نگرانی و سوء انتکاس است. مستدعی است با اهتمامی که همواره بحفظ جهات اسلامی و مملکتی اظهار فرموده اید دولت را از این گونه اقدامات ممنوع و امر بمراعات جهات اسلامی را در کلیه امور مملکتی صادر فرمایند رجاء واثق آنکه خداوند متعال مملکت شیعه را از خطرات محتوظ و عموم مسلمین را در اعلاء کلمه دین و نیل بهدفهای عالیه اسلام موفق و منصور دارد.

محمدرضا الموسوی الگلپایگانی

خوب، پس از ملاحظه این اسناد به ادامه صحبت میپردازیم:

سروصداها و اجتماعات در مساجد و منزل روحانیون بزرگ، حول همین درخواستها جریان داشت. "علمای شهرستانها هم به تهران و قم سفر کردند. بسیاری از آنها برای رقابت با یکدیگر و عقب نماندن از قافله هم که بود، تلگرامی به شاه یا نخست وزیر میفرستادند و به اصطلاح خودشان "میخ اجتهادشان را میکوبیدند" یکی از اجتماعات مهمی که در تهران در آن روزها

خطاب به شاه است چنین میگوید. آنرا برایشان میخوانم:

"اعلیحضرت را متوجه میکنیم به اینکه اطمینان نفرما شد به عناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و خانه زادی میخواهند شما را کارهای خلاف دین و قانون را کرده و به اعلیحضرت نسبت دهند" (آیت الله حساب شاه را با اطرافیانش جدا میکند و شاه را تطهیر مینماید) "و قانون اساسی را که ضامن ابهاء ملیت و سلطنت است با تصویب نامه های خائنانه و غلط از اعتبار بیندازند."

مستقل ارزیابی میکند و برای حفظ "استقلال" آن و دیگر ممالک اسلامی دعا مینماید در حالیکه تقریبا همگی آنها زیر سلطه امپریالیسم و چکمه وحشیانه ترین و عقب مانده ترین رژیمها میسوزند و در آستانه انقلاب قرار دارند و بالاخره در آخرین جمله تلگراف از "خدا میخواهد که ممالک اسلامی را از انقلاب حفظ کند. مگر نه اینکه انقلاب از سوی توده های تحت ستم و با مطلاح "مستضعفین" علیه حکومتهای ظالم میخواست عملی شود

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

[illegible] مجلس عظیم [illegible] آقای حاج شیخ [illegible] مؤسس جامعه تعلیمات اسلامی با حضور حضرت آیت الله آقای بهبهانی و حضرت آیت الله آقای حاج سید احمد خوانساری [illegible] رفته و طرح جامعی از مجاری تصویبنامه دولت و موارد اعتراض مراجع تقلید و روحانیون ایران بیان داشتند.

سپس آیت الله بهبهانی با سن کهولت که ایشان ۹۱ ساله میباشند در حالیکه زیر بغل ایشان را گرفته بودند! بمنبر رفته و در میان بهت و سکوت عمومی اظهار داشتند: روحانیت با دولت جنگ ندارد که اگر آقای نخست وزیر حرف خود را پس نگیرد مایه شکست باشد تصویبنامه ای از هیئت دولت گذشته. علما میگویند این مخالف اصول مقدس اسلام و قانون اساسی است خوشبختانه اعلیحضرت هنوز توشیح نکرده اند دولت هم باید گوش کند و آنرا اصلاح نماید. [illegible] توشیح و سرمقدا فرو نشیند و دیگر در برابر خواست روحانیون و مردم ایستادگی نکند که بصلاح دولت نیست.

جرا آیت الله انقلاب را اینقدر امر ساده ای میشمارد آیا جز این است که آیت الله وظیفه ای که او و مانند کسی ـ اکثر را بعهده داشت با رژیم سوسیده شده و دولت ال سمه مستعمره شاهی در حال دستش کنده ای شده است؟!

خصمان شده زوره هاش میکشد ولی البته قدرت بسیج مردم را ندارند و تمرکز روحی شان سرآمده است افسار و طبقات تحت ستم شهری سوخته خرده بورژوازی سنتی و بخش وسیعی از روحانیون کوچک و بخصوص طلاب که فرهنگ و ایدئولوژیشان شیر مورد سعی فرا گرفته

اعلیحضرت را متوجه میکنم باینکه اطمینان نفرمائید بعناصری که با چاپلوسی و اظهار چاکری و جانفدائی میخواهند تمام کارهای خلاف دین و قانون را کرده و با علیحضرت نسبت دهند و قانون اساسی را که ضامن اساسی ملیت و سلطنت است با تصویبنامه های خائنانه و غلط از اعتبار بیندازند تا نقشه های شوم دشمنان اسلام و ملت را عملی کنند انتظار ملت مسلمان آن است که با امر اکید آقای علم را ملزم فرمائید از قانون اسلام و قانون اساسی تبعیت کند و از جاهائی که بساحت مقدس قرآن کریم نبوده استغفار نماید والا ناگزیریم در نامه سرگشاده با علیحضرت مطالب دیگری را تذکر دهیم از خداوند تعالی استقلال ممالک اسلامی و حفظ آنها را از آشوب و انقلاب مسئلت مینمایم

روح الله الموسوی الخمینی

این مبارزه دولت علم را وادار به عقب نشینی میکند و لایحه مورد اعتراض در هفته اول آذرماه ۱۳۴۱ رسما لغو میگردد. آیت الله خمینی از این دوره است که بعنوان یک مرجع تقلید در سطح جامعه مطرح میشود اما آنچه او را برای افسار متوسط مذهبی مقبول تر میسازد بخشی است که او میتواند بطور نسبی به جواب ـ های این افسار بدهد. مطرح شدن آیت الله خمینی بعنوان یک مرجع تقلید بر خلاف شریعتمداری و دیگران ناشی از موضع مبارزه جویانه ای است که او بعنوان نماینده افسار که ذکر کردم در مبارزه با شاه اتخاذ میکرد.

در پنجم بهمن ۴۱ و با شهادت قتلی، رفراندوم شاه و با اصطلاح انقلاب سفید مطرح میگردد. در برابر این اقدام رژیم، تنها نیروی موجود سیاسی که جبهه ملی است خلع سلاح میشود و از نیروی مردم بدون سازمان ـ مردم بدون سازمان ای که شان میداد در ایران بورژوازی ملی این وجود ندارد که اینها نماینده اش باشند ـ ناگزیر شعار "اصلاحات آری! دیکتاتوری شاه نه!" را میدهد. با تحریم جبهه ملی در همه جا خواندند، هر چند برخی از سران آن، برای احتیاط چند ماهی در زندان گذراندند. تنها جناح نهضت آزادی بود که به اعتبار وجود عناصری مبارز و رادیکال در پایه آن بوسیله دانشجویان مدتی بیشتر دوام آورد.

یکی دو سال مخالفتهای علنی با دولت شاه، بسیار خفقان را تا حدودی شکسته است. رژیم ناگزیر است طرح آمریکائی اصلاحات ارضی را بهر قیمت پیاده کند. فئودالهائی که چندان سهمی در این تغییر و تحول

است با رضایتی خود را از طریق حمایت از مراجعی مانند آیت الله خمینی بروز میدهد و با سخنرانیها و اعلامیه های خود کانونی از مخالفت با دولت و شاه فراهم میکند. جوانهای وسیعتر با ریشه ای تری که عناصر آگاه وابسته به افسار بخت ستم و از جمله آیت الله طالقانی مطرح میکند روی شعارهای آیت الله خمینی بسر میگذارد و برای اولین بار موضوع خطر اسرائیل و آمریکا در سخنرانیه ـ های مراجع تقلید طرح میشود. ماه محرم پس میاید و استفاده از مساجد علیه شاه و دولت، قدرت حاکم را به عکس العمل وا میدارد. بطا هرات وسیع شوده ای، بخصوص در روز عاشورا و شعارهای "خمینی بت شکن..." که جوانب توده ها را برای واژگونی رژیم شاه بیان میکرد و شعارهای لیبرالی جبهه ملی را به زباله دان پرت میشود. رژیم را بوحشت انداخت. در ۱۱ محرم، ماموران ساواک آیت الله خمینی را از خانه اش در قم ربودند و در سپهران زندانی کردند. این حرفه و بهانه ای برای قیام ۱۵ خرداد (۱۲ محرم) شد. در حالی که هیچ رهبری و نقشه ای برای این قیام موجود نداشت هزاران نفر از زحمتکشان و توده های تحت ستم شهری و تعدادی هم از روستائیان حول و حوش تهران به خیابانهای شهر ریزش میشوند. در قم نیز که قبلا یک بار به مدرسه فیضیه حمله شده و با بقه نزدیک سرکوب پیش چشمها وجود دارد و همچنین در برخی شهرهای دیگر مردم طا هرا در اعتراض به دستگیری آیت الله خمینی و در واقع بخاطر اینکه از ستم چندین ساله بجان آمده اند به خیابانها میریزند. رژیم سرکوب سخت و خونین را در

بقیه در صفحه ۲۱

[illegible] روزهای ۱۵ و ۱۶ خرداد [illegible] تهران و شهرستانها [illegible] در [illegible] مبارزات ایران [illegible] اسلام [illegible] سوررئوازی لیبرال و همه کسانی که [illegible] طبقات [illegible] در فکر منافعشان بودند. در این دوره بطور کامل شکست مسخره و ارتجاعی [illegible] موجود مانند به انقلاب و مبارزه مسلحانه فکر میکنند و محافظه کاری را مذهبی میپرداختند.

آیت الله خمینی بین اردوها و رهبران آزادی ـ خواه بود. ولی همانطور که خود به رژیم شاه اعلام کرده است مرجعیت او موضعگیری میکند و بعنوان سمبل افسار متوسط جامعه و آن بخش از روحانیت که بخاطر وابستگی های طبقاتیش با رژیم اختلاف با خیلی مبارزه دارد در میاید. روحانیون لیبرال نظیر شریعتمداری و در مدارج پائینتر کسانی مانند مکارم و جعفر ـ سبحانی (نماینده شیراز در مجلس خبرگان) و سید هادی ـ خسروشاهی (نماینده امام در وزارت ارشاد ملی) از او میپرسند. رژیم شاه از استقبال مردم نسبت به خمینی که مدتها مضمون سیاسی و به الزام مذهبی دارد ناراحت است و میکوشد با ارسال تلگراف شریک و سلب و غیره آیت الله شریعتمداری را بعنوان مجتهد رسمی علم کند ولی تراکم مبارزه طبقاتی درون جامعه به سیاهان لیبرالها و بازرگانان با رژیم را تشدید کرده بلکه آنها را طرد میکند. به اعتقاد من، سیاهان خمینی یعنی همخوانی بین آیت الله خمینی با شعارهای مبارزاتی افسار متوسط جامعه و موضع او علیه شاه (که بخشی جنبه دشمن و مستقل آن بود) با توجه به تراکم انقلابی و طرد رفرمیسم و در شرایطی که خشکی و موسمی از رضعت شدیدی رخ میدهد. انتظار را متوجه آیت الله ـ خمینی ساخت. در همین فاصله، یعنی از آزادی از زندان تا تبعید که فرصت یکسال طول کشید موضع او از لیبرالها هرچه بیشتر فاصله میگرفت. بسیاری از طرفداران منصف او به شریعتمداری بد میگفتند و با لعکس. بد نیست در اینجا اشاره کنیم که بین این دو مجتهد از سالها پیش روابط دوستانه ای برقرار نبوده است که علت آن را هم در موضع طبقاتی آنان و هم در رقابت بر سر مرجعیت میتوان دید.

بهرحال موضع مخالفت آمیز آیت الله خمینی از اواسط ۴۲ تا اواسط ۴۳ که تبعید شد پیوسته تندتر و صراحت بیشتری پیدا کرد. هرچه سرمایه داری وابسته بیشتر محکم میشد و بدنبال آن خرده بورژوازی تحت فشار بیشتر قرار میگرفت و هر اندازه بورژوازی به نهادها و سنن فرهنگی ـ مذهبی این افسار تعرض بیشتری میکرد، انسان حیات خود را بیش از پیش در خطر می ـ دیدند. اوج مخالفت آیت الله خمینی در نطقی که علیه لایحه کاپیتولاسیون (مصونیت قضائی مستشاران آمریکائی در ایران) ایراد کرد دیده میشود. در این نطق که در حضور هزاران نفر در مدرسه فیضیه ایراد شد آیت الله شدیدا به آمریکا حمله کرد و خواستار رئیس جمهور وقت آمریکا را دشمن ترین و منفورترین فرد عالم نزد مردم ایران دانست و به شاه (در قالب همان مواضع خود) هشدار داد که اگر خودت را در یک کوشت را میکنم و از مملکت بیرون میاندازم!

این حرفهای صریح و آتشین هزاران همراه با برنامه بود، و نه با تشکیلات. ولی وقتی با توهمات و تقدیس روحانیون و نیز تخیلات خرده بورژوازی طرفداران همراه میگشت، چنان شوری برمیانگیخت که میتوانست برای رژیم دردسر بزرگی باشد بود. در

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

گرامی باد سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب چین

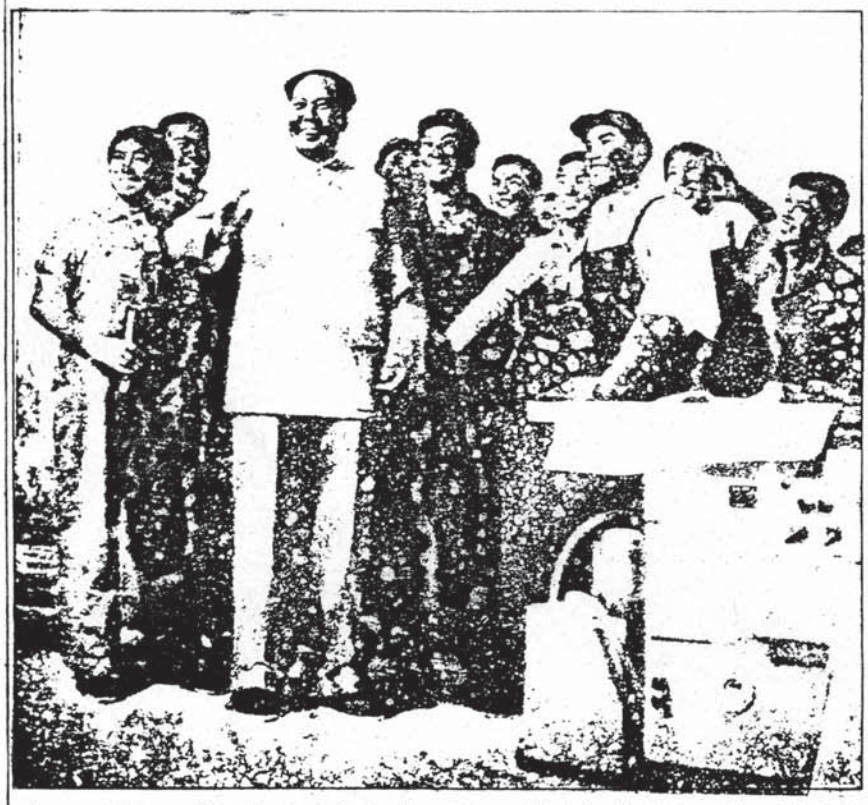

پیروزی انقلاب

اول مهر امسال ۹ مهر ۱ سال تمام از سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب چین است. اول مهر سال ۱۹۲۹ سال پیروزی خلق قهرمان چین علیه امپریالیسم و فئودالیسم بود. حزب کمونیست چین تحت رهبری رفیق مائوتسه‌تونگ توانست خلقهای چین را در طی جنگ‌های طولانی علیه دشمنان خلق یعنی رژیم ارتجاعی چیانگ کای شک و امپریالیسم راهنمایی و رهبری نمود.

رهبری مبارزات قهرمانانه خلق چین توسط حزب کمونیست که از سال ۱۹۲۱ با تاسیس حزب کمونیست آغاز گشت و به پیروزی آن در سال ۱۹۴۹ منجر شد، صفحات تاریخی درخشانی را از مبارزه قهرمانانه و نقش برجسته کمونیستها در پیروزی انقلاب برجای گذاشت.

هدایت مبارزات دلیرانه خلقهای چین علیه رژیم ارتجاعی چیانگ کای شک، راهنمائی طولانی چند ساله که به آزادکردن مناطق وسیع منجر گشت، رهبری جبهه مقاومت ضدژاپنی توسط حزب کمونیست، سرنگونی دولت چیانگ کای شک و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا در سال ۱۹۴۹ و بدین ترتیب خارج نمودن کشور چندمیلیونی چین از اردوگاه بورژوازی بین المللی و پیوستن آن به اردوی سوسیالیسم، گوشه‌ای از افتخارات حزب کمونیست چین است. افتخاراتی که با زحمات کمونیستها بزرگترین دشمنان امپریالیسم و سرسختترین مبارزان راه آزادی و استقلال خلقها هستند.

گذشته از آن حزب کمونیست چین تحت رهبری رفیق مائوتسه‌تونگ مارکسیسم-لنینیسم با شرایط چین که کشوری نیمه‌فئودال - نیمه‌مستعمره بود، با تدوین و تطبیق تئوری دموکراسی نوین در چین، با کسب تئوری مبارزه مسلحانه در از مدت توده‌ای بمثابه راه تصرف قدرت سیاسی در این جوامع، نه تنها با مشی راست چین دستور که ضرورت استقلال و رهبری حزب کمونیست را در انقلاب دموکراتیک و جبهه متحد خلق نفی می‌نمود به مرزبندی پرداخت، نه تنها با مشی اپورتونیستی "چپ" لی لی‌شان که مبارزه مسلحانه طولانی مدت را رد کرده و قیام شهری را برای چین تجویز می‌نمود به خط کشی پرداخت بلکه علاوه دستاوردهای گرانبهائی در زمینه استراتژی و تاکتیک برای جنبش کمونیستی جهانی به ارمغان آورد. انقلاب پیروزمند چین و دستاوردهای آن سرمشقی برای آزادی خلقهای تحت ستم جوامع نیمه‌فئودال - نیمه‌مستعمره از یوغ امپریالیسم و فئودالیسم بود. این انقلاب از اهمیتی بین المللی برخوردار بوده و جزئی از انقلابات جهانی پرولتاریا محسوب میشود.

اما امپریالیستهای امریکائی و متحدانش می‌کوشیدند، با "تایوانیستی" خواندن انقلاب چین اولا نقش کمونیستها را در رهبری این انقلاب و پیوند زدن آن با انقلاب جهانی پرولتاریائی و اردوگاه سوسیالیسم تخطئه نموده، ثانیا از اهمیت بین المللی این انقلاب که برای کشورهای مشابه نیز سرمشق گشت، بکاهند. اما واقعیت روشنتر از آن بود که بتوان با دروغپردازی آنرا وارونه جلوه داد.

واقعیت این بود که این انقلاب تحت رهبری کمونیستها، خلق چندمیلیونی چین را از بند ستم و استثمار امپریالیستی و فئودالی آزاد ساخته و بمثابه جزء لاینفک انقلاب جهانی پرولتاریا سرمشقی برای بسیاری از کشورهای تحت سلطه بود. انقلابات پیروزمند ویتنام، کره، کامبوج و بسیاری دیگر گواهی بر اهمیت بین المللی انقلاب چین است. آری تجارب گرانقدر انقلاب چین تحت رهبری رفیق مائوتسه‌تونگ برای پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان فراموش نشدنی است و هرکس این واقعیت را انکار کند چه آگاه و چه ناآگاه همزبان با امپریالیستها دشمنی خویش را با خلق و پرولتاریای چین نشان میدهد.

ادامه انقلاب بعد از پیروزی و دستاوردهای حزب کمونیست

حزب کمونیست چین بعد از پیروزی مبارزه را متوقف ننمود و در راه استقرار سوسیالیسم، به ایجاد و گسترش کمونهای دهقانی پرداخت، منابع سنگین چین را تا حدودی رشد داد، به آموزش فرهنگ انقلابی سوسیالیستی در میان توده‌های وسیع پرداخت، ارتش خلق را تشکیل داد، و گامهای سوی ساختمان سوسیالیسم شتافت و در مبارزه علیه انحرافات گوناگون راه ترسیم سوسیالیسم را پیمود.

۱- حزب کمونیست چین همدوش حزب کار آلبانی زمانیکه حزب کمونیست شوروی در سالهای ۶۰ به ورطه رویزیونیسم خروشچفی در غلطید و به پرولتاریا و خلقهای تحت ستم خیانت نمود، به مبارزه‌ای سرسختانه علیه آن دست زد و پرچم سرخ مارکسیسم-لنینیسم را همچنان برافراشته نگاه داشت. از آن پس در نزد توده‌های تحت ستم و پرولتاریای بین المللی، چین سوسیالیستی تنها قطب نیرومند اردوگاه سوسیالیسم و سرمشق انقلابات خلقهای تحت ستم گردید. پرولتاریا و خلقهای جهان دیگر نه به شوروی رویزیونیستی بلکه به چین سوسیالیستی بمثابه پایگاه اصلی انقلاب نگریسته و چین را بزرگترین حامی و سمبل انقلابات رهائیبخش می‌شناختند.

پس از تبدیل شوروی رویزیونیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی حزب کمونیست چین به رهبری

←

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

رفیق مائوتسه‌دون با حزب کار آلبانی تماس برقرار کرده‌ای دست زد. در این زمان گذراسیون‌های درون حزب کمونیست چین زیر ضربه‌های کوبنده آن و سازمان شوروی را مطرح می‌نمودند. حزب تحت رهبری خط‌مشی مارکسیستی رفیق مائوتسه‌دون سوسیال امپریالیسم شوروی بر داخله و سیاست سرکردگی مارکسیسم‌لنینیسم را در آن خود نمود. اما مبارزه در سیاست کمونیستهای جهان بلکه حلقه‌های دست‌راستی قدرت بوتیپور امپریالیستی هوشیار نمود.

رویزیونیستهای خروشچفی و رهبران آنها در سراسر جهان از جمله حزب توده در ایران، در ادامه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به سیاست ماهیت شوروی و سوگرمعنا به چین، بدون درک ابعاد انقلابی اکه‌ار آنها حراس استراتژی هم‌سیاسی کلمه نظرات چین را در مورد "انقلاب کبیر چین" رهبری رفیق مائوتسه‌دون سیاسه حزبی ارادوگاه سوسیالیسم و نمونه انقلاب رهائیبخش در کشورهای تحت سلطه و ... زیر پا گذاشته، با اختراع واژه "مائوئیسم!" نه بخطئه انقلاب چین، حزب کمونیست آن و رفیق مائوتسه‌دون با دفاع از شوروی رویزیونیستی اوسین سوسیال امپریالیستی اوکشه‌شوری سیاست چین، کینه عمیق خود را نسبت به مارکسیسم - لنینیسم نشان دادند.

رویزیونیستها همزمان با امپریالیستهای آمریکائی برای بخطئه نفس حزب کمونیست چین و رفیق مائوتسه‌دون انقلاب چین را "تاسوسیالیستی" و "خرده‌بورژوائی" خوانده و بدین ترتیب یکبار دیگر نوکری خود را به بورژوازی به اثبات رساندند.

۲- انقلاب فرهنگی چین یکی دیگر از دستاوردهای مهم انقلاب چین و حزب کمونیست بشمار میرود. این انقلاب که در سالهای ۱۹۶۷ بوقوع پیوست، انقلابی بود علیه رویزیونیسم و بوروکراتیسم دولتی، علیه ایدئولوژی و فرهنگ بورژوائی، علیه مناسبات اجتماعی کهن و در یک کلام علیه بورژوازی. این انقلاب در پی آن بود تا با انقلابی کردن مناسبات اجتماعی کهن و از بین بردن روبنای گذشته، زیربنا را متحول ساخته و تولید را رشد دهد. در طی این انقلاب طبقه کارگر و توده‌ها علیه بورژوازی مسلح شده و کادرهای سرخ تحت رهبری کمیته مرکزی و بخش رفیق مائوتسه‌دون بخشهای قدرت بورژوازی حمله کرد. و کلیه رهبران سرمایه‌داری و رویزیونیستهای مرتد و فریبکار از مراکز قدرت چه در حزب و چه در دستگاه دولتی به زیر کشیدند. لیو - تاشوچی و تنگ سیائوپینگ و هواکوفنگ و تعدادی بسیاری از مسئولین حزبی و دولتی چین امروز از جمله رهبران مرتد سرمایه‌داری بودند که در طی انقلاب فرهنگی مورد افشا و تصفیه قرار گرفتند. انقلاب فرهنگی که تحت رهبری رفیق مائوتسه‌دون صورت گرفت تعرضی بود علیه رویزیونیسم و برای تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا اگرچه در طی این انقلاب انحرافاتی نیز بروز نمود، ولی این انقلاب یکی از بزرگترین دستاوردهای ساختمان سوسیالیسم در چین محسوب میگردد.

بعد از انقلاب فرهنگی که در طی آن اپورتونیسم راست و رویزیونیسم و رهبران سرمایه‌داری مورد هجوم قرار گرفتند، اپورتونیسم "چپ" به سرکردگی "لین پیائو" تلاش کرد با براه انداختن "کیش شخصیت" مائوتسه‌دون برضد اولا مائو را از پرولتاریا و خلق چین جدا سازد و ثانیا در پناه شخصیت مائوتسه‌دون اپورتونیستی خویش بپردازد. اپورتونیسم چپ نه تنها با تکیه بر

● آری تجارب گرانبهای انقلاب چین تحت رهبری رفیق مائوتسه‌دون برای پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان فراموش نشدنی است و هر کس این واقعیات را انکار کند چه آگاه و چه ناآگاه همزبان با امپریالیستها دشمنی خویش را با خلق و پرولتاریای چین نشان میدهد.

● لیوشائوچی، تنگ سیائوپینگ و هواکوفنگ و تعداد بسیاری از مسئولین حزبی و دولتی چین امروز از جمله رهبران مرتد سرمایه‌داری بودند که در طی انقلاب فرهنگی مورد افشاء و تصفیه قرار گرفتند. انقلاب فرهنگی که تحت رهبری رفیق مائوتسه‌دون صورت گرفت تعرضی بود علیه رویزیونیسم و برای تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا.

● هم مائوزدائی در چین توسط سه جهانی‌ها و هم استالین زدائی در شوروی توسط رویزیونیستهای خروشچفی، مشت دروغگویان رویزیونیست را باز کرده و نشان می‌دهد که اینان چه ترس و وحشت عمیقی از گذشته حزب کمونیست چین و شوروی و رهبران انقلابی آن دارند.

انحرافات حزب کمونیست و رفیق مائو

دفاع از انقلاب کبیر چین و مبارزات حزب کمونیست آن کشور و طبقه قهرمان انقلابی و کمونیست راستین است. اما به معنی باشد قهرمانانه که در چین گذشته نمی‌باشد. بی‌شک انحرافات حزب کمونیست چین و رفیق مائوتسه‌دون، در سیاست انقلاب چین بی‌تاثیر نبوده است. رفقای چینی در برخورد به ساختمان سوسیالیسم به نقش دهقانان در سوسیالیسم بیش از حد تکیه نمودند علاوه بر این انحراف رفقا اگرچه بلحاظ موقعیت جامعه چین (نیمه‌فئودالی) و بلحاظ اینتیاجات تجربه ساختمان سوسیالیسم در شوروی، از الگوی آن پیروی نکردند، و بدرستی بر نقش انقلاب فرهنگی تاکید ورزیدند، اما خود به انحراف دیگری در غلطیدند. اگر رفیق استالین و حزب کمونیست شوروی در زمان رهبری وی، در تجربه ساختمان سوسیالیسم به نقش ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی کم‌بها دادند و به نقش صنعتی شدن و کلا اقتصاد بیش از حد تکیه نمودند و به انحرافی اکونومیستی در غلطیدند، رفقای چینی با کم‌بهاداد ن به نقش اقتصاد، و تکیه بیش از حد بر "انقلاب فرهنگی" به انحرافی ایده‌آلیستی در ساختمان سوسیالیسم در غلطیدند. رفقای چینی در زمینه دموکراسی درون حزب و جامعه نیز به انحراف دچار گشتند. اگر در آن زمان حزب کمونیست شوروی تحت رهبری رفیق استالین به نقش دموکراسی درون حزبی و مبارزه ایدئولوژیک در سطح وسیع توده‌ای کم‌بها می‌داد، رفقای چینی به افراط افتاده، دموکراسی افراطی درون حزب و جامعه را تبلیغ مینمودند و عملا به انحراف لیبرالیستی دچار شدند. بر متن چنین ایده‌ای بود که با عملی کردن شعار "بگذار مدگل بشکفد، و مذاهب بیان گردد" و با برسمیت شناختن وجود "دو خط متضاد در حزب"، به انحراف پوپولیستی (تمام خلقی) در غلطیده و نقش دیکتاتوری پرولتاریا و حزب کمونیست را تقلیل دادند و بدین ترتیب جامعه سوسیالیستی چین را جامعه‌ای "آزاد" برای بورژوازی ملی چین خواندند و بجای سرکوب اندیشه‌های ضدانقلابی بورژوازی ملی چین، از آنجا که آنرا جزو صفوف خلق قرار داده بودند، آزادی اندیشه را برای بورژوازی ملی در دوران ساختمان سوسیالیسم (دیکتاتوری پرولتاریا) مجاز شمردند. رفقای چینی

جامعه بر ایدئولوژی به اقتصاد و در نتیجه زیربنا و مبادی خلق چین کم‌بها داد. بلکه علاوه بر اینکه بر ایدئولوژی مائوتسه‌دون نقش ایدئولوژی مارکسیستی پرداخت. اما اپورتونیسم چپ لین پیائو نیز دوام چندانی نیاورد و طی یک مبارزه وسیع مورد تخطئه انقلابی حزب کمونیست چین قرار گرفت. رفیق مائو - اگرچه در پرتو بعد از تخطئه لین پیائو به اشتباهات آنش کش تحت کلین پیائو در برخورد با از تخطئه مائوتسه‌دون خود داشت پرداخت.

با تجارب مردن و خود خط مشی شوروی در حزب به سیاست و حذف اراده عمل حزب لطمه وارد شد به سیاست آشتی کوشیم خط مشی های گوناگون در حزب را نفی کردند. بلکه در اجرای نقود و سیاست روزیو - نیستها و اپورتونیستها بازگذاشتند. تا آنجا که بعد از مرگ رفیق مائو، تا بدینک سیائوپینگ، هواکوفنگ که در درون حزب لانه کرده بودند، قدرت را قبضه کرده و به سرکوب کمونیستها پرداختند. همان کاری که کمونیستهای چین زمانی که در قدرت بودند مناسب

علیه رویزیونیستها در حزب و جامعه صورت می‌دادند. برخورد را شروع از حزب کمونیست و بخش رفیق مائو، به نقش بورژوازی ملی در ساختمان سوسیالیسم نمونه دیگری از انحرافات حزب کمونیست چین و رفیق مائو بود. چه رفیق مائو و حزب کمونیست چین بورژوازی ملی چین را شروشی میدانست که اگر به او درست برخورد شود، ممکن است حاضر به پذیرش سوسیالیسم گردد! و بدین ترتیب آشتی کوشیم بورژوازی و پرولتاریا را نفی میکردند.

طرح و اصطلاح "اندیشه مائو" که به معنای تکامل مارکسیسم - لنینیسم در عصر ما بشمار می‌آید و برسمیت شناختن آن در حزب کمونیست چین از جمله انحرافات راست‌روانه دیگری بود که ناشی از بها دادن به نظرات رفیق مائو و کم بها دادن به نقش مارکسیسم - لنینیسم بود. چه رفقا درک نکردند که لنینیسم، مارکسیسم عصر امپریالیسم است و عصر ما کماکان عصر امپریالیسم و انقلابات پرولتری است. این کم بها دادن به آموزش مارکسیسم - لنینیسم در میان کمونیستهای چینی و تکیه بیش از حد بر آموزش "اندیشه مائو" نتایج ناگواری برای حزب کمونیست چین بار آورد و نسل جدید کمونیستهای چین به جای مسلح بودن تئوری مارکسیسم - لنینیسم و درک همه جانبه از آن، عمدتا از "اندیشه مائو" تغذیه کرده و به آن مجهز گردیدند و این خود نیز در عدم توانائی مبارزه لازم با تحدید نظر طلبان سه جهانی و طرفداران آنها، از طرف کمونیستهای چینی بی‌تاثیر نبوده است.

بعد از مرگ مائو

بعد از مرگ رفیق مائو، رهبر کبیر خلق چین، و بعد از تصفیه حاملین مشی مارکسیستی از حزب، دار و دسته ضدانقلابی تنگ - هوا بر حزب کمونیست چین حاکم شده و این کشور را به راه سرمایه‌داری کشانده است. جاگیست بورژوا - رویزیونیستها بر حزب، دولت چین ضربت بزرگی بر جنبش کارگری و کمونیستی جهان به شمار می‌آمد. روشن است که بسترساز مادی رویزیونیسم در کشور سوسیالیستی همان وجود طبقات غیرپرولتری و ادامه مبارزه طبقاتی است. بورژوازی که قدرت سیاسی را از دست داده است میکوشد تا دوباره قدرت از

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

دست رفته را بچنگ آورد و در این ارتباط رویزیونیستها و اپورتونیستها در درون حزب نمایندگان بورژوازی می باشند. در چنین شرایطی حزب کمونیست باید با هدایت درست مبارزه طبقاتی پرولتاریا و مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک کمونیستی علیه رهروان سرمایه - داری، سوسیالیسم را تحکیم نماید. هرگونه انحراف در مبارزه ضد رویزیونیستی منجر به تقویت رویزیو - نیستها و تضعیف خط مشی کمونیستی میگردد. حزب کمونیست چین و رفیق مائو علیرغم دستاوردهای بی - شماری خود در پیروزی انقلاب دموکراتیک و ساختمان سوسیالیسم، در مبارزه علیه رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم، همانطور که ذکر شد به انحرافاتی نیز دچار گشتند. این انحرافات زمینه‌ای فراهم ساخت که بر پایه آن رویزیونیستها تقویت گشته و رشد نمودند و بالاخره قدرت سیاسی را بدست گرفتند. رویزیونیست - های مرتد، حزب کمونیست را به حزب بورژوا - رویزیو - نیست و چین سوسیالیستی را به چین سرمایه‌داری تبدیل نمودند.

امروزه که دار و دسته رویزیونیست های سه جهانی بر چین غالب گشته‌اند و چین را به راه سرمایه‌داری کشانیده‌اند، رویزیونیستهای خروشچفی فرصت طلائی یافتند که آرزوی دیرینه‌شان را در جهت بدنام کردن انقلاب چین، حزب کمونیست و رفیق مائو در نزد توده‌ها و پرولتاریای جهان برآورده سازند. آنان می - کوشند تا گمان رویزیونیست فعلی چین را ادامه دهندگان راه مائو، معرفی کرده و بدین سان بین حزب کمونیست چین تحت رهبری رفیق مائو و حزب رویزیو - نیست حاکم به سرکردگی تنگ - هوا فرقی نگذارند و هر دو را بعنوان "مائوئیسم" بیک چوب بزنند. تا بدین - گونه آنتی کمونیسم خویش را نسبت به حزب کمونیست چین در دوران رفیق مائو، سرپوش گذاشته و چهره کریه رویزیونیستی خویش را حقانیت بخشند. جالب اینجا است که رویزیونیستهای سه جهانی نیز همانند "برادران" خروشچفی خویش تلاش می کنند راه و روش ضد انقلابی شان را ادامه راه حزب کمونیست چین جلوه دهند. آری رویزیونیستهای "سه جهانی" می کوشند رویزیونیسم خویش را زیر نقاب مارکسیسم و با تکیه بر افتخارات حزب کمونیست چین پنهان کنند. "اما هم مائوزدائی در چین توسط سه جهانی ها و هم استالین زدائی در شوروی توسط رویزیونیستهای خروشچفی مشت در و غکویان رویزیونیست را باز کرده و نشان می - دهد که اینان چه ترس و وحشت عمیقی از گذشته حزب کمونیست چین و شوروی و رهبران انقلابی آن دارند.

آنچه امروز در برخورد به انقلاب چین از جانب رویزیونیستها در تخطئه هر آنچه دیروز با افتخار از آن یاد میکردند صورت میگیرد، غیر منتظره نیست. آنان بنا بر ماهیت شان نا بدچنین کنند. آنان حاضرند هر آنچه دیروز گفتند، امروز انکار کنان کرده و عکس آن بگویند. برای آنان حتی اگر قفاهای هندی نیز با منافعشان سازگار نباشد، تا درست از آب درمیاید.

اما آنچه غیر منتظره و تاسف آور است موضعگیری انحرافی حزب کار آلبانی و رفیق انور خوجه است. موضعگیری رفقای آلبانی در جهت تخطئه حزب کمونیست چین، رفیق مائو و دستاوردهای انقلاب می - باشد. رفقای آلبانی که تا دیروز از رفیق مائو به عنوان "مارکسیست لنینیست کبیر" نام میبردند و بعد از جدائی شوروی از اردوگاه سوسیالیسم، حزب کمونیست چین و چین سوسیالیستی را بر جمداد

بقیه از صفحه ۱۹ **پاسخ به . . .**

مورد توجه قرار گرفت.

بدلیل کمبود جا، بقیه نامه‌ها را در شماره آینده پاسخ میدهیم.

● نامه‌ای از رفیق ن دانشجو هوادار سازمان

با درود به رفقای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

"سوسیالیسم، سوسیالیسم است"

عنوان مقالات تجربه پیکار را در چین فروش یا صدای سلندر تبلیغ میکردم. چند متر آنطرفتر یکی از هواداران "راه کارگر" نیز مشغول فروش نشریه‌اند و این جمله را تکرار میکرد "لهستان، تجربه سوسیالیسم بیمار". هیچ آدم معتقد به سوسیالیسمی نمیتواند با شنیدن این جمله ناراحت نشود، چرا که این تنها معرف علیل بورژوازی است که برای سوسیالیسم چون و چرا هم قایل است، تنها بورژوازی است که مفلوکانه سعی میکند سرمایه‌داری را منزه جلوه دهد و سوسیالیسم را خوار کند و توده‌ها را از سوسیالیسم بترساند، بیماری سرمایه‌داری را بنام بیماری سوسیالیسم جا بزنند. بورژوازی است که از چنین طبقه کارگر لهستان می - خواهد بر علیه سوسیالیسم تبلیغ کند. شنیدن این چنین جملاتی از زبان یک بورژوا یا رویزیونیست ها نمیتواند چیز عجیبی باشد ولی مهم این بود که ما این را از زبان افرادی میشنویم که ادعای مرزبندی با رویزیونیستها را دارند. باید دید اینها گفت نه رفقا سوسیالیسم بیمار نیست. سوسیالیسم سوسیالیسم است سوسیالیسم آرمان طبقه کارگر است. این بیماری در بین شماست. برای اینکه حرفهای کهنه بورژوازی را تکرار نکنید، بهتر است در تفکر خود تجدید نظر کنید. شما حتی اسامی ندارید که برای توجیه کرایشات رویزیونیستی خود از باطیل پوسیده بورژوازی کمک بگیرید و بجای تبلیغ "سوسیالیسم، سوسیالیسم است" همزبان با بورژوازی و بنفع آن سوسیالیسم را در نزد توده‌ها ذلیل و بیمار نشان دهید.

و بدینگونه به آرایش بورژوازی بپردازید و شما هم مثل بورژوازی و حتی گاه‌ای داغتر از آن، چنین طبقه کارگر لهستان را ضعف و بیماری سوسیالیسم

بقیه از صفحه ۱۵ **ملاحظات...**

با مارکسیسم - لنینیسم که با نام رفیق استالین عجین گشته است، پیتامی بیمار بودن می گذارد. در این کتاب جز آنجائی که دیگر حذف نام رفیق استالین ممکن نبوده، همه جا نام و گفته‌های وی بکلی یا نسوخته و حتی در موارد بسیاری محتوای متن اصلی دگرگون گشته است!

برای اینکه خوانندگان ما با نمونه‌ای از کلاهبرداریهای این حزب طرارسوس نوکران روس آشنا شوند، نمونه‌هائی از جمل و تحریف آنان را در اینجا می آوریم:

- در صفحات ۲۲، ۲۳، ۹۸، ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۴ و ۱۴۷ نام استالین حذف شده.
- در صفحه ۶۶ نقل قول کامل از رفیق استالین و همچنین جملاتی از رفیق دمیتروف حذف شده.
- در صفحه ۶۶ یک نقل قول کامل از رفیق استالین یا نسوخته.
- در صفحه ۹۹ جمله "تا خدائی بزرگ و خردمند باشد رهبر ما رفیق استالین" حذف شده.
- در صفحه ۱۱۸ باندازه یک صفحه تمام حاوی نقل قولی طولانی از رفیق استالین و همچنین سطوری از خود نویسنده درباره وی حذف شده.
- در صفحه ۱۳۲ یک پاراگراف کامل از سخنان نخستین آموزگار رفیق دیمیتروف در مورد رفیق استالین حذف شده.
- در صفحه ۱۴۰ سطر ۱۸ بجای نام "استالین" اتحاد شوروی "نوشته است!
- ....

قلمداد کنند نه کندیدگی سرمایه‌داری. آری رفقا کرایشات رویزیونیستی شما یعنی همین، یعنی همینکه نمیتوانید بین سوسیالیسم و بورژوازی فرق قایل شوید یعنی همین که اینچنین بآسانی به مبلغ دو آتشه بورژوازی تبدیل میشوید و در اوج رسوائی رویزیونیسم بکمک آن می شتابید و بدینگونه به آرایش چهره عریان بورژوازی مشغول میشوید.

دانشجوی هوادار. ن

■ ■ ■

سوسیالیسم میدانستند. امروزه تا کیان کلیه دستاورد - های حزب کمونیست چین و انقلاب چین و رفیق مائو را به زیر سئوال میکشند و به آنها حمله می برند.

ما ضمن مرزبندی با انحرافات راستروانه حزب کمونیست چین و رفیق مائو که لطمات مهمی به انقلاب چین و ساختمان سوسیالیسم در چین وارد آورد و ضمن تاکید بر این مطلب که "اندیشه مائو را بعنوان تکامل مارکسیسم - لنینیسم در عصر ما قبول نداریم، اما تخطئه انقلاب چین مخدوش نمودن مرزبین حزب کمونیست چین بر رهبری رفیق مائو و حزب رویزیونیست فعلی به سرکردگی - "تنگ - هوا را نادرست ارزیابی کرده و دستاوردهای بزرگ انقلاب چین، حزب کمونیست و رفیق مائو را می ستائیم.

امروزه امپریالیستها می کوشند با استفاده از شکست موقتی پرولتاریا در شوروی و چین و حاکمیت مجدد بورژوازی در این دو کشور و برخی کشورهای سابقا سوسیالیستی چهره سوسیالیسم را در نزد توده‌ها بی - اعتبار سازند. رویزیونیستهای خروشچفی و همدستان آنها نیز میخواهند با استفاده از شکست پرولتاریای چین و حاکمیت رویزیونیستها در آن کشور، حقانیت سوسیال امپریالیسم شوروی و وابستگانش را به اثبات رسانند.

اما جواب ما کمونیستها به کلیه دشمنان طبقه کارگر چنین است:

تاریخ جوامع انسانی، تاریخ مبارزه بین طبقات است. در این مبارزه ستمگران و ستمدیدگان با جنگ و دندان برای کسب قدرت به جنگ علیه یکدیگر پرداخته - اند و می پردازند.

پرولتاریا که همچون نیروئی خودش از تاریخ چندین هزار ساله مبارزه طبقاتی انسانها، از زمان جامعه برده‌داری تا امروز (تنها کمتر از ۲۰۰ سال پرچم این مبارزه را بدوش می کشد، در کوران این مبارزه، فراز و نشیب های گوناگون را از سر گذرانیده و می - گذراند و در این راه هر چه آبدیده‌تر میگردد. پرولتاریا جمعبندی تجارب و شکست هایش را راهنمای پیروزی - های آینده خویش قرار میدهد.

بقول رفیق مائو "مبارزه شکست، باز هم مبارزه، باز هم شکست و سرانجام پیروزی چنین است منطق خلق" و ما اضافه میکنیم چنین است حکم تاریخ در باره پرولتاریا.

پایان

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۲۴

یادداشتهای ...

لکن ... اینانرا ،از آن سنی ها وحشکی ها بیرون می آیدوفعالیت میکندوجوهره انسان که باید همیشه متحرک وفعال باشدبروزمیکندودراستراحت ودرراحت ودراین اموراینان همیشه کل میشود."

می بینیدچگونه باجان زحمتکشان بازی میکنند مهم نیست که سربازان دوطرف در جنبه ها کشته میشوند . زحمتکشان دوکشوردربمباران انبها جان خودرا ازدست میدهند وگرانی وقحطی وبیکاری وبیماری ازپس جنگ خودرا می نمایانند ،مهم اینست که انسان بـه فعالیت می افتد ،کدام فعالیت آقای خمینی منظور- شان دفاع ازسرمایه داران ایران وعراق است ؟ما ازاین فعالیت که چیزی جزکشتار به ارمغان نمی آورد ، بیزاریم .البته آقای خمینی حقیقت را میپوشاند و ادعا میکندکه فقط این ارتشیان عراق هستندکه مردم بیدفاع را میکشند .وبمباران مناطق مسکونی عراق راتوسط ارتش ایران تکذیب میکند .حال آنکه واقعیت غیرازاین است وارتشهای ضدخلقی ایران وعراق از بمباران مناطق مسکونی ابایی ندارند .آقای خمینی با استفاده ازاحساسات مذهبی مردم میخواهدآنها را به گوشت دم توپ تبدیل کند .او میگوید :"ما باید همه عزیزانمان را فدای اسلام بکنیم وبایداین کارانجام بگیرد ." ومردم خرمشهررا که نخواسته اندداین جنگ ارتجاعی کشته شوندواز جنگ بحق کناره گرفته اند سرزنش میکندومیگوید :

"آنهائیکه درمثل خرمشهرو مثل اهوازومثل آبادان وایینها هستندبافشاری کنند ،نگذارند از شهرخودشان بیرون روند ." جان مردم برای آقای خمینی بی ارزش است ،اوبرای آنکه راحت ترمردم را به کشتن دهداز وعده بهشت هم کوتاهی نمی کند او میگوید :

"کشته هم شویم ،اهمیتی ندارد ،بکشیم هم که انشاء الله موفق خواهیم شدبه جنت وبه بهشت انشاء الله شما هیچوقت ازآن هراسی نداشته باشید ."

ولی همه زحمتکشان ما بتدریج خواهندفهمیدکه این جنگ بسودشان نیست وخواهندفهمیدکه شما آنها راگوشت دم توپ کرده اید .آنگاه خواهندفهمیدکه شما بخاطرمنافع سرمایه داران، فرزندانشان را به کشتن داده اید وآنگاه شما را نخواهندبخشید ...

دوم: سودکلان امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم ازاین جنگ

درهفته گذشته بنقل ازخبرگزاریها روزنامه ها نوشتندکه امپریالیستها وسوسیال امپریالیسم ۶ میلیارددلارازجنگ ایران وعراق سودبرده اند .چرا که غارت وارده به تاسیسات اقتصادی موجب میشود که این دوکشوربه کشورهای امپریالیستی برای جبران آنها رجوع کنندوتعمیروراه اندازی این تاسیسات برای امپریالیستها ۶ میلیارددلارسوددارد .

گرچه امپریالیستها ازنظراقتصادی نیزازاین جنگ سودمیبرند ،اما این تنها استفاده آنان نیست

۱- این جنگ موجب تقویت ارتش ایران شده ومی - شودوتقویت ارتش دست پرورده آمریکا درایران به یقین سودبسیارکلانی است که نصیب امپریالیسم میشود .

۲- سیاستهای امپریالیسم آمریکا درایران بیشتر درتطابق با سیاستهای "لیبرالها"ست (اگرچه خواست اصلی آمریکا روی کارآمدن بختیارخاش است اما الاحمار به لیبرالها راضی میشود .جنگ موجب بیرون شدن این جناح میشود .یکی ازسیاستهای آمریکا همیشه این بوده است که با انواع فشارها ،تازیانه ، دیپلماسی و... این جناح راکه امیدامپریالیسم درهمان جاکمه است تقویت کندوجنگ دراین خدمت میرهد .

۳- وابستگی صنایع ارتش ایران به آمریکا موجب میشودکه برای ترمیم خسارات جنگی وخریدسلاحها و وسائل یدکی بسوی ایران به امپریالیستهای اروپائی تقویت شده وبیرصنایع امپریالیسم آمریکا مشتریان بیشتری درایران بیابند .این مسئله بر روی حل مسئله گروگانها بسودامپریالیسم تاثیر میگذارد .

۴- آمریکا ازاین جنگ برای عادی کردن روابط خودبارژیم عراق وکشاندن بیشتررژیم عراق به سوی امپریالیستهای غرب استفاده میکند .طبیعی است بخشی ازصنایع خسارت دیده عراق مشتریهای امپریالیستهای غربی خواهندبود!

۵- شوروی تامین کننده اصلی سلاحهای عراق علاوه - برفروش وسائل یدکی ،بیشترمطمئن است که باازبین رفتن بخشی ازسلاحهای عراق درجنگ مشتری خوبی برای جانشین کردن آن سلاحها ،سلاحهای دیگرخواهد داشت .علاوه برآن بخشی ازصنایع عراق وابسته به شوروی است وتعمیروبازسازی آنها سودشوروی را بیشتر خواهدکرد .این مسائل وزنه شوروی را درسیاست رژیم بعث سنگین تر میکند ،بیخودنیست که پراودا صدام را صدامپریالیست مینامدوخبرگزاری تاس درهفته گذشته اعلام میکندکه آمریکا ،ایران را به جنگ نزدیک میکندوبادآورمیشودکه شوروی وعراق دارای قرارداد - های همکاری جنگی هستندوشوروی به این دوستی وفاداراست!

۶- شوروی امیدواراست ،ازدوسربرنده شودیعنی علاوه برحفظ وتحکیم مناسباتش با عراق ،ازطریق حزب - توده واکثریت فداییان جای پائی نیزدرجمهوری اسلامی بیابد .چنین است که این رویزیونیستها برای جمهوری اسلامی بقه میدرانندتاشاید ازسرلطف جمهوری اسلامی به همسایه شمالی هم نظربیاندازد .آخرشوروی سلاحها وکالاهای اقتصادی بدی که ندارد! اما دراینجا بایدیک نکته را یادآورشدوآن اینکه درحال حاضر طولانی شدن جنگ بسودامپریالیستها نیست .منطقه که ازنظرنظامی واقتصادی حائزاهمیت است وبخش اعظم نفت جهان را تامین میکندنبایدبه آشوب کشیده شود فقط مقداری آتش بازی برای امپریالیستهاکافی است!

این جنگ برای توده های دوکشورفلاکت وکشتار به ارمغان میاورد .وبرای امپریالیستها سودهای کلان اقتصادی وسیاسی!

سوم: جمهوری اسلامی چرا میانجیگری رارد میکند؟

سازمان "دول" متحدخواهان قطع جنگ شده است ضیاءالحق آمریکائی وحبیب شطی بازم آمریکائی برای میانجیگری به ایران آمدند ،وبا سرعرفات نیزبه همین منظورمنتها نه ازموضع مزدوران فوق به تهران آمدعراق پیشنهادآتش بس میانجیگری ومذاکره را پذیرفت اما جمهوری اسلامی آنرا ردکرد .

عراق به این خاطرخواهان مذاکره ومیانجیگری است که درجنگ ،موفقیتهای نسبی درمدارمرزی بدست

بقیه درصفحه ۱۵

خط بحران در نوشته

★ تائید سند

درشماره ۶۷ مورخه ۲۰ مرداد ۵۹ سندی مبنی به "شورای انقلاب" راجاب کردیم که خریدمسلسل سوری ساخت اسرائیل را تصویب کرده بود .این سند ،تاریخ وشماره نداشت وسرچی ازرفقا دجارتردیدنموده بودندکه نکنداین سندصحت نداشته باشد .برای رفع اشکالی که این رفقا داشته اند ،عین تصویرنامه شورای انقلاب را ازروزنامه رسمی کشورمورخه ۴ مرداد ۵۹ درزیرکلیشه میکنیم .ضمنا سنددیگری راهم ازشورای انقلاب راجع به پرداخت ۳۰ میلیون تومان برای سازمان ارتجاعی امل درشماره ۷۱ پیکارمورخه ۱۷ شهریور چاپ کردیم که بازتاریخ وشماره نداشت .ما سئوال می - کنیم علت اینکه "شورای انقلاب" روی اینچنین اسنادتاریخ وشماره نمیزده چیست؟آیا ازچیزی میترسد؟

قوانین ومقررات عمومی

شماره ۰۷۴۴ ۱۳۵۹/۴/۹
وزارت کشور

لایحه قانونی راجع به تأمین اعتبار جهت خرید سلاحهای سازمانی مورد نیاز شهربانی جمهوری اسلامی ایران که درجلسه مورخ ۵۹/۳/۲۰ بتصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیدملت بوبیت ابلاغ میگردد .

لایحه قانونی راجع به تأمین اعتبار جهت خرید سلاحهای سازمانی مورد نیاز شهربانی جمهوری اسلامی ایران

ماده واحد - بمنظور تأمین سلاحهای سازمانی مورد نیاز شهربانی جمهوری اسلامی ایران ، اجازه داده میشود اعتباری حدود مبلغ چهل وچهارمیلیون ریال از طریق بنیه دفاعی وزارت دفاع ملی تأمین و دراختیارسازمان تسلیحاتی وزارت دفاع ملی قرارگیرد تا نسبت بهسازش سلاحهای سازمانی ازقبیل رولورسیستم ژین و مسلسل بروزی اقدام و به شهربانی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده شود .

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

★ نازشست از این بهتر؟!

همانطورکه میدانیم وبارها هم در "پیکار" افشاگری کرده ایم ،ساواکی هائی هستندکه ازبرکت "مکتبی بودن" وسرسپردگی دربرابرحزب جمهوری اسلامی و تبعیت از "بادی که میوزد" به "مجلس شورای اسلامی" راه یافته اندوهم اکنون با حمایتی که ازسرمایه داران وزمینداران بزرگ میکنند ،با موضعگیری هائی که علیه نیروهای کمونیستی وانقلابی دارندونیزباشعارهای "مرگ برمنافقین" ،که بصورت ذکروارادبا تسبیحی دردست ،تکرارمینمایند ،مراتب حمایت خودرا ازعقب - مانده ترین طبقات اجتماعی ابرازمیدارند .ما کسانی مانندحسن آیت ،معین فر ،علیمحمدبشارتی و بسیاری دیگرازباصطلاح نمایندگان مجلس راحدودیک سال پیش افشاکرده ایم حالا نازشست رژیم برای این عناصرارتجاعی راکه "عصاره فضیلت ملت ایران" لقب گرفته اندملاحظه کنید :

آری نمایندگان مجلس میتوانندمسلح باشند ، میتوانندنگهبان مسلح داشته باشند ،باخرج مجلس تاخوب به حمایت ازسرمایه داران ومالکان بزرگ بپردازند .بادیان نیست دوسه هفته پیش دربرابررضا - اصفهانی که "حرفهائی" درحمایت ازمستضعفین "زد چگونه مجلس برآشفته شد؟

آری ،ساواکیهای قدیم ،سازشکاران وبه پستو خزیدگان حق دارندمسلح باشندونگهبان داشته باشند

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱۲ **بازداشتها...**

آورده است، و میخواهند گره نجاتی که در تاریخ این توده‌ها را محاصره کرده است باز کنند. اما راهی از جمهوری اسلامی نمیگذرد که این خاطره و دستاورد جنگ طلبانه‌ای بیان نمیدهد. از سوی دیگر ایران سرمایه‌داران توان یک جنگ طولانی را ندارد. اما برعکس رژیم جمهوری اسلامی که در جنگ نجاتی از مدار مرگی را از دست داده و رفتن را در موضع بهتری می‌بیند، مذاکره و مصالحه‌گری را رد میکند و آنرا به زمانی موکول میسازد که وضعیت بهتری در جبهه‌های جنگ بدست آورد. همین است که عربده‌های جنگ طلبی سر میدهد. بلکه مهم برای خلقهای ما در این لحظه که بخاطر امتیازات مرزی با بهترین صورت سرورزیهائی منفعت سرمایه‌داران کشور خود، حکومت دولتهای ارتجاعی جنگ براه می‌اندازند و تا امتیازاتی بسود خویش بدست نیاورند از جنگ دست نمیکشند. برای آنها مهم نیست که ادامه جنگ چه بدبختی‌ها و فلاکتهائی برای زحمتکشان ما بدنبال می‌آورد، برای آنها سود و غارت مطرح است.

چهارم: تاکتیک کمونیستها برمبنای سرشت جنگ تعیین میشود!

"جنبه نیمه مسالمت آمیز دوران سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۴، اپورتونیسم را ایجاد نمیکرد که یک گروه ممتاز پرولتاریا کارگری و یا رفقای نیمه راه خرده بورژوا بورش داد. این عناصر نمیتوانستند جنبش کارگری را مانع خود سازند جز از این راه که هدفهای انقلابی و تاکتیک انقلابی را در کفتار قبول نمایند... این تضاد ملی بود که مناسبت وقتی سرباز کنند و سرهم باز کرد."

(لنین - اپورتونیسم و ورشکستگی انترناسیونال دوم)

دمل انترناسیونال دوم در جنگ جهانی اول با دفاع از بورژوازی خودی سرباز کرد. اصولا این دمل‌های جرگین در "تندیجهای تاریخی" است که سرباز میکند. تجهائی که آنچنان برخی نیروها را براست می‌کشاند که برای همیشه در قعر منجلاب رویزیونیسم بایستی جستجویشان کرد.

درحقیقت جنگ ایران و عراق یک "تندیج" است چاشنیست که دملها سرباز میکند. اگر "تندیج" واقعه سقارت، انحطاط تندوسریعی را برای اکثریت کنونی فداییان در پیش داشت، تا آنجا که اکنون آنان را در قعر رویزیونیسم و سوسیال شوینیسم می‌بینیم. "تندیج" جنگ ایران و عراق "نیرومتانقانه انحرافات برخی از رفقای درون جنبش کمونیستی را شدت بسیار بخشیده و گرایش رویزیونیستی را در آنان تقویت کرده است. اگر اکثریت فداییان به نتیجه از بزرگش حزب خدتوده یک سوسیال شوینیست تمام عیار شده است یعنی بقول لنین به "اپورتونیسم تکمیل شده" تبدیل یافته و اپورتونیستمان "برای اتحاد علنی و اکثرا مبتذل با بورژوازی و ستادهای ارتش به نتیجه خود رسیده است." (همانجا) و امروز وفاداری و منتهای جانبازیشان به جمهوری اسلامی را اعلام کرده و فریاد میزنند بگذار "خون فدائی و یا سدار" درهم آمیزد. (در تا همه اخیرشان به خمینی) حتی نیروی کمونیستی نیز تزلزل نشان داده و به دفاع از میهن بورژوازی قد علم کرده‌اند.

آنها سخن از تجاوز یکجانبه میگویند از یورش به سوده‌ها و... بدین ترتیب آنها ماهیت جنگ را از روی ماهیت دولتهای درگیر کنند و در جنگ به سرمایه‌ای نیز لنینی مبنی بر اینکه جنگ ادامه سیاست به وسائل دیگر است، بلکه سرمایه‌ای غیرطبقاتی و روسرویستی استوار میکنند. آنها با هزار ریا نه میگویند سرشت جنگ را میشناسیم دارند و وقتی همه‌ی از این رفقا محون می‌ـ سودا اعتراف کنند که جنگ غیرعادلانه است، معهذا میگویند باید در آن شرکت کرد!

آنها بر روی این تزلزلی خاک می‌پاشند که با کنیک پرولتاریای انقلابی در مورد جنگ از روی ماهیت جنگ تعیین میشود بقول لنین:

"وقتی جنگ بمثابه جنگی شناخته شد که هدف آن آزادی ملی است یک تاکتیک از آن ناشی میشود و وقتی بمثابه جنگ امپریالیستی شناخته شد، تاکتیک دیگری" (همانجا)

یعنی تاکتیک ما در جنگهای غیرعادلانه متوقف کردن حتمی و فوری جنگ تا پرولتاریای کشورهای دیگر و جلوگیری از بورژوازی خود است و تاکتیک ما در جنگهای عادلانه، شرکت فعال در آن. اما اگر سلطه کثرت خرده بورژوازی در شهر، این قشر سازمانهای (م.ل) تاثیر بگذارد و آنها با این تاکتیک لنینی به معارضه برخیزند، ما با نمودی در اصول را به آنان گوشزد میکنیم و واقعه‌ای تاریخی را نشان می‌آوریم که بلشویکها بخاطر تاکتیک لنینی شان در مورد جنگ جهانی اول در انترناسیونال دوم میگفتند که:

بلشویکها "دچار اختلال حواس شده‌اند". "بجای جاب اعلامیه‌هایشان" با ترجم به آنها میگریستند، همان - طور که به دیوانه‌ها نگاه می‌کنند. آنها را "حل" بلغی میکردند و کارشان را "خون سیاسی" (نقل از تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) از زینوویف. این کتاب متعلق به زمانی است که وی هنوز مارکسیست بود) لنین میگوید این تاکتیک از نظر "داوید، بلخانف اکسلرد، کائوتسکی و سایرین، "دیوانگی"، "تخیل" "ماجراجوئی" و "ناکونیسم" (همانجا) بود و در هنگام طرح آن، عده قلیل و معدودی از آن پشتیبانی کردند. (نقل از کتاب زینوویف)

دو سال طول نکشید که بخشهائی از پرولتاریای روسیه و بخشهای کوچکتری از پرولتاریای اروپا به آن روی کرده‌اند و انقلاب اکتبر حقانیت آنرا نشان داد. اکنون ما نیز در مقابل سوسیال شوینیستها و آنهائیکه در مورد این جنگ گرایش رویزیونیستی از خودشان نداده‌اند با بداری بر تز لنینی و تاکتیک لنینی، پیام زنان طبقه ستمکش به فرزندان کوچکشان را از قول لنین فریاد میزنیم:

زنان انقلابی پرولتاریا "به فرزندان خود خواهند گفت: "تو نوبتی بزرگ خواهی شد. به تو اسلحه خواهند داد، بگیر و عملیات نظامی را بخوبی بیاموز. این علم برای پرولتاریا ضروری است اما نه برای آنکه نظیر جنگ کنونی وطبق نقشه‌ای که خائنین سوسیالیسم بتو میکنند، آنرا بر ضد برادران خود یعنی کارگران سایر کشورها بکار ببری بلکه برای آنکه بر ضد بورژوازی کشور خود مبارزه کنی و به استثمار و فقر و جنگ نه از طریق تمایلات حسنه بل از طریق پیروزی بر بورژوازی و خلع سلاح آن خاتمه دهی."

(لنین، برنامه جنگی انقلاب پرولتاریائی)

ملاحظات کوتاه

ولی انقلابیون در برابر تهدیدهای تروریستی که نمونه‌اش را در ترور رفقای داستجوی ما مسعود تالحی - را دوطبه بحم الدینی در تبریز و انقلابیون و کمونیستهای دیگر دیده‌ایم، حق ندارند حتی تا کلام از خود دفاع کنند! کمونیستها از سرمایه‌داران حزب اسلامی ندارند.

روزنامه رسمی ۱۳۵۹/۴/۳۰ شماره ۱۰۳۱۱

شماره ۵۲۶۶
وزارت کشور
۱۳۵۹/۴

لایحه قانونی راجع به حفاظت نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در جلسه روز ۵۹/۳/۲۹ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به موقع اجرا میگردد.

لایحه قانونی راجع به حفاظت نمایندگان مجلس شورای اسلامی

ماده واحده - هر یک از نمایندگان مجلس شورای اسلامی میتوانند یک قبضه اسلحه کمری و یک مخفه مسلح برای مدت زمان عضویت در مجلس و معقول مطابق مقررات و از بودجه مجلس پرداخت میگردد.

تبصره - اگر نماینده‌ای مجلس را برای پاسداری مجلس نماید دوست به شخص پیشنهادشده را تحلیه داده و مسلح نماید و در اختیار نماینده گذارد.

تبصره - ... در موقعیت مجلس ارتش و نیروهای انتظامی مسئول حسن حفاظت نمایندگان و تحویل اسلحه میباشند.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

★ "ولیعهد" ناکام و خواب پنبه دانه!

در خبر رادیوهای ضد انقلاب، صدای آمریکا و رادیو بختیار و رادیو وینی و... آمده بود که "ولیعهد" ناکام شاه میخواهد در دامان انورسادات بیستمین سال تولدش را جشن بگیرد و در همین رابطه سادات گفته است که او "وارث تاج و تخت شاهنشاهی" است. این اقدام خود یک حلقه از سلسله توطئه‌هائی است که علیه انقلاب خلقهای ستمدیده ایران بنا شده میشود و مسلما توده‌های قهرمان ما با تمسخر و عبارت "تو در خواب ببینید ـ دانه" و کینه خونین و ناز ناپذیر خویش به آن رجاله ـ های دست پرورده آمریکا پاسخ میدهند ولی فراموش نکنیم که آنچه آمریکا و سگهای دست پرورده‌اش را به این "خیالهای خوش" انداخته، فشار و سرکوبی است که امروز در ایران علیه نیروهای کمونیستی و انقلابی که دشمنان آشتی ناپذیر آمریکا و عمالش هستند انجام میشود. آنها وقتی می‌بینند کمونیستها را میگیرند و شبها را ران میکنند، مجاهدین را "منافق" مینامند و تحت فشارهای شدید قرار میدهند، البته که به "آینده" خود امیدوار می‌گردند!

★ غلطنامه حزب توده!

اخیراً حزب توده تاکنون دیگری تقدیم کتابخوانان ایران کرده است: "مبارزه در راه جبهه واحد علیه فاشیسم و جنگ"، نوشته رفیق گئورگی دیمیتروف. این اثر ارزنده که قبلا با ترجمه "نوذر" با عنوان "هجوم فاشیسم" انتشار یافته بود، اکنون با گذشتی از زیر تیغ سانسور، جعل و تحریف حزب توده با قیمتی چهار تومان گرانتر به "بازار" عرضه شده است! اما در بازار کتاب هم جز معدودی کلاش حرفه‌ای، که معمولا در هر منفی یافت میشوند، کمتر میتوان آن کتاب خیانت و قبیحانه را که مترجم حزب توده بخرج داده، سراغ داشت حزب توده با این "ترجمه" دشمنی کینه توزانه‌اش را

بقیه در صفحه ۲۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی -۷-

در اینجا در پی آنیم تا تئوریها و اشکالات دیگری از انحراف رویزیونیستی رفقای رزمندگان را در ارتباط روزمره آنان نشان داده، رابطه این انحراف با مشی حاکم را متذکر شده و سپس به یک جمعبندی عمومی بپردازیم:

تحلیل انحرافی رزمندگان درباره لهستان

یکی دیگر از تئوریهای مزلزل و انحراف رویزیونیستی این رفقا در برخورد به رویدادهای اخیر لهستان متجلی میگردد. این رفقا از آنجا که فاقد تحلیل مارکسیستی از ماهیت رویزیونیسم و حکومتی با رگه و استقرار سرمایه داری در کشور سوسیالیستی میباشند، همانگونه که نمیتوانند تحلیل علمی و درستی از تحولات شوروی ارائه دهند، از ارائه تحلیل مارکسیستی از تحولات طبقاتی و رویدادهای مبارزاتی نیز ناتوان میباشند. رزمندگان در تحلیل از مبارزات طبقه کارگر لهستان مینویسند:

"مبارزات کارگران در متن بحرانی که از یک سو ناشی از وابستگی اقتصادی و سیاسی لهستان به سوسیال امپریالیسم شوروی سود و از سوی دیگر از ساخت بوروکراتیک و حاکمیت رویزیونیستی آن ناشی میشود عملا با فشار و اشکال متفاوتی تری بخود خواهد گرفت." (شماره ۲۸- ۱۷ شهریور تاکید از ماست.)

در ابتدا رفقا صحبت از وابستگی اقتصادی و سیاسی لهستان به سوسیال امپریالیسم "میکنند اما آنان مضمون و ماهیت این وابستگی را روشن نمیسازند مگر نه آنکه رزمندگان شوروی را نمایانده یک قدرت امپریالیستی بحساب نمیآورند؟ مگر نه آنکه حاکمیت بورژوازی امپریالیستی را در شوروی نفی میکنند؟ پس مضمون طبقاتی و اقتصادی اعمال سلطه سیاسی اقتصادی شوروی و وابستگی سیاسی اقتصادی ناشی از آن چیست؟

منظور ما شوروی نمایانده یک قدرت امپریالیستی به اعمال سلطه سیاسی اقتصادی امپریالیستی دست زده و برپایه این سیاست توسعه طلبانه و انقیاد طلبانه میکوشد تا اقتصاد کشورهای دیگر را به اقتصاد امپریالیستی خود وابسته و ملحق سازد. همانطور که لنین میگوید سرمایه مالی در پی به انقیاد کشاندن تمام کشورها میباشد. برپایه همین قانونمندی است که نیازهای ماهوی امپریالیسم شوروی میطلبد تا اقتصاد دیگر کشورها در وابستگی به اقتصاد شوروی قرار داشته باشند. نفوذ سیاسی - اقتصادی امپریالیستی شوروی در کشورهای اروپای شرقی و از جمله لهستان و وابستگی سیاسی - اقتصادی این کشورها به سرمایه مالی شوروی نمیتواند به انتقال بحران به این جوامع نیانجامد. پروا واضح است که انتقال این بحران امپریالیستی به تشدید بحران ناشی از حاکمیت سرمایه - داری بیمار این کشورها می انجامد. حال رفقای رزمندگان باید روشن کنند بحران لهستان ناشی از کدام سلطه و کدام وابستگی میباشد؟! اما از آنجا که این رفقا عادت دارند در این رشته مسائل جنبه طبقاتی و اقتصادی پدیده ها را از نظر دور دارند در این مورد هم سکوت میکنند.

سپس رفقای رزمندگان در تحلیل از مبارزات کارگران لهستان و توضیح بحران این کشور صحبت از "ساخت بوروکراتیک و حاکمیت رویزیونیستی" میکنند. بنظر ما آنگونه تحلیل نه تنها حکایت از انحراف رویزیونیستی میکند، بلکه همچنین بیان یک انحراف تروتسکیستی نیز میباشد. انحراف رویزیونیستی این تحلیل آنجا آشکار میشود که این رفقا از "حاکمیت رویزیونیستی" در لهستان صحبت میکنند، اما مفهوم طبقاتی این حاکمیت را مسکوت میگذارند. در حقیقت آنان به علت تزلزل رویزیونیستی خود، رویزیونیسم را نمایانده یک جریان اندئولوژیک بورژوائی نداشته و حاکمیت رویزیونیستی را منطبق با حاکمیت بورژوازی نمیدانند. انحراف تروتسکیستی این تحلیل زمانی مشخص میشود که این رفقا صحبت از "ساخت بوروکراتیک" میکنند. "ساخت بوروکراتیک" یعنی چه؟ اگر منظور مشخص نمودن ویژگی حزب و دولت حاکم است در این صورت ما میپرسیم ماهیت طبقاتی این ارگانها چیست؟ و اگر منظور مشخص نمودن ساخت اقتصادی جامعه لهستان است، در این صورت ما میپرسیم این ساخت مطابق بکدام شیوه تولیدی و سیستم اقتصادی میباشد؟

تحلیل تروتسکیستی از بوروکراسی صحبت میکند ولی ماهیت طبقاتی این پدیده را مشخص نمیسازد. این تحلیل از حاکمیت بوروکراسی صحبت میکند، ولی از اینکه این حاکمیت بیان حاکمیت طبقاتی کدام طبقه اجتماعی است، حرفی نمیزند. تحلیل تروتسکیستی نه تنها فاقد تحلیل طبقاتی میباشد، بلکه بعلاوه قادر به درک مناسبات دیالکتیک روبنائی و زیربنائی نمیباشد. برای اینکه این مطلب روشنتر شود به نظرات خود تروتسکیستها رجوع کنیم. هفته نامه ضد انقلابی "کارگر" در رابطه با وقایع لهستان مینویسد:

"اکنون اعتصابات کارگران لهستان بعد عظیم دیگری بر این پیروزیهای انقلابی در سطح جهانی افزوده است. و آن عبارت است از: پیشرفت انقلاب جهانی در کشورهائی که سرمایه داری در آنها از بین رفته است ولی حکومتهای آنها در دست بوروکراسی استالینیستی قرار دارد. به عبارت دیگر انقلاب جهانی در مسیر انقلاب سیاسی در دولتهای کارگری مسخ شده (نظیر اتحاد شوروی) و دولتهای کارگری ناقص الخلقه (نظیر لهستان، چکسلواکی و غیره) راه پیشروی خود را گشوده است" (شماره ۴۳ - تاکیدات از ماست).

همانطور که میبینیم برپایه این تحلیل بوروکراسی در شوروی و دیگر کشورهای رویزیونیست فاقد ماهیت طبقاتی بوده و حاکمیت این بوروکراسی هیچ تغییری در "اقتصاد سوسیالیستی" (؟!) این کشورها بوجود نیاورده است. بنظر تروتسکیستها در این کشورها بوروکراتها حاکمند ولی این بوروکراتها بورژوازی نیستند. و به همین خاطر کمابیش دولت حاکم علیرغم تمام "اشکالات و انحرافاتش"، "کارگری" میباشد.

پروا واضح است که ما ماهیتا بین تروتسکیستهای ضد انقلابی و رفقای کمونیست خودبینی رزمندگان خط فاصل روشنی میکشیم، ولی بحث در اینجا بر سر نزدیکی - تحلیل تروتسکیستها و تحلیل رفقای رزمندگان است. بحث بر سر انحراف تروتسکیستی رفقای رزمندگان در تحلیل از تحولات سیاسی طبقاتی در کشورهای رویزیونیستی میباشد. رزمندگان از "ساخت بوروکراتیک" صحبت کرده و در همان زمان روشن کردن درک خود از این مقوله حاکمیت طبقاتی در لهستان و سیستم اقتصادی موجود را مسکوت میگذارند. منظور ما در لهستان با غلبه رویزیونیسم، بورژوازی حاکم گشته و در حال حاضر اقتصاد موجود جز یک اقتصاد سرمایه داری بیمار چیز دیگری نیست. بوروکراتی نمایانده یک پدیده بورژوائی، ذاتی سیستم سرمایه داری حاکم میباشد. رویزیونیستها، بوروکراتها و... دقیقا همان بورژوا - های نوینی هستند که دستگاه دولتی و دولتی را به قبضه در آورده و طبقه کارگر را شدیدا استثمار میکنند. اینان برپایه مشی بورژوائی و بوروکراتیک خود جدا از توده ها بوده و بر همین اساس حزب و دولت بورژوازی نوین نسبت به طبقه و توده ها کاملا بیگانه بوده و تنها ابزار سرکوب طبقه حاکم میباشند.

آیا در یک کشور سوسیالیستی بوروکراسی وجود دارد؟ بوروکراتیسم نمایانده یکی از پیامدهای مناسبات کهن در جامعه سوسیالیستی وجود دارد که میبایست بطور مستمر و پیوسته مورد مبارزه همه جانبه قرار گیرد. اما وجود این بوروکراسی در یک کشور سوسیالیستی مانع از آن نخواهد بود که بگوئیم چنین کشوری، کشور دیکتاتوری پرولتاریاست.

و پروا واضح است که یکی از وظایف دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه پیگیر علیه بوروکراتیسم نمایانده

←

- مسئله سوسیال امپریالیسم فقط یک مسئله بین المللی نیست، بلکه مسئله ای است که بعلاوه و بطور مشخص با انقلاب و جنبش کمونیستی ما ارتباط پیدا می کند، به همین دلیل هم از لحاظ وظایف انترناسیونالیستی خود و هم از لحاظ مصالح انقلاب ایران ضروری است تا در مورد سوسیال امپریالیسم افشاگری مداوم صورت گیرد.
- درست است که سوسیال امپریالیسم شوروی دشمن فائقه خلقهای ما نیست ولی این امر یک ذره از اهمیت افشای مستمر این قدرت تبهکار امپریالیستی نمی کاهد.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

یک تندیده بورژوائی ودشمن خطرناک سوسیالیسم میباشد.

حال در یک کشور بورژوا - رویزیونیستی وجود بوروکراسی حکومت قائل توضیح است. در چنین کشوری بوروکراسی نمیتواند جز حاکمیت بورژوازی میباشد. اگر بوروکراسی در جامعه سوسیالیستی یکی از بقایای مناسبات اجتماعی کهن میباشد و کاملا با دیکتاتوری پرولتاریا سازگار است. در جامعه رویزیونیستی بوروکراسی رابطه سکانتک و ارگانیکی با دیکتاتوری بورژوازی دارد.

بدین ترتیب وقتی رفقای رزمندگان صحبت از "ماهیت بوروکراتیک" میکنند و درباره حاکمیت طبقاتی و سیستم اقتصادی موجود سکوت مینمایند، همان حرفهائی را تکرار میکنند که رویزیونیستها میگویند. البته این - گونه تحلیل کردن فقط تکرار حرفهای رویزیونیستها نیست، بلکه نوعی تاظر انحرافی رویزیونیستی می- باشد. و همانطور که قبلا گفتیم این انحرافی است که با انحراف رویزیونیستی - در آن مجتمع گشته و در مجموع خود را در پیچیدگیهای مختلف از مناسبات رزمندگان منعکس مینماید.

انفعال رزمندگان در افشای سوسیال امپریالیسم

یکی دیگر از تظاهرات انحراف رویزیونیستی رزمندگان میتوان نوع افشاگری این رفقا در قبال سوسیال امپریالیسم است. در بیشتر رزمندگان ما به موارد بسیار کمی برمیخوریم که این رفقا به افشای عارتکیها، جنایات و سمپاشیهای سوسیال امپریا - لیسم شوروی پرداخته باشند کم بها دادن به این افشا - گریها که یکی از وظایف اساسی کمونیستهای جهان و ایران میباشد، نشانگر همان انحراف و تزلزل این رفقاست. کمونیستها نه تنها در ارتباط با وظایف سوسیالیستی خود، بلکه همچنین در ارتباط با وظایف دمکراتیک خود موظفند این دشمن فریبکار و مکار را در نزد پرولتاریا و خلقهای جهان بیرحمانه افشا نمایند هرگونه کوتاهی و کم بها دادن به مبارزه ضد سوسیال امپریالیستی جز فراهم ساختن زمینه نفوذ و رشد رویز- یونیسم و سوسیال امپریالیسم چیز دیگری نخواهد بود. مسئله سوسیال امپریالیسم فقط یک مسئله بین المللی نیست، بلکه مسئله‌ای است که علاوه و بطور مشخص با انقلاب و جنبش کمونیستی ما ارتباط پیدا میکند. به همین دلیل هم از لحاظ وظایف انترناسیونالیستی خود و هم از لحاظ مصالح انقلاب ایران ضروری است تا در مورد سوسیال امپریالیسم افشاگری مداوم صورت گیرد. روشن است که ما بر خلاف رویزیونیستهای جاشی "به جهانی" که فقط شوروی را دشمن خلقها و انقلاب در نظر دارند و طرح اتحاد دمکتن با بورژوازی خودی و امپریالیستهای آمریکائی و اروپائی را ریخته‌اند، معتقدیم که سوسیال امپریالیسم نه تنها دشمن، بلکه یکی از دشمنان امپریالیستی پرولتاریا و خلقهای جهان میباشد. ما معتقدیم که شوروی همانند امپریا - لیسم آمریکا خونخوار، تجاوزکار و توسعه طلب بوده و بنا بر این نه دوست خلقها، بلکه دشمن خلقها بشمار می - آید. ما معتقدیم همانگونه که امپریالیسم آمریکا مستحاوز و غارتگر است و در راس یکی از دو قطب اساسی جهان امپریالیستی قرار گرفته است. امپریالیسم شوروی نیز مستحاوز و غارتگر بوده و در راس قطب دیگر جهان امپریالیستی جای دارد. بر پایه این تحلیل ما معتقدیم که همانگونه که آمریکا و شوروی نیز خود دشمنان اصلی پرولتاریا و خلقهای جهان میباشند.

اما رفقای رزمندگان بر اساس انحراف رویزیو- نیستی - بورژوائی خود بر آنند که:

> ● کمونیستها طرفدار حقیقت اند. باید انحرافات را برملا کرد، باید اشتباهات را مطرح نمود، باید انتقاد از خود کمونیستی کرد و مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی را ارتقاء داد.

"حزب کمونیست چین تحت رهبری مائوتسه تونگ مقابله با شوروی را در سطح جهان پیش گرفت اما در این جریان تدریجا از تشخیص اصلی و فرعی بین دشمنان انقلاب پرولتاریا و خلقهای جهان عاجز شده و به آمریکا و شوروی نه تنها یکسان برخورد کردند..." (رزمندگان شماره ۲۹)

بدین ترتیب مشاهده میکنیم که این رفقا نه تنها برخورد مستمر و فعالی در افشای سوسیال امپریالیسم نمیکنند بلکه علاوه مطرح میسازند که تنها به دشمن آمریکا و شوروی یکسان برخورد کرد. زیرا شوروی دشمن فرعی خلقهای جهان میباشد! در حقیقت ریشه برخورد انفعالی یا سو رزمندگان در افشای شوروی در همین تحلیل انحرافی نهفته است. این رفقا نه تنها درک صحیحی از مقام و موقعیت جهانی سوسیال امپریالیسم ندارند، بلکه همچنین فاقد درکی روشن از خطر سوسیال امپریالیسم برای جنبش خلقهای ایران و جنبش کمونیستی میهن ما می باشند. درست است که سوسیال امپریالیسم شوروی دشمن فاتحه خلقهای ما نیست ولی این امر نکته را از اهمیت افشای مستمر این قدرت تبهکار امپری - الیستی نمی کاهد. کافی است نگاهی به واقعیت رویزیونیستهای خروشچفی همچون حزب جاشی توده و جریکهای فدائی (اکثریت) بیاندازید تا اهمیت افشای امپریالیسم شوروی را درک کنید. کافی است نگاهی به انحرافات رویزیونیستی جنبش کمونیستی و از آن - جمله انحرافات "راه کارگر" "سازمان جریکهای - فدائی (اقلیت)" و "سازمان خود بیاندازید تا اهمیت این افشاگری روشن گردد.

انحرافات رویزیونیستی "راه کارگر" تا بدان حد است که امپریالیسم روس را "کشور سوسیالیستی" خوانده و یکی از قطبهای امپریالیستی و ضد انقلاب جهانی را "اردوگاه سوسیالیسم" می نامد. انحرافات رویزیونیستی این رفقا تا بحدی است که سرمایه داری بیمار لهستان را "سوسیالیسم بیمار" میخوانند و آب تطهیر بر سر بورژوازی ضد انقلابی این کشور میریزند. کدامیک از آثار کلاسیک مارکسیستی - لنینیستی صحبت از "سوسیالیسم بیمار" میکند؟ کدام دیدگاه کمونیستی میتواند از "سوسیالیسم بیمار" سخن بگوید؟ مگر نه آنکه سوسیالیسم فقط یکی است و آنهم سوسیالیسم علمی؟ آری رفقا کسانی که از "سوسیالیسم بیمار" سخن میگویند خود دارای نگرشی بیمار یعنی نگرشی رویز- یونیستی میباشند. بنابراین رفقای رزمندگان باید توجه داشته باشند که مسئله سوسیال امپریالیسم یک مسئله آکادمیک نیست، یک کپ روشنفکرانه نیست مسئله سوسیال امپریالیسم یک مسئله مشخص جنبش جهانی کمونیستی و جنبش مارکسیستی - لنینیستی میهن ماست. مسئله سوسیال امپریالیسم حتی مرتبط مسئله‌ای مرتبط به اجتماعی سوسیالیسم نیست کسانی که چنین استدلال میکنند، خود دچار رویزیونیسم بوده و نسبت به رویزیونیست جنبش کمونیستی بی اعتنا هستند مسئله سوسیال امپریالیسم در عین حال که به مسائل اجتماعی سوسیالیسم پیوند میخورد، هم اکنون خود جزو مسائل مشخص و اساسی جنبش خلق ما و حلقهای دیگر میباشد.

البته تا گفته نماند که رفقای رزمندگان اخیرا در مقالاتی راجع به اعتصابات کارگری لهستان به حرکت سوسیال امپریالیسم برخورد کرده اند، اما مهمتر از آن اینست که درک مارکسیستی و روشنی نسبت به این مقوله ارائه داده بود. رفقا اصطلاح "سوسیال امپریالیسم" را بکار می - گیرند، اما بنظر ما این بیان مبکی بر درکی علمی نمی باشد. این اصطلاح بکار می رود، اما رفقا در حقیقت امر اعتقادی به تزلزلیستی سوسیال امپریا - لیسم ندارند به همین لحاظ بنظر ما این سبک کار یک سبک کار کمونیستی نمی باشد. بنظر ما، طرح "سوسیال امپریالیسم" از طرف رفقای رزمندگان فاقد آن مضمون مارکسیستی لنینیستی تئوری سوسیال امپریالیسم است و همانطور که قبلا گفتیم آغشته به انحراف رویز - یونیستی است. کمونیستها طرفدار حقیقت اند. باید انحراف را برملا کرد، باید اشتباهات را مطرح نمود. باید انتقاد از خود کمونیستی کرد و مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی را ارتقاء داد. هرگونه لاپوشانی کردن اشتباهات و انحرافات به تشدید بیماری منجر گشته و درمان آن را مشکل تر خواهد کرد. بنابراین رفقای رزمندگان نه تنها باید افشاگری وسیعتری نسبت به سوسیال امپریالیسم انجام دهند، بلکه بویژه بتوانند این افشاگری را با انتقاد کمونیستی از انحراف رویزیونیستی خود و ارائه درکی مارکسیستی از رویز- یونیسم و سوسیال امپریالیسم قرار دهند.

کلام آخر

ما تا بحال نشان دادیم که در پست تز "تعمدانیم جدمیدانیم؟" رفقای رزمندگان، تزلزلات و انحرافات رویزیونیستی آنان پنهان گشته است. ما تا بحال نشان دادیم که آنچه رفقای رزمندگان مطرح میسازند چیز جدیدی نیست و بلکه در واقع همان تز ضد مارکسیستی پل سوئیزی در مورد شوروی است. تزی که مطرح مبارزه در شوروی سوسیالیسم موجود نیست و دولت حاکم "دولت استثماری" میباشد. تزی که متکی بر نگرشی تروتسکیستی - رویزیونیستی بوده، فاقد درک پرولتری از ماهیت بورژوائی رویزیونیسم بوده و روابط متقابل و دیالکتیک روبنا و زیربنا را بطور علمی درک نمیکند. ما تا بحال نشان دادیم که انحراف رویزیونیستی رزمندگان در ارزیابی از ماهیت سوسیال امپریالیسم شوروی به عرصه‌های دیگر از جمله جایگاه جهانی امپری - الیسم روس، مقام آن در استراتژی و تاکتیک پرولتاریا

←

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۶ **خاطرات...**

قطعا نگفت تا بدین راست که حضرت الات شنوده‌ای که زمرد از دشمن خلق!

● ۹ اردیبهشت

هوا روشن و رنگی می‌رود. امروز هم هلیکوپتر شما مدتی وقت در انتظار گذشت. در شهر شرد ادامه دارد. امروز در زادشو برای تضعیف روحیه مردم اعلام کردند که مهمات پیشمرگه‌ها تمام شده است. شهر همچنان مقاومت میکند و در حالی که از همه سو محاصره شده، میجنگد. با هلیکوپتر بر روی شهر اعلامیه می‌ریزند. از هر دو سو کشته و زخمی زیاد است. در آن سو، زنها و بچه‌های بیگناه و در این سو برادران، با شهر بگویم کسانی که به "اخباری" آمده‌اند!

● ۱۰ اردیبهشت

روز دیگری. آکنده از خون و باروت، گذشت. امروز صبح به ما ماموریت تازه را ابلاغ کردند. اما بعید نیست که وضع دوباره تغییر کند.

تا چند نفر از دوستان سرباز زم جرو - بحث کردم. سعی کردم آنچه را که میدانم درست است برایشان توضیح دهم. آیا تاثیری خواهد داشت؟!

● ۱۱ اردیبهشت

امروز چگونه روزی است؟

روز حماسه آفرینی زحمتکشان، روز جشن کارگران. ۱۱- اردیبهشت، روز جهانی کارگران و زحمتکشان.

امروز ما در اینجا هستیم و چه میکنیم؟ در پادگان ستندج بر علیه زحمتکشان می‌جنگیم. امروز ۲۷ روز از آمدن ما به کردستان میگذرد. اما ما هنوز در ستندج هستیم. مقاومت شهر برای فرماندهان غیر قابل پیش بینی بوده است. وعده‌ها و برنامه‌هایشان مرتبا غلط از آب درمی‌آید. امروز فقط ۲۰ نفر از گروهان، از طریق هوا به ما تازه رفتند. قرار است که باقی فردا حرکت کنیم. چند ساعت پیش وسائلی که در درگیری از بین رفته بود، دوباره برایمان آوردند. کیسه خواب، پوتین، وسایل یدکی ...

وضع پادگان خوب نیست: مواد غذایی کم است با اینهمه کمکی که میشود. ما با زدر مضیقه ایم. در آن طرف، مردم، با آن امکانات تا چیز چه میکنند؟

ادامه دارد.

بقیه از صفحه ۶ **اخبار...**

به همراهی پیشمرگان سازمان پیکار محله ارمنستان (اطراف بلوار پسیان و میدان فوتبال) را تحت کنترل خود گرفتند. در شب همان روز با محاصره میدان فوتبال و بلوار پسیان به این دو محل حمله کردند. در این درگیری که ۲۵ دقیقه ادامه داشت به پیشمرگان آسیبی نرسید. از تلفات دشمن هنوز اطلاعی در دست نیست. در همین روز یکی از پیشمرگان سازمان توسط اسلحه ام- ۱۶ زخمی گردید.

انهدام نفربر زرهی و مصادره اسلحه

● مهاباد ۵۹/۷/۱

بعد از ظهر این روز پیشمرگان دمکرات در خیابان شاهپور سابق کمینی گذاشتند که شب هنگام یک نفربر زرهی به کمین پیشمرگان افتاد و منهدم گردید. تعداد هفت قبضه اسلحه تفنگ ژ- ۳ و یک قبضه اسلحه ام- ۱۶ با مهمات فراوان به دست پیشمرگان افتاد.

سزای جاشها مرگ است

● مهاباد ۵۹/۷/۱

در این روز یک جاش را در محل مسجد جامع کشتند مردم با حالت نفرت توام با رضایت این صحنه را میدیدند. تکیه کلام مردم این بود "سزای تمام جاشها این است".

حمله پیشمرگان به ارتش و پاسداران

● مهاباد ۵۹/۷/۱

در این روز پیشمرگان دمکرات به اتفاق پیشمرگان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) ضربات به ارتش و پاسداران مستقر در فرمانداری زدند. در این جریان مسئول رفقای اقلیت و یکی از پیشمرگان دمکرات زخمی شدند.

مقاومت قهرمانانه پیشمرگان کومله، دمکرات و پیکار ارتش را وادار به عقب نشینی نمود

بعد از ظهر این روز (۵۹/۷/۲) نیروهای ارتش، مستقر در تپه قاضی بعد گرفتن جاده "مجور آباد" با چهار تانک و زره پوش و افراد پیاده شروع به پیشروی کرد. این حرکت آنها با مقاومت دلیرانه پیشمرگان دمکرات، کومله و پیکار مواجه شد و ارتش با جای گذاشتن تلفات زیادی مجبور به عقب نشینی گردید. مقاومت قهرمانانه پیشمرگان چنان ارتشیان را بوحشت انداخته بود که بدون جمع آوری اجساد کشته شده گانشان گریختند. در این نبرد یکی از پیشمرگان دلاور حزب دمکرات بنام حسین حلاجی بشهادت رسید. یادش گرامی باد

(اخبار مهاباد بنقل با کمی تغییر از "اخبار جنبش مقاومت" حوزه مهاباد سازمان)

پیروزی خلق همیشه زیباست

مهاباد توسط مردم قهرمان کرد آزاد گردید

مهاباد ۵۹/۷/۲

سرانجام در اثر مقاومت جنگجویان پیشمرگان جنبش مقاومت و وارد آمدن تلفات بسیار به ارتشیان و پاسداران مستقر در فرمانداری، ستاد، خانه پیشآهنگی، رادیو تلویزیون و دخانیات این محلها توسط آنان تخلیه شد. در این روز تانکهایی که برای حمله آنها (ارتشیان و پاسداران) به شهر آمده بودند مورد حمله قهرمانانه پیشمرگان جنبش مقاومت واقع شده و یک تانک چپفتن در این جریان منهدم گردید. همچنین آمبولانسی که فریبکارانه و به بهانه بردن زخمیان برای حمل نفرات مورد استفاده قرار گرفته بود توسط پیشمرگان به آتش کشیده شد و هفت نفر سرنشین آن کشته شدند.

پس از تخلیه محلها توسط پاسداران سیل خروشان مردم بطرف فرمانداری روان گشت. غریو سرود "کمی نه لی کورد مردوه" که توسط پیشمرگان خوانده میشد ساختمان را بلرزه در آورده بود. پیروزی خلق همیشه زیباست.

ارتش مستقر در ارتفاعات اندکی پس از تخلیه محلها، خمپاره باران شدیدی را شروع کرد. فرمانداری مورد اصابت خمپاره‌های بسیاری قرار گرفت. این خمپاره‌ها را تا پاسی از شب ادامه داشت و طی آن خانه و مغازه‌های بسیاری سوخت. اما مردم همچنان شادمانند.

ضوابط تشکیلاتی و معیارهای وحدت جنبش کمونیستی... کشیده شده است و این انحراف سیاست رزمندگان در این رشته از مسائل را به یک سیاست انحرافی و راست - روانه تبدیل ساخته است. مضمون این سیاست راست - روانه عبارت از کوتاه آمدن در قبال رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم، سازش و دمسازی با انحراف بورژوائی - رویزیونیستی و ضربه زدن به مارکسیسم - لنینیسم و جنبش کمونیستی ایران است. اگر با این انحراف غیرپرولتری مبارزه نشود، بلاشک عرصه عملکرد آن بنحو آشکاری گسترش خواهد یافت. شوع برخورد به لهستان و عدم افشای بورژوازی این کشور، عدم افشاگری فعال و صحیح درباره سوسیال امپریالیسم شوروی، عدم درک درست و دقیق از ابعاد انحرافات رویزیونیستی در ایران(۱) و ... جلوه‌های بارز دیگر این انحراف رویزیونیستی میباشد. بنظر ما این انحراف ایدئولوژیکی رابطه با مشی سیاسی - ایدئولوژیک حاکم بر رزمندگان نمیباشد. ارزیابی انحرافی رزمندگان در مورد نقش امپریالیسم در ایران، سیستم سرمایه‌داری وابسته، آرایش طبقاتی و تاکتیک های کمونیستها رابطه معینی با تحلیل انحرافی آنان در مورد رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم برقرار میکند و به همین لحاظ مبارزه ایدئولوژیک به یک انحراف مجرد خلاصه و محدود نشده، بلکه عرصه گسترده‌تری را در بر میگیرد. رفقای رزمندگان باید بر چنین روالی حرکت کرده و انحرافات رویزیونیستی و تروتسکیستی خود را درهم بکوبند. این است کلام آخر ما.

امروز منافع جنبش کمونیستی و طبقه کارگر مملو از کمونیستی از هر زمان دیگر پرچم ظفرنمون مارکسیسم - لنینیسم را برافراشته‌تر نگاه داشته و مبارزه پیگیری را علیه رویزیونیسم (در تمام اشکالش) و سوسیال امپریالیسم به پیش بریم. هرگونه مماشات جویی و سازشکاری در مبارزه علیه رویزیونیسم ضربات جبران ناپذیری بر جنبش کمونیستی وارد خواهد آورد برای آنکه بتوانیم در راه پرولتاریا به پیش رویم، برای آنکه بتوانیم راه وحدت جنبش کمونیستی را هموار سازیم، برای آنکه بتوانیم حزب راستین پرولتاریا را بوجود آوریم و برای آنکه بتوانیم بورژوازی و امپریالیسم را بطور قطعی شکست داده و بسوی سوسیالیسم پیش رویم باید بطور قاطع و همه جانبه علیه رویزیونیسم مبارزه کنیم، بدون مبارزه علیه رویزیونیسم (بورژوازی) مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر و آرمان کمونیسم امکان نخواهد داشت. آری رفقا همانطور که لنین کبیر میگوید: "نشان کمونیسم راستین، قطع رابطه با اپورتونیسم است". بکوشیم تا پرچم کمونیسم راستین برای همیشه در اهتزاز باقی بماند.

(پایان)

(۱)- در برخورد به سازمان رویزیونیستی چریکهای فدائی (اکثریت) رزمندگان دچار یک انحراف راست - روانه می‌باشند زیرا این رفقا بجای اینکه اساسا بر انحراف رویزیونیستی و حاکمیت رویزیونیسم در این سازمان پافشاری کنند بر "اپورتونیسم راست" تکیه میکنند و مشی رویزیونیستی اکثریت را کمرنگ جلوه می‌دهند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

پاسخ به نامه‌ها

رفقا! ضمن تشکر از نامه‌های پرشورتان، نکته‌ای را باید تذکر دهیم و آن اینکه نامه‌هایتان بسیار زیاد است و بهمین دلیل ما نمی‌توانیم در هر شماره به تمام آنها پاسخ گوئیم. از اینرو ما نامه‌ها را به چندین دسته تقسیم کردیم.

۱ - نامه‌های مهم و موضوع روز و فوری که بلافاصله جواب آن را درج می‌کنیم.

۲ - نامه‌هائی که مربوط به سکار "تئوریک" میشود. چرا که درباره مواضع تئوریک - سیاسی سازمان است این نامه‌ها از کانال "سکار تئوریک" جواب داده میشود.

۳ - نامه‌هائی که قبلا جواب داده شده و یا مشابه نامه‌های دیگر است.

۴ - نامه‌هائی که بدلیل کمبود جا، فوری نبودن و ... در شماره‌های بعد جواب داده میشود.

بنابراین ما در درجه اول بنامه‌هائی از نوع دسته اول پاسخ می‌گوئیم.

● رفیق "ش"

رفیق، تو در نامه‌ات انتقاد کرده بودی که ما در تراکتهای مربوط به جنگ ایران و عراق شعارهای ترویجی مانند "جنگ ارتجاعی بین رژیم ایران و عراق را به جنگ علیه ارتجاع تبدیل کنیم" را مطرح کرده‌ایم، درحالیکه تراکت تبلیغی است و این شعار تبلیغی نیست. ما ضمن پذیرش این انتقاد، سعی می‌کنیم نسبت به این نکات نه چندان کم اهمیت توجه بیشتری بنمائیم. قسمت دوم نامه‌ات در مورد این مسئله که ما باید در این جنگ درگیر توده‌ها قرار بگیریم و در عین حال به نقش امپریالیسم هم توجه کنیم، باید بگوئیم که اولا ما نظراتمان را در مورد شرکت یا عدم شرکت در جنگ و درباره نقش امپریالیسم و ... در بیانیه مربوط به جنگ ایران و عراق و ... گفته‌ایم. هم اکنون نیز مطلبی در تشریح نظراتمان و مبارزه ایدئولوژیک با دیگر نیروهای سیاسی زیر چاپ است. شما میتوانید با مطالعه آنها، اگر نظری دارید، برایمان بنویسید.

ثانیا درگیر توده‌ها بودن در این جنگ، اگر به معنی شرکت در جنگ باشد، نادرست است. چه برخورد کمونیستها به مسئله جنگ نه از توهم توده‌ها، بلکه از ماهیت جنگ ناشی میشود. جنگی که "ادامه سیاست در شکل قهرآمیز آن است". ما نیز از آنجا که ماهیت این جنگ را غیرعادلانه و ارتجاعی میدانیم، علیرغم توهم توده‌ها، شرکت در جنگ را با توجه به شرایط جامعه نادرست ارزیابی میکنیم. در جنگ جهانی اول، نیز لنین علیرغم توهم توده‌ها، علیرغم آنکه به لنین و بلشویکها دشنام میدادند، شرکت در جنگ را تحریم نمود. البته روشن است که بین جنگ جهانی اول و جنگ عراق و ایران تفاوتهائی وجود دارد.

● رفیق ح-ز

پیشنهادت در مورد شرکت فعال در کمیته‌های امداد و ... کاملا درست است. گذشته از آنکه رفقای ما از روز اول در مناطق خوزستان دست به ایجاد چنین جادرهائی زده‌اند، ما در همین شماره سکار مقاله‌ای تحت عنوان "رهنمود به رفقا و هواداران" منتشر نموده‌ایم که کلیه وظایف عملی و از جمله برپائی کمیته‌های امداد، پزشکی و ... را مطرح ساخته‌ایم. در مورد تراکت نویسی در رابطه با جنگ ایران و عراق، انتقادات وارد است و ما در پاسخ به نامه رفیق "ش" آنرا توضیح داده‌ایم.

رفقای دانشجویان و دانش آموزان پیکار (غرب تهران)

پیشنهادهایتان در مورد تهیه "خبرنامه جنگ" رهنمود به هواداران در مورد وظایف عملی در جنگ و مبارزه ایدئولوژیک با نیروهای دیگر و معرفی کتب در مورد جنگ، همگی درست است و ما در مورد همه آنها اقدام کرده‌ایم.

● رفیق غ-ح

رفیق نامه انتقادآمیزت رسید. در مورد اینکه در مقالات مربوط به لهستان به مرزبندی با رویزیونیست‌های "سه جهانی" نپرداخته‌ایم، انتقادت وارد است و ما این را در پیکار شماره ۷۴ در پاسخ به نامه‌ها ذکر کردیم. اگرچه در اولین مقاله در مورد موضع این جناحین نیز اشاراتی کرده‌ایم، اما به مبارزه ایدئولوژیک همه جانبه با آن نپرداختیم. علت آن این است که "حزب رنجبران" اساسا نیروی قابل توجهی نیست و در نزد خلق ما و نیروهای جنبش کمونیستی" جنایش رنگی "ندارد" و سموم ایدئولوژیک این جریان اساسا محدود به دارودسته خودش میباشد. اما رویزیونیستهای خروشچفی و کرایشات رویزیونیستی متمایل به آن، اولا از نیروی قابل توجهی در میان جنبش برخوردار است، ثانیا هنوز به اندازه کافی نظرات انحرافی آنان در جنبش افشا نشده است. بهمین دلیل بود که ما به ذکر اشاراتی در مورد موضع "سه جهانی ها" اکتفا کردیم و هم مبارزه ایدئولوژیک خود را بر سر انحرافات رویزیونیستی خروشچفی گذاشتیم. اما با این همه انتقادشما بجاست و ما مسبابست تا همان حدودی که لازم است به افشای موضع این دارودسته نیز مبارزه بپردازیم.

در مورد مسئله عراق و عکس العمل ما در این شماره و در شماره‌های آینده و در اعلامیه‌ها، تراکتها، بیانیه‌ها و ... بصورت مشروح مواضع مان را توضیح داده و با زهم توضیح میدهیم.

در مورد اینکه در رابطه با موضع آلبانی نسبت به هیئت حاکمه در پاسخ به نامه‌ها، موضع نگرفتیم، انتقاد شما وارد است. ما معتقدیم از جمله انحرافات دیگر حزب کار آلبانی، حمایت از رژیم ایران، بعنوان "رژیمی ضد امپریالیست" است.

در مورد رفیق مائوتسه دون، ما در همین شماره، در مقاله "سالگرد انقلاب چین" نظراتمان را بصورت فشرده در مورد رفیق مائوتسه دون توضیح داده‌ایم. از نظر ما، رفیق مائوتسه مارکسیست - لنینیست کبیر و رهبر انقلاب چین است. برای روشن شدن بیشتر این مسئله به مقاله مندرج در همین شماره پیکار رجوع کنید.

● رفیق ع-س دیپلمه هوادار از تهران

انتقادت در مورد اینکه چرا به نظرات دیگران در مورد "وحدت" برخورد نکرده‌ایم، وارد است و همانطور که در مقدمه اطلاعیه وحدت ... شماره ۷۳ گفتیم، از این پس فعالانه‌تر به نظرات دیگران در مورد وحدت برخورد می‌کنیم. محورهای مبارزه ایدئولوژیک را نیز در همان شماره توضیح داده‌ایم. برخورد ما به انحراف رویزیونیستی رزمندگان در مورد سوسیال امپریالیسم ناشی از ضرورت مبارزه علیه این انحراف بود و ما نیز چنین کردیم، بعلاوه علت تاخیر برخورد ما به مقاله "اسطرلاب" رزمندگان ناشی از آن بود که ما در آستانه کنگره قرار داشتیم و برپایه نقد مقاله زیگزاگها مواضع رسمی سازمانی اعلام نشده بود. روشن است که بعد از کنگره برپایه مواضع نوین ما به این مسئله برخورد خواهیم نمود.

● رفیق م

نامه‌ات بدستمان رسید. انتقادات و ابهاماتی در مورد مواضع سازمان مطرح کرده بودی و خواسته بودی نظراتمان را در مورد بورژوازی لیبرال "بخشا مرتجع" خرده بورژوازی مرفه سنتی، ضدخلق و ضدانقلاب ماهیت طبقاتی حزب جمهوری اسلامی و ... توضیح دهیم. ما بزودی قطعنامه‌های کنگره سازمانی را منتشر می‌کنیم. میتوانی با مطالعه آنها، ابهاماتت را رفع کنی و اگر انتقادی به آنها داشتی، برایمان بنویسی.

● رفیق ز-ذ از آبادان

پرسیده بودی چرا نام دانشجویان و دانش آموزان هوادار پیکار تغییر کرده است. برای اطلاع میتوانی به مقاله مندرج در ۱۳ آبان شماره ۳۷ رجوع کنی.

● رفیق د-ج

پرسیده بودی منظورمان از "اردوگاه سوسیالیستی" چیست. منظورمان کشور سوسیالیستی آلبانی، جنبش پرولتاریائی و جنبشهای آزادیبخش خلقهای جهان است.

این رویزیونیستهای سه جهانی هستند که میکوشند با نفی یکی از چهار تضاد عمرما یعنی تضاد بین اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه سرمایه‌داری، به نفی نقش طبقه کارگر در انقلابات پرداخته، آنها بر پرولتاریای جهان خوانده و به مقاصد شوم خود در مورد تحریف رویزیونیستی از ماهیت کشورهای "جهان سوم" و انقلابات رهائی بخش آنها که پیوند ناگسستنی با اردوگاه سوسیالیسم دارد، جامه عمل بپوشانند. آنها می‌گویند با خارج شدن شوروی و اقمارش از اردوگاه سوسیالیسم دیگر نمیتوان از وجود "اردوگاه سوسیالیسم" و از وجود تضاد بنیادین اردوگاه سوسیالیسم و سرمایه‌داری سخن گفت، درحالیکه بنظر ما حتی یک کشور سوسیالیستی و در کنار آن جنبش پرولتاریائی و جنبش‌های آزادیبخش، باز هم "اردوگاه سوسیالیسم" محسوب میشود.

تضاد بین اردوگاه سوسیالیسم و سرمایه‌داری یکی از تضادهای عینی و اجتناب ناپذیر عصر ما (عصر امپریالیسم) است. رفقا، لنین و استالین این واقعیت را تئوریزه کرده و از آن بعنوان "چهارمین تضاد عصر ما" نام برده‌اند. امروزه رویزیونیستهای سه جهانی با تجدید نظر در این واقعیات، دشمنی خویش را با سوسیالیسم بنمایش میگذارند. رفیق میتوانی برای بررسی بیشتر این مسئله مقاله "دو اردوگاه" از رفیق استالین را مطالعه کنی.

● رفیق ر

پیشنهادهایتان در مورد سوسیال امپریالیسم

بقیه در صفحه ۱۳

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

نگاهی به موقعیت اقتصادی و وضعیت زندگی زحمتکشان عراق

مقاله زیر از نشریات نیروهای کمونیستی عراقی که با رفرمیسم (و به تازگی رویزیونیسم) حزب باصطلاح کمونیست عراق مرزبندی دارند ترجمه و اقتباس شده است و هدف ما از نشر آن، نشان دادن گوشه‌ای از اوضاع درونی کشور عراق، که رژیم ضدخلقی بورژوازی بوروکرات حاکم بر آن، به قیمت استثمار و در فقر و جهل نگهداشتن توده‌ها و سرکوب آنان بر سر کار مانده است، میباشد.

به دیدگاه ما، این مقاله در شرایط کنونی که رژیم عراق یکی از ظرفهای درگیر این جنگ ارتجاعی است میتواند به شناخت بیشتر ماهیت و عملکردهای این رژیم، کمک موثری نماید.

وقتی شاه خائن در سال ۴۱ "اصلاحات ارضی" آمریکائی خود را میخواست پیاده کند میگفت ایران طی چند سال آینده، به یک کشور صادرکننده مواد غذائی تبدیل خواهد شد و سطح زندگی در روستاها و شهرهایمان خواهد گردید بطوریکه مهاجرت معکوس از شهر به روستا صورت خواهد گرفت و به این ترتیب معجزه در "جهان سوم" بوقوع خواهد پیوست.

بعضیهای حاکم بر عراق نیز عین همین حرف را در رابطه با "طرحهای رشد و توسعه" خود تکرار کردند و با سروصدای زیاد و سیاه کردن صفحات بیشمار روزنامه‌ها چنین وانمود کردند که گویا "طرحهای انقلابی" آنان سعادت توده‌های زحمتکش عراقی را بیار خواهد آورد.

حقیقت بزودی برای توده‌های هر دو کشور آشکار شد زیرا طولی نکشید که ایران واردات مواد غذائی را افزایش داد. روستاها به ویرانی کشید، زمینهایی آباد ماند و میلیونها نفر از روستائیان به شهرها سرازیر شدند.

شبیه همین وضع در عراق رخ داد: بعنوان مثال تولید گندم و حبوبات از ۱۹۶۸ ببعد بطور فاحشی تنزل کرد و جمعیت روستاها که ۶۰ درصد جمعیت کل کشور را شامل میشد به ۴۰ درصد رسید و علاوه بر این آبرسانی بی رویه و بی توجهی به احداث سدها و کانالها موجب "سوختن" مزارع و خسارت دیدن ۳ میلیون از مردم کشور گردید. البته رژیم عراق آنرا از یکطرف به گردن بدرفتاری "رژیم" حاکم بر سوریه انداخت که بخاطر اختلافات سیاسی مانع وصول آب رود فرات به اراضی عراق گردیده‌اند و از طرف دیگر، دهقانان زحمتکش عراق را به تنبلی و بیکارگی متهم نمود و طی قراردادی با رژیم سادات حدود نیم میلیون کشاورز مصری را به عراق وارد کرد. البته رژیم عراق با برنامه اخیر "به نشان" را با یک تیر میخواست بزند: هم رژیم مصر را از بحران بیکاری نجات دهد، هم مناطق کردنشین را که از کردهای فعال تخلیه کرده بود "عرب نشین" سازد و هم بر ورشکستگی برنامه کشاورزی خود سرپوش بگذارد!

درحقیقت باید گفت که این تغییر و تحولات در جامعه عراق از یکسو بیان ورشکستگی اقتصاد کشاورزی و خانه خرابی دهقانان و از سوی دیگر نشانگر رشد سرمایه‌داری بقیمت فقر و فلاکت توده‌ها بود. بوقهای تبلیغاتی رژیم بعثی عراق این شکست را نادیده گرفته و همچنان از "مزارع نمونه"، "شکوفائی کشاورزی در روستاها" و "بالا رفتن سطح زندگی کشاورزان" دم زدند در حالیکه آمار و ارقام رسمی دروغ بودن این ادعاها را ثابت میکند. میانگین رشد جمعیت ۳/۳٪ و میانگین افزایش تولید مواد غذائی ۲/۸٪ است در حالیکه بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد میزان نیازهای محلی برای مواد غذائی ۵/۲٪ میباشد. جدول زیر نشان میدهد که فرد عراقی از حداقل مواد پروتئینی که باید در روز مصرف کند (یعنی ۷۵ گرم) چه بهره‌ای دارد و چقدر حتی نسبت به کشورهای مشابه کمتر است: (۱)

کشور	گرم مواد پروتئینی
مصر	۶۶
عراق	۶۲
لبنان	۷۰
مراکش	۶۴
سوریه	۷۰

در زمینه صنعتی نیز، عراق با تکیه بر درآمد نفت طرح "صنعتی کردن" کشور را ریخت و به وارد کردن تکنولوژی از کشورهای سرمایه‌داری پرداخت. خرید تکنولوژی مثل لباسهای حاضر و آماده آسان است ولی بکار انداختن آنها جز با قراردادهای "کمک فنی" و وجود "مستشاران" و بقول معروف "مزدوران یقه سفید" امکان‌پذیر نیست. در واقع این "صنعتی کردن" جز به قیمت تشدید وابستگی اقتصاد عراق به بازارهای امپریالیسم راه دیگری نداشت. رژیم عراق با توجه به ماهیت طبقاتی خود ناگزیر بود برای "صنعتی کردن" به گسترش مناسبات با کشورهای امپریالیستی دست بزند. این رژیم برای تکنولوژی به امپریالیستهای غربی رجوع نمود. وارد کردن تکنولوژی غربی عواقب خود را از دو جنبه بر اقتصاد عراق برجا گذاشت:

اولا: ورود این تکنولوژی در ارتباطی صورت میگرفت که با خاصیت اقتصادی و اجتماعی عقب مانده‌ای وجود داشت و این تناقضات سیستم موجود و رژیم حاکم را تشدید می نمود.

ثانیا: وابستگی به تکنولوژی کشورهای متروپل مستقیما به وابستگی اقتصاد محلی به آن کشورها منجر میشود و ادامه آن به سیاست نیز می کشد.

حاصل این برنامه‌ها، در سمیناری که در سال ۷۹ برای بررسی نتایج طرحهای رشد و توسعه در بغداد تشکیل شد بطور آشکار مطرح گردید و سخنرانان اعتراف کردند که عراق در زمینه تولید از عقب مانده‌ترین کشورهاست. همین سخنان صریح بود که موجب شد رژیم بعثیها طبقه کارگر را به تنبلی و بیکارگی متهم کند و مدام حسین فریاد بزند و ورد که "هر کس کار نکند، شرف ندارد!"

برای نشان دادن ورشکستگی رژیم ارتجاعی عراق در اینجا یک جدول مقایسه‌ای را که نتیجه طرحهای رشد و توسعه عراق را نشان میدهد از نظر میگذرانیم:

می بینیم که عراق از همه کشورهای مشابه وضع بدتری در زمینه رشد و توسعه دارد. در هر حال، شکست طرحهای توسعه و گسترش بحران اقتصادی و نارضایتی توده‌های زحمتکش از یکطرف و بالا رفتن عایدات نفتی از طرف دیگر رژیم را وادار ساخت تا از طریق بازرگانی خارجی و واردات کالاهای مصرفی و غذائی به تقاضاهای فزاینده و معضلات جامعه پاسخ گوید. روشن است که این سیاست خائنانه جز تشدید وابستگی اقتصاد عراق به سیستم امپریالیسم جهانی نتیجه دیگری نمیتوانست داشته باشد.

افزایش میانگین سالانه واردات مصرفی عراق را، در مقایسه با کشورهای عربی زیر بهتر میتوان فهمید:

کشور	واردات بین سالهای ۶۰ - ۷۰	واردات بین سالهای ۷۰ - ۷۶
عراق	۱/۵	۳۰/۲
سوریه	۴/۲	۱۷/۶
الجزایر	۹/۰	۱۹
لیبی	۱۵/۰	۲۸

یعنی در حالیکه واردات سوریه تقریبا ۴ برابر شده در عراق به بیش از ۲۰ برابر رسیده است و این میزان وابستگی اقتصادی عراق به سرمایه‌داری جهانی امپریالیستی را بوضوح نشان میدهد. بعلاوه مسئله قابل توجه دیگر این است که بدانیم عراق احتیاجات صنعتی و کشاورزی خود را از کدام کشورها تامین میکند این مسئله برای درک سمتگیریهای سیاسی آن لازم

آمار از "سازمان کشورهای آسیای غربی" وابسته به ملل متحد منتشره در سال ۱۹۷۸ (بخش اول)

	میانگین رشد سالانه (٪)					
	کشاورزی		صنعت		خدمات	
کشور	۶۰ - ۱۹۷۰	۷۰ - ۱۹۷۶	۶۰ - ۱۹۷۰	۷۰ - ۷۶	۶۰ - ۷۰	۷۰ - ۷۶
عراق	۵/۷	۲/۰	۴/۷	۱۰/۰	۶/۹	۱۰/۴
لیبی	۲/۲	۲۳/۰	۳۱/۳	۷/۴	۱۰/۹	۲۰/۳
سوریه	۴/۴	۶/۴	۵/۹	۱۱/۱	۴/۷	۴/۳
الجزایر	۱/۶	۸/۷	۱۰/۵	۱۶/۴	۲/۳	۴/۶

(۱) - پر واضح است که این محاسبات بدون توجه به واقعیت طبقاتی و وضعیت عینی زحمتکشان صورت گرفته است و این امری مسلم است که وضعیت بد زندگی زحمتکشان و از جمله سوء تغذیه آنان دردناکتر از آن چیزی می باشد که در ارقام نشان داده شده است.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

نگاهی به ...

است :

براساس آمار ملل متحد مربوط به سالهای ۶۸ تا ۷۶ در سال ۶۸ عراق ۳۵ درصد از نیازهای خود را از کشورهای امپریالیستی غربی و ۲۱/۵ درصد از کشورهای روبزبونیستی شوروی و اروپای شرقی و ۲/۱ درصد از کشورهای عربی تامین میکرده و بلافاصله پس از بالارفتن درآمد نفت در سال ۷۴ کشش هرچه بیشتر بسمت کشورهای امپریالیستی غربی پیدا کرده و نسبت واردات از کشورهای اخیر به ۴۹/۳ درصد رسیده است و نسبت آن از سوسیال امپریالیسم شوروی و کشورهای اروپای شرقی بحد ۱۵/۲٪ و از کشورهای عربی به ۱ ٪ تنزل کرده است .

در سال ۷۶ واردات از کشورهای امپریالیستی غرب به دو برابر سال ۶۸ یعنی به ۶۶/۸ بالغ شده ، شوروی و اروپای شرقی به ۱۱/۴ و از دول عربی به ۶٪ فقط تنزل نموده است . توجه کنیم که واردات از شوروی و کشورهای اروپای شرقی عمدتا شامل اسلحه و مهمات میشود . در واقع سوسیال امپریالیسم اصلی ترین تامین کننده ابزار و وسایل تسلیحاتی رژیم ارتجاعی عراق میباشد .

در اینجا باید گفت اگرچه رژیم عراق کارگزار یک امپریالیسم معین نیست ، اما بهیچوجه جدا از سیستم جهانی امپریالیسم نبوده و نمی تواند باشد . رژیم عراق از لحاظ اقتصادی بویژه دارای سمتگیری به سوی دول امپریالیستی غرب میباشد در این مورد کافی است به مصاحبه "طه محی الدین" (عضو شورای انقلاب عراق) با مجله الوطن العربی اشاره کنیم . او می گوید :

"روابط فرانسه با عراق نه از لحاظ مادی و نه معنوی هرگز به زیان فرانسه نبوده است . عراق منافع فرانسه را مورد حمایت قرار داده و از طرفهای مختلفی که وجود داشته اند فرانسه را برگزیده است . همچنین ما قصد داریم وسائل نظامی از فرانسه خریداری کنیم زیرا گسترش روابط بین دو کشور با بدزمینه های متعدد را در بر گیرد" .

رژیم ضدخلقی صدام حسین صریحا به حمایت از منافع امپریالیستی اعتراف میکند و با این سخنان میکوشد را کتورهای اتمی را که دولت فرانسه تحت فشار اپوزیسیون، بمدت ۳ سال، نتوانسته است به عراق بفروشد از او بخرد . قیمت این راکتورها به ۲۰ میلیارد فرانک فرانسه میرسد و امپریالیسم فرانسه سرانجام علیرغم مخالفت اپوزیسیون (۴۰٪ از نمایندگان مجلس) آنرا به عراق فروخت . طی چند سال گذشته مذاکرات مهمی نیز برای خرید میراژ و تسلیحات دیگر با فرانسه صورت گرفته است .

در زمینه صادرات غیرنفتی، باید گفت که از سال ۷۳ تا ۷۶ تقریبا راکد بوده و حجم واردات در همین فاصله به ۲ برابر رسیده است . این افزایش در سالهای آینده به حجم کل عایدات نفتی نزدیک میشود . مثلا در سال ۷۶ حجم واردات ۵۰٪ عایدات نفتی بوده است .

در اینجا باید مطرح ساخت که سیاست واردات عراق نشان میدهد که با زرکانی خارجی با کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی نقش عمده را در تامین کالاهای مصرفی و خدماتی ایفا میکند . امری که در سالهای ۶۰ سابقه نداشت و روشن است که این واردات اساسا به اتکا درآمدهای نفتی میباشد . این درآمدهای نفتی نه تنها منبع ارزی اصلی جهت ورود کالاهای خارجی است ، بلکه همچنین منبع اصلی بودجه دولتی را تشکیل میدهد .

بقیه از صفحه ۴ **مبارزات ...**

دره ای از خون و رنج فاصله است و هیچ اشتراکی بین این دو نیست ، ولی چاکران بورژوازی، همیشه سعی در یوشانیدن این دشمنی دارند . آنان همیشه چاکرمنشی بورژوازی را تبلیغ میکنند .

تاکتیک فداییان از همان آغاز حرکت روشن بود . خط آنها خط سازش و تاکتیک آنها عقب نشینی و اعتصاب نکنی بود . آنها با حرکت از تمایلات سیاسی کارگران و با استفاده از انگیزه های ضد امپریالیستی مسئله خطر آمریکا را مطرح کرده و مبارزه طبقاتی را نفی میکردند و سازش طبقاتی را به کارگران تزریق می نمودند . آنها وقاحت را به حاشی رساندند که در جلسه عمومی از سوی آنان مطرح گردید که بوسیدن پای سرمایه داران را نیز نوعی مبارزه میدانند و این خود یک شیوه است و باید فرا گرفت . بنظر نمیرسد که تاکنون هیچ رویزیونیستی به این صراحت و بدون هیچ پوشش و در واقع به این سادگی و تاشی گرانه این مسئله را تبلیغ کرده باشد!

۸- به بن بست کشانیدن مبارزات کارگران و جلوگیری از اعتصاب آنها

فداییان با انگ خط آمریکا زدن در مبارزات کارگران و با تبلیغ سازش ، مبارزات کارگران را به بن بست کشانیده و اصولا از مبارزات حق طلبانه کارگران جلوگیری میکنند . آنان کاری انجام داده اند که تاکنون هیچ ارگان دولتی نتوانسته بود برضد کارگران انجام دهد . در این کارخانه همیشه عوامل کارفرما و همه مراجع دولتی مبارزات کارگران را با هزار گونه عوامفریبی رد کرده و سعی میکردند از آن جلوگیری کنند ولی اغلب در این موارد شکست می خوردند . چرا که کارگران با اتکاء به تجربه روزمره شان که بدون مبارزه حقی بدست نمی آید همیشه روی درخواستهای خود پافشاری کرده و بمبارزات خود ادامه میدادند . ولی چهره هنوز افشا نشده فداییان و عوامفریبی هایشان که در لباس دوست انجام میشود عملا در این مرحله توانست نقش بهترین سدکننده مبارزه را داشته باشد . بیهوده نیست که عوامل کارفرما که تا دیروز با اینان دشمنی داشتند ، حالا بعنوان مدافع و مبلغ اینان حنجره پاره میکنند . آری، سیاست معاشات جویانه و تسلیم طلبانه فداییان مرز آنان را با چاکران قدیمی سرمایه داری میشوید و آنان را در یک جبهه قرار میدهد . بیهوده نیست که فداییان همه مشورتهایشان را با عوامل آنها انجام میدهند !

این خلاصه ای بود از حرکات ضدکارگری فداییان (اکثریت) که روز بروز گسترش و تعمیق بیشتری مییابد . تنها با مبارزه پیگیر با رویزیونیستهای فدائی و سایر رویزیونیستها (تحت هرشکل و رنگی) است که میتوان بدرستی و با قاطعیت ، مبارزه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته را بثمر رساند .

بقیه از صفحه ۱۰ **مصاحبه ...**

آن زمان، رژیم توانسته بود کلیه نیروهای سیاسی را با خشنی و با سرکوب سازد . تعداد زیادی در زندان و برخی دیگر در حال تدارک برای تشکیل سازمانهای مخفی انقلابی بودند . صدای آیت الله خمینی تنها صدائی بود که میتوانست علیه کاپیتولاسیون بلند شود و شد .

بهمین سبب بود که رژیم شاه طی توطئه ای که با سکوت رضایت آمیز کسانی مانند شریعتمداری همراه بود ، شبانه آیت الله خمینی را از قم ربوده و را با هواپیما از تهران به ترکیه و پس از چند ماه به عراق تبعید نمود .

(ادامه دارد .)

بقیه از صفحه ۲۴ **جنگهای ...**

نکبت و فلاکت خویش بپردازند! کارخانه ها ویران میشود و مزارع میسوزد و دسترنج زحمتکشان با ویران میشود یا به یغما برده میشود ، اما سرمایه داران غم ندارند ، کارگران با بدبختی و بیکاره آنها را بسازند!

شهرها بمباران میشود؟ سرمایه داران غم ندارند زیرا زمینهای آپارتمانهای سیمانیشان را بمب نمی-تواند ویران سازد ، چه غم اگر حلب آبادها و بیغوله های زحمتکشان ویران میشود و خانواده هایشان کشته میشوند .

بی خانمانی ، آوارگی ، بیماریهای گوناگون ناشی از جنگ ، زحمتکشان را میکشد و نه سرمایه داران را . سرمایه داران بهترین دکترها را دارند! بگذار وبا بیماریهای دیگر زحمتکشان را بکشد! دولتهای سرمایه داری خم به ابرو نمی آورند! استثمار و غارت مطرح است بگذار در این راه جنگ نیز انجام بگیرد ، بهای جنگ را سرمایه داران که نمی پردازند!

آنچه در مورد رژیم ارتجاعی عراق در اینجا باید بطور خلاصه بیان کرد اینست که رژیم حاکم اساسا نماینده بورژوازی بوروکراتیک عراق میباشد و اقتصاد این کشور وابسته به اقتصاد امپریالیسم جهانی بوده و هرچه بیشتر این وابستگی تشدید میگردد . بنابراین رژیم فاشیستی صدام حسین فاقد هرگونه خصلت مترقیانه و ضد امپریالیستی بوده ، دشمن اصلی انقلاب زحمتکشان عراق بوده و سرکوبگر طبقه کارگر و خلقها و جنبشهای مترقی این کشور میباشد .

نکته آخر اینکه آنچه که از نظر کمونیستی برای ما حائز اهمیت درجه اول بوده و باید ملاک برخورد به رژیم عراق قرار گیرد ، نه میزان عقب ماندگی و یا پیشرفت در زمینه رشد و توسعه صنعتی و کشاورزی ، نه میزان تاثیر رژیم ارتجاعی عراق در "رشد نیروهای مولده" - چیزی که معمولا رویزیونیستها آن را ملاک و معیار خود قرار میدهند - بلکه ماهیت طبقاتی رژیم حاکم ، رابطه آن با طبقات زحمتکش و پرولتاریای آن کشور میباشد . پر واضح است که عقب ماندگی در توسعه و رشد اقتصادی یک کشور تنها جلوه ای از ماهیت طبقه حاکم و سیستم موجود میباشد . ملاک رویزیونیستهای عراقی که نوکر بورژوازی هستند بدلیل وابستگی خود به سوسیال - امپریالیسم شوروی تنها میزان رابطه کشور عراق (هر چند توده ها زیر استثمار و دیکتاتوری بورژوازی دولتی قرار داشته باشند) با شوروی امپریالیستی میباشد . آنها بر همین اساس تا چندی پیش بطور آشکار رژیم صدام حسین را "پیشرو و مترقی" میدانستند . رویزیو - نیست های عراقی برپایه تز رویزیونیستی "راه رشد غیرسرمایه داری" در پلنوم سال ۷۸ خود میگفتند که رژیم بعث عراق نه تنها میتواند هژمونی "مبارزه ضد امپریالیستی" را بدست داشته باشد ، بلکه همچنین صدام حسین چیزی نمانده است که کمونیست شود!!

آری، برخلاف رویزیونیستهای خائن، ما ملاک اصلی قضاوت خود را ماهیت طبقاتی رژیم عراق قرار داده و بر همین اساس این رژیم را یک رژیم بورژوائی و ارتجاعی بشمار می آوریم .

ما در فرصتی دیگر جنبش کارگری و کمونیستی عراق و نقش خائنانه رویزیونیستهای این کشور را به خوانندگان پیکار معرفی خواهیم کرد .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

بقیه از صفحه ۱ **رهنمود به...**

۱ - در این شرایط بترویج مواضع سازمان در رابطه با جنگ ایران و عراق در پرتو انقلابیون و کمونیستها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کلیه رفقا باید این وظیفه را بعنوان یک وظیفه محوری تلقی نمایند.

۲ - برای ترویج مواضع سازمان، کتابهای معرفی شده از طرف سازمان و نشریه سازمان را بدقت بخوانند و به دیگران نیز معرفی کنند تا بتوانند ضمن تحلیل از ماهیت جنگ ایران و عراق، بر مبانی تئوریک آن نیز تکیه کرده و شیوه برخورد مارکسیستها به مسئله جنگ را توضیح دهند.

۳ - مبانی رویزیونیستها و دیگران را در رابطه با مسئله جنگ، که حتماً شدت خواهد گرفت، برملا سازید و به انقلابیون دیگر توضیح دهید که چگونه همچون بلشویکهای روسیه با بستن از بدست آوردن "کامیابی تاکتیکی" درجهت بدست آوردن "کامیابی استراتژیک" چشم‌پوشی نمودند و این بخاطر آن است که "کامیابی استراتژیک" مدفون نگردد.

رفقا! توده‌های روس که تحت تاثیر تبلیغات بورژوازی قرار گرفته بودند، بلشویکهای روسیه را که عدم شرکت در جنگ و تبدیل آن به جنگ علیه بورژوازی خودی را تبلیغ میکردند، کتک زده و به زندان آنان توجهی نمیکردند. در این زمان بلشویک‌ها سعی داشتند تا به خود را از دست داده و در نزد توده‌هایی اعتبار گیرند. رویزیونیستها و اپورتونیستها آنان را "خل" تا میده و برخی دیگر نیز به بلشویکها "خیانتکار" و "آلمانیهای سرخ" می گفتند. اما رفقای بلشویک برخلاف جریان شنا میکردند. این امر دشوار بود، اما بالاخره موفق گشتند، زیرا زمانیکه توده‌ها فلاکت، بدبختی و فجایع جنگ را لمس نمودند، گفته‌های بلشویکها را درک نمودند و بار دیگر به آنها اعتماد کردند.

اکنون ما نیز در شرایط مشابهی بسر می بریم. رفقا باید با توضیح نمونه جنگ اول جهانی و چگونگی برخورد بلشویکها به جنگ و برخورد توده‌ها به آنها، تا درستی استدلال کسانی را که بدون توجه به اصول انقلابی، اعلام میکنند که ما منزوی خواهیم شد، برملا سازند.

۴ - در شرایط کنونی از تبلیغات و فعالیتهای غیرعلنی باید بیشتر استفاده نمود. چرا که یکی از نتایج اولیه جنگ، تشدید شرایط خفقان است. بهمین دلیل رفقا باید در حفظ خویش و تشکیلات بیشتر کوشیده ضمن رعایت دقیقتر مسائل امنیتی و ضمن استفاده از کلیه امکانات تبلیغات علنی، از کلیه شیوه‌های فعالیت مخفی و غیرمستقیم نیز بیشتر استفاده نمایند.

۵ - پخش هرچه سریعتر و وسیعتر اعلامیه‌ها، نشریات و تراکتهای سازمان، تکثیر هرچه بیشتر آنها، بزرگ‌نویسی و تهیه از آنها برای نصب در شهر میتواند محدودیت‌های تبلیغات علنی ما را جبران نماید.

شعارنویسی به مقیاس گسترده و سریع، در مورد جنگ ایران و عراق وسیله بسیار موثری در تبلیغ مواضع سازمان در جنگ است. (شعارهای زیر اعلامیه‌ها و تراکتها و نشریه سازمان در مورد جنگ را میتوانید بنویسید).

۶ - بجز پخش، تکثیر و بزرگ‌نویسی هرچه بیشتر، منظم سرویس‌هایی که در خدمت گسترش تبلیغات علنیه جنگ در میان توده‌ها قرار دارد، برای عضو شدن به امر گسترش تبلیغات لازم است رفقا بطور روزانه، از اخبار، فعالیت‌های خود، روحیه مردم و ... گزارش کتبی ارسال دارند. بویژه در مناطق جنگ زده این امر از اهمیت بیشتری برخوردار است.

باید با انعکاس هرچه سریعتر اخبار و وقایع جنگ، فلاکت بار بودن جنگ را برای توده‌ها توضیح داد.

۷ - گوش نمودن به اخبار، تفسیرهای رادیوهای گوناگون درباره جنگ و افشای آنها برای توده‌ها (چه از طریق فرستادن مطالبی از این قبیل برای "پیکار" و چه از طریق افشای مستقیم) وظیفه بسیار مهمی است و در تبدیل مرتب تبلیغات بطور همه جانبه، تاثیر فراوانی دارد.

۸ - به تحکیم روابط سازمانی و سازماندهی خود بپردازید. در شرایط جنگ، تشدید و تحکیم امر سازماندهی نیروها، خود دارا بودن تحرک سازمانی از اهمیت برجسته‌ای برخوردار است.

۹ - به تسلیح و تدارک سیاسی و نظامی نیروهای خود و سازماندهی صف مستقل انقلابی بپردازید تا بتوان در ادامه شرایط افزایش ماهیت ارتجاعی جنگ و تبدیل آن به جنگ علیه ارتجاع، حداکثر آمادگی نظامی فراهم گردد. بنابراین با تقسیم نیروها به دسته‌های ۴ - ۵ نفره در محلات، کارخانجات و ... با تمام قدرت بر توانائی‌های رزمی خود بکوشید و با کسب آموزش نظامی، مطالعه کتابهای کار با اسلحه و ... به این هدف جامه عمل بپوشانید.

۱۰ - تنها با فعالیتهای تبلیغی - سیاسی نمیتوان ماهیت جنگ را برای توده‌ها توضیح داد و با عدالتانه وزیان بار بودن آنرا برای توده‌ها فاش نمود. از این - رو لازم است که با شرکت هرچه فعالتر در فعالیتهای امدادی و کمک رسانی، ضمن کمک به مصیبت زدگان جنگ از نزدیک فجایع و زیانهای جنگ را بطور ملموس برای آنها توضیح داد.

تنها بدین طریق میتوان بطور جدی بر توهم توده‌ها فائق آمد و روحیه ضدجنگ را در میان توده‌ها تبلیغ نمود و بر ضرورت قطع جنگ در مقیاس توده‌ای و وسیع پای فشرد و اعتماد آنها را بدست آورد.

اگر بخواهیم بدون شرکت در این اقدامات، صرفاً به نطق‌های غرا و پخش اعلامیه در مورد قطع جنگ بسنده کنیم، توده‌ها به ما اعتماد نکرده و حرفهای ما را باور نخواهند کرد. از اینرو لازم است در تشکیل کمیته‌های امداد، پزشکی، تدارکات و ارتباطات، بطور جدی کوشش نمائید. وظایف این کمیته‌ها عبارتند از:

کمیته امداد:

الف - کمک در جهت توزیع و تقسیم مایحتاج عمومی.

ب - کمک به کودکان و سالخوردگان در هنگام حملات هوائی.

ج - جلوگیری از احتکار مایحتاج ضروری مردم.

د - ترمیم اماکن مسکونی جنگ زده که خسارت دیده‌اند.

هـ - شرکت در امر انتظامات مربوط به امور خاموشی و حفاظت از مردم در قبال بمباران‌های هوائی و ...

وظایف کمیته پزشکی:

الف - معالجه افراد جنگ زده و آسیب دیده.

ب - آموزش کمکهای اولیه به کلیه هواداران و دیگر توده‌های انقلابی که بتوانند در مواقع ضروری، از این آموزش برای جنگ زدگان استفاده کنند.

ج - کوشش جون اهدائی از رفقا و سایر توده‌ها و ارسال آن به مردمی که در اثر مصیبت‌های جنگ احتیاج به خون دارند.

د - جمع آوری کمکهای داروئی برای معالجه جنگ - زدگان. رفقا باید در برپایی جا در صحرائی پزشکی در مناطق جنگ زده بکوشند. کلیه رفقای پزشک و پرستار موظفند به کمیته پزشکی سازمان و مراکز آن مراجعه نمایند. داوطلبین به مناطق جنگ زده اعزام خواهند شد.

کمیته تدارکات:

الف - جمع آوری کمکهای مادی (پول، غذا، سوخت، پوشاک و ...) برای کمک به مصیبت زدگان جنگ.

ب - تامین آموزش نظامی و دفاع غیرنظامی مردم

کمیته ارتباطات

الف - ایجاد ارتباط سریع بین مناطق مختلف جنگ - زده برای ارسال کمک‌های لازم.

ب - ایجاد ارتباط سریع بین محلات و بخشهای مختلف برای تشدید تحرک سازمانی

ج - تضمین خبرنگاران حرفه‌ای که به مناطق جنگ - زده اعزام شوند، با مردم مصاحبه کنند و حول فجایع و مصائب جنگ (مالی، جانی و ...) تشدید فلاکت توده‌ها (بیکاری، قحطی، گرانی اجناس) و خسارت ناشی از جنگ که توده‌ها باید مخارج آنرا بپردازند، گزارش، عکس و ... تهیه کنند و سریعاً برای انعکاس آن در نشریات و اعلامیه‌های سازمانی به هیئت تحریریه پیکار ارسال دارند.

د - جمع آوری و ارسال گزارشات روزانه کلیه فعالیتها به ارگانهای بالاتر سازمانی.

۱۱ - ضمن شرکت هرچه فعالتر در فعالیت‌های امداد - رسانی، باید به بسیج و سازماندهی توده‌ها در تشکیلات توده‌ای و با متن هژمونی بر آنها پرداخت.

کوشش برای ایجاد شوراهای محلی و شوراهای واقعی کارگری در سراسر کشور (از جمله مناطق جنگ‌زده) از وظایف ضروری است. رفقا باید بکوشند آنچه را که در این رهنمود آمده، حتی الیقدور بعنوان بخشی از وظایف این شوراها پیاده کنند.

هرچه بیشتر در توضیح ماهیت، هدف و معایب ناشی از این جنگ برای توده‌ها بکوشیم

اعلامیه شماره ۹۹ — ۵۹/۷/۸

■ - رفیقی که تعدادی عکس مربوط به روحانیون درباری فرستاده بودی، ضمن تشکر از تو و دیگر رفقا میخواهیم آرشیو پیکار را با عکسها و اسناد مبارزاتی و افشاگرانه غنی‌تر سازند. پیروز باشید.

بهره‌برداری عوامفریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیرعادلانه کنونی را افشا کنیم!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

جاودان باد خاطره شهدای قهرمان "آرمان خلق"

هفدهم مهرماه امسال شصت سالگرد شهادت پنج تن از رزمندگان دلیر گروه جاوید آرمان خلق است در سالهای سیاه دیکتاتوری رژیم مزدور شاه با مقاومت قهرمانانه خود در خم را به ریوشش مصرف و به تجسس وادار نمود.

رفقای شهید "همایون کشرائی"، "هوشنگ نوه گل"، "بهرام طاهرزاده"، "ناصر کریمی" و "ناصر مدنی" با مقاومت و پایمردی خود حماسه‌ای شکوهمند از ایمان و عشق به توده‌ها را در زیر شکنجه‌های آریامهری به نمایش گذاشتند. این رفقا سرپاهای مجروح خود سرپلند و استوار ایستادند و جلادان خلق را حسرت زده سرپاهای سالمشان به راه تودرآوردند.

این رفقا هرچند در انتخاب خط مشی مبارزه دچار انحراف اساسی بودند، ولی این انحراف شبیه جوهر نمیتواند از اهمیت و نقش مبارزات ضد امپریالیستی این کمونیستهای سرسپرده رزمنده بکاهد.

ما در زیر قسمتهائی از دفاعیات رفیق کارگر هوشنگ نوه گل را در بیدادگاه شاه خائن را که نشاندهنده کینه طبقاتیش به دشمن و عشق و ایمانش به پیروزی و پیروزی زحمتکشان است با استواری و وفاداری این رفقا به آرمان خلق در زیر میاوریم:

یادشان گرامی و خاطره‌شان جاودان باد!

"(من) تا امروز این اطاق دربسته را هرگز دادگاه نخواهم گذاشت. شما چند نفر نیز دادرس نیستید و از دادستر خبری نمیدانید. بلکه جانیان طبقه غالب در جامعه ستمدیده کنونی ما میباشید... من و دیگر رزمندگان راه آزادی بواقع میدانیم که شما میتوانید ما را نابود نمائید ولی حق محاکمه ما را ندارید....

من اعمالی را که انجام داده‌ام با مبانی علمی فلسفی و اخلاقی منطبق میدانم. لذا شما حق ندارید که در مبانی فوق الذکر تردید دهید و درستی یا نادرستی آن را توجیه نمائید.

من به عنوان دشمن آشتی ناپذیر علیه نظام غیر عادلانه و نادرست گام پیش نهاده‌ام و در مقابل هر گونه فشاری را از جان و دل پذیرا میشوم... در کشور ما انسانها در دنیای جدیدی متولد میشوند. در مزارع زندگی انسانها دائماً بدست خار و خاشاک را به کنار میزنند و نهالهای سبز و شاداب را آبیاری میکنند و من در چنین لحظات حیاتی در نهایت مسرت و امید به پیروزی فردا، زندگی را ترک خواهم گفت. آری زندگی را ترک خواهم نمود. نه به این خاطر که از آن سیر شده‌ام بلکه به این دلیل که وقتی زنده ماندن در قبال پرداخت شرافت و زندگی انسانهای دیگر باشد بنظر من مرگ مدبرانه‌تر از آن است. چنین مرگی پایان زندگی و پایان مبارزه در راه زندگی آزاد و شرافتمندانه نیست. بلکه سرآغازی است به خاطر مبارزه بخاطر دیگران...

این مردم همان مردمی هستند که از خونشان جویبارهای خون سی تیر، پانزده خرداد ۴۲ جاری شد...

هیات حاکمه ایران با یاد زدن این همه قدرت این همه استقامت و پایمردی و شهامت که در یک بزرگ تاریخ مبارزات خلقهای ما میدرخشد بر خود بلرزد و عمر پوشالی اش را بسر آمده بداند."

گرامی باد خاطره رفیق شهید، نرگس قجرعضدانلو

چهار سال از شهادت رفیق شهید نرگس قجرعضدانلو میگذرد. او یکی از زنان انقلابی میهن ما بود که استوار و سنگر در راه مبارزه پرداخت و نشان داد که زن ایرانی به رسالتش در همراهی با زحمتکشان و مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش در ایران، بخوبی آگاه است و آماده است که در راه آزادی زحمتکشان ما تا پای جان به پیش رود.

رفیق نرگس در یک خانواده مذهبی در تهران به دنیا آمد و روحیه مبارزاتی حاکم بر خانواده او را به میدان نبرد در راه آزادی و استقلال کشانید. رفیق پس از تحصیل در دانشگاه صنعتی شریف در همانجا به کار پرداخت. او مدتها در ارتباط علنی با مبارزه پرداخته و امکانات خود را در اختیار سازمان های انقلابی قرار میداد. رفیق در نیمه سال ۵۴ بصورت یک انقلابی حرفه‌ای به بخش متشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست و با اعتقاد به مارکسیسم لنینیسم علم رهائی زحمتکشان به پیکار علیه رژیم منفور شاه ادامه داد.

رفیق علاوه بر فعالیت در تهیه و تدوین نشریه داخلی سازمان با پشتکاری و فداکاری بیحد، دیگر وظایف تشکیلاتی اش را نیز انجام میداد. پس از تشدید سرکوب پلیسی - فاشیستی که دژخیمان رژیم دامهای خود را جهت شکار انقلابیون گسترده‌تر کرده بود در نیمه - های سال ۵۵، هنگامیکه مزدوران ساواک و کمیته مشترک به برخی از خانه‌های تیمی و محل های گذر انقلابیون سازمان دست یافته بود رفیق نرگس همچون دیگر همسنگرهایش برای پاک کردن ردهای پلیس شبانه روز تلاش مینمود. در جریان همین تلاش ها بود که در ۱۷ مهر ۵۴ مزدوران ساواک خانه رفیق را محاصره کردند و او در جزیان درگیری مسلحانه نابرابری به شهادت رسید (و یا احتمالا زخمی و سپس در زیر شکنجه شهید گردید.)

رفیق نرگس با عشق به آرمان رهائی بخش طبقه کارگر مرگ سرخ را فریاد کرد اکنون راه او بدوا به وسیله همرزمانش دنبال میشود و در نیست آنروزی که توده‌های مسلح خلق ما این راه گلگون را به پیروزی برگشت ناپذیر برسانند. با رفیق نرگس و دیگر شهدای انقلابی میهن را که در راه آزادی زحمتکشان شهید شدند زنده میداریم!

درود بر شما می شهدای بخون خفته خلق

رفقای هنرمند، درود گرم ما را بپذیرید!

ساعت ۷ بعدازظهر روز پنجشنبه ۵۹/۶/۱۲ گروه سنتر هواداران سازمان ما در سرا رگه به مسجد سلیمان رفته بود. در محل مزکوره با سامه‌ای بنام "اسماعیل کجه بدنبال امپریالیسم را به اجرا درآورد. این نمایش - نامه که با رسائی ساده و هنری مسئله گرانی، بیکاری بحران اقتصادی - سیاسی رژیم، وابستگی به امپریالیستها و مبارزه با اصلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه را افشا میکرد مورد استقبال جمعیت زحمتکشان این محله قرار گرفت بطوریکه از رفقا خواستند که بکنار دیگر نمایشنامه مذکور در این محل اجرا شود.

■ - این رفقا قبلا بعلت اجرای نمایشنامه‌ای انقلابی در فیلمشان بنام احمد دستگیر شده بودند که بر اثر فشار مردم آزاد شدند.

کمکهای مالی دریافت شده

الف	ح	ع	م
۹۵۰۰	۲۷۰۰	۵۵۰۰۰	۷۲۰۰
		۳۰۰۰	۷۴۰۰
ب	ر		۷۰۰۰
۱۲۲۸۰	۶۰۳۰	ک	۴۰۰۰
۳۶۰۰		۴۰۰۰۰	
	ز		ن
ب	۶۵۲۰	ل	۱۰۰۰۰
۲۸۰۰۰	۲۷۰۰	۶۶۰۰	۷۵۰۰
۵۰۰۰			۳۱۰۰
۱۴۷۰۰	س	م	
	۸۳۰۰	۱۱۸۰۰	ه
ج		۳۲۰۰	۱۲۷۰۰
۱۳۰۰۰	ش	۳۷۰۰	
	۱۹۱۷۰	۱۲۰۰۰	
ح	۳۳۲۰	۵۲۲۰۰	
۵۷۰۰		۱۹۹۸۰	
۵۱۵۰	ع	۴۹۰۰۰	
	۲۲۰۰	۵۳۳۰	

الف. ی	۱۰۰۰۰ ریال	ب. س	۸۵۰۰ ریال
ب. ی	۱۵۰۰	ن. الف	۱۲۷۱۰
ن. ق	۲۸۰۰	(ن - ا)	۱۰۰۰۰۰
ک. ز	۴۰۰۰	م. ش	۷۴۰۰
م. د	۱۱۱۰۰	م. د	۱۱۱۰۰
(ع از تهران)	۵۰۰۰	(رفیقی از سدرعباس)	۱۰۰۰۰
ا - ی کرمانشاه)	۲۰۰۰	(رفقای مشهد)	۱۱۰۰۰
(رفقای ده)	۴۰۰۰۰	(رفقای کازرون)	۳۰۰۰۰
(رفیق کارگر ج - الف)	۲۰۰۰		
(رفیق کارگر سنگسری)	۱۰۰۰		
(رفیق کارگر م - س)	۱۰۰۰		
(رفیق شیردل)	۱۰۰۰۰		
(رفیق ن - الف از سامان شهرکرد)	۳۰۰۰		
(رفیق از فرانسه)	۲۰۰۰		
(رفیق ف - ف)	۱۵۰۰۰		
(رفقای هوادار سازمان در کارخانه‌های نساجی)	۲۷۰۰۰۰		
رفقای کارمند هوادار سازمان)	۶۱۰۰۰۰		

بقیه از صفحه ۷ **جنگ...**

زدیدگاه ما جنگها یا عادلانه‌اند، یا غیر عادلانه. ما در جنگهای عادلانه با تمام نیرو شرکت میکنیم. جنگ داخلی بر علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم عادلانه است، همچنین جنگهای ملی بر علیه امپریالیستها عادلانه است. در حالیکه جنگ میان امپریالیستها و رژیمهای ارتجاعی که در جهت منافع امپریالیسم براه افتاده است، غیر عادلانه میباشد. ما جنگهای غیر عادلانه را محکوم می کنیم و عواقبش را به توده‌ها نشان میدهیم. در حالیکه تمامی سختیها و شهادتها و فشارهای جنگ عادلانه را بجان می پذیریم و در آن شرکت میکنیم، چرا که این جنگها در خدمت استقرار حکومت زحمتکشان و نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری قرار دارد.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

یادداشتهای سیاسی هفته

درباره جنگ غیرعادلانه کنونی

از این پس به تفسیر کوتاهی از مهمترین وقایع سیاسی هفته می پردازیم. (البته بحث آن وقایع مهمی که بصورت مقاله جداگانه‌ای در پیکار مورد تفسیر قرار میگیرند) طبیعی است که تفسیر وقایع این هفته به جنگ ایران و عراق اختصاص دارند.

یکم: نطق آیت الله خمینی: تقویت ارتش سرکوب انقلابیون

آیت الله خمینی جمعبندی خود را از جنگ ایران و عراق ارائه داد. این جمعبندی بر چند اصل ارتجاعی متکی است. این نطق بار دیگر جایگاه واقعی آیت الله خمینی را به نیروهای متزلزل جامعه ما بخوبی نشان داد. خمینی جنگ را موجب خیر نامید چرا که به جمعبندی زیر نائل شده است. یک جمعبندی بقیمت کشتار توده‌ها:

اصل اول: ارتش خوب است. خمینی در نطق ۸ مهر خود در مورد ارتش چنین جمعبندی کرد:

"(فدائیان) (البته منظور انقلابیون است) می گفتند: ارتش باید بهم بخورد و از سر یک مسائلی شروع بشود، در این جنگ تحمیلی ثابت شد که ارتش نیرومند است... و همه کسانی که در ارتش هستند در راس ارتش هستند (منظور جلادانی چون فلاحی نژاد عاملین کشتار مردم در زمان شاه است - پیکار) و فادارند و این خود (منظور جنگ است) یک خیری بود که جلوی این شایعات را گرفت."

و بدین ترتیب آیت الله خمینی ارتش سرکوبگر توده‌ها و سرسپردگان رژیم شاهی و امپریالیسم آمریکا را غسل تعمید میدهد ما توده‌های ما میدانند که این ارتش بجز کشتار زحمتکشان و سرکوب انقلاب کارد یگری انجام نداده و نمیدهد. توده‌ها بیاد دارند که همین ارتش و فرماندهان مزدورش در ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور اول محرم و روزهای خونین بهمن چه بر سر آنها می آوردند. آیت الله خمینی و همه جناحهای رژیم و را دیو تلویزیون و مطبوعات بیهوده میکوشند، ارتش را ناجی ملت و فدائی مردم جا بزنند، مردم ارتش را بصورت جلادانی خونخوار در دوران انقلابشان بخوبی دیده اند. ارتش ایران ابزار سرکوب بود امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است و تقویت آن بمعنای ایجاد زمینه مناسب برای بوجود آمدن یک حکومت مددرصد کارگزار امپریالیسم آمریکا می باشد و اکنون رژیم جمهوری اسلامی با تمام قوا در جهت تقویت این نهاد ضد مردمی حرکت میکند.

اصل دوم- انقلابیون بدهستند و یکروزی باید شرشان را کند. خبر دوم از نظر آیت الله اینست:

"هر یک جهت دیگر اینکه این اشخاص که ادعا می کنند و میکردند که ما طرفدار مظلومین هستیم، طرفدار خلق هستیم، فدائی خلق هستیم مجاهده برای مردم می کنیم، ثابت شد به اینکه همه این حرفها صحبتهای خلاف واقع بوده است... با زیه فسادها ئی که اندیشه میکردند ادامه میدهند. لیکن برآنها هم ثابت شد که اگر یک روز دولت ایران بخواهد شر آنها را بکند با یک یورش همه آنها را از بین میبرد و اینهم یکی از خیراتی بود که برای ما در این جنگ تحمیلی حاصل شد."

آقای خمینی از فرصت استفاده میکند تا از فرایض توهم توده‌ها بخاطر جنگ استفاده کند و با استفاده از این شرایط جنگی با شدت بیشتری به سرکوب انقلابیون (البته وقتی آیت الله به "فدائیان" حمله میکند منظورش کمونیستها است و ما نیز فدائیان اکثریت را انقلابی نمی دانیم، آنها یا وارتجاع هستند) بپردازد، اما حمله او به انقلابیون نمی تواند واقعیت طرفداری مجاهدین و کمونیستها را از مردم بپوشاند، هرچند که به آنها دشنام دهند، آمریکائیشان بخوانند (در نماز جمعه در هفته پیش خامنه‌ای مجاهدین را سرانگشتان آمریکا نامید.) زندانشان کنند، تیرباران و شکنجه شان نمایند. اما روزی که همه خلق بدانند، آنوقت.... نطق آیت الله خمینی مبنی بر سرکوب انقلابیون نشانه موج رو به افزایشی است که همزمان بر علیه انقلاب شدت گرفته است. اعلامیه‌های "ستاد امنیت" پر خدپخش کنندگان اعلامیه‌ها، جمع آوری بساطها و دکه‌های کتابفروشی، تشدید دستگیریها و جوخه‌های در کارخانه‌ها و مدارس... ادامه تعطیلی دانشگاهها... گوشه‌ای از این اقدامات را نشان میدهد. اما در مورد قسمت دوم حرف آیت الله، اگر شاه توانست از شرشان خلاص شود، جمهوری اسلامی هم خواهد توانست.

اصول سوم: جنگ خوب است. خبر سوم از نظر آیت الله اینست که جنگ مردم را متحرک و فعال میکند:

"اینها از اموری بود که خیر بود برای ما و علاوه اصل جنگ که واقع میشود و لو تحمیلی است این جنگ ...

بقیه در صفحه ۱۴

جنگهای ارتجاعی: زحمتکشان بر ضد زحمتکشان

★ گلوله‌ها را چه کسانی میسازند؟ تانکها، توپها، هواپیماهای جنگی را؟ کلاشینکف، ژ-۳ و انواع تفنگها و مسلسلها را؟ کارگران.

★ لباسها و پوتینهای سربازی را چه کسانی میدوزند؟ کلاههای خود را چه کسانی میسازند؟ کارگران، کارگران.

★ چه کسانی غذای سربازان را فراهم میکنند؟ کارگران، دهقانان. سلاحها را با پول چه کسانی میخرند، مخارج پادگانها و ارتش از کجا تامین میشود؟! زغارت کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان!

هنگامی که جنگ آغاز میشود، اعتبارات جنگی و مخارج ویژه نظامی از کجا تامین میشود؟! زغارت بیشتر و شدیدتر زحمتکشان! در جنگها، سربازانی که به جبهه میروند و کشته میشوند چه کسانی هستند؟ آنان فرزندان زحمتکشان هستند! در حالیکه سرمایه‌داران در کاخهای امن خود که وسیله خود زحمتکشان که لباس سربازی پوشیده‌اند محافظت میشود، فرمان دفاع از میهن صادر میکنند!

وقتی جنگ شدیدتر میشود و سربازان بیشتر کشته میشوند، جای آنان را چه کسانی میگیرند؟

جای آنها را زحمتکشان میگیرند! کارگران و زحمتکشان را احضار میکنند، از پشت کارخانه‌ها به صفوف جنگ میبرند تا برای منافع سرمایه داران بکشند و کشته شوند! بخصوص اینکه بسیاری از کارخانه‌ها را خراب کرده است و چه جائی بهتر از جبهه برای کارگران بیکار تا در راه حفظ سرمایه جان دهند!

چه کسانی سلاحها را میسازند؟ کارگران و زحمتکشان! چه کسانی مخارج جنگ را می پردازند؟ زحمتکشان، چه کسانی در جبهه‌های جنگ کشته میشوند؟ زحمتکشان! فلاکت و نکبت دامن چه کسانی را میگیرد؟ زحمتکشان! چه کسانی سود میبرند؟ سرمایه‌داران و امپریالیسم جهانی!

اینست قانون جنگ میان دولتهای ارتجاعی! زحمتکشان تاوان جنگ سرمایه‌داران را باید با

بقیه در صفحه ۲۱

ضمیمه (۱) پیکار ۷۵ منتشر شد

دو مقاله از ی. استالین

جنگ

ضمیمه (۲) پیکار ۷۵ منتشر شد

توطئه‌های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

بازهم درباره جنگ ایران و عراق

جنگ غیرعادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق!

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org